



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# کمال هستی در عصر طلایی ظهور

نویسنده:

محمد باقر علم الهدی

ناشر چاپی:

میقات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	کمال هستی در عصر طلایی ظهور
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۰	تقدیم به پیشگاه:
۱۳	فهرست
۱۳	اشاره
۱۵	سخن مترجم:
۲۲	۱- وارسنگی ها و صلاحیت های رهبر الهی:
۲۸	۲- آمادگی شرایط اجتماعی:
۳۴	۳- سخنی با فرزندان:
۴۲	طلیعه
۴۸	هدف آفرینش
۵۶	بخش اول
۶۴	بخش دوم
۶۸	بخش سوم
۷۶	بخش چهارم
۸۲	بخش پنجم
۸۸	بخش ششم
۹۰	بخش هفتم
۹۴	بخش هشتم
۹۴	زوال فقر از جامعه
۱۰۲	بخش نهم
۱۱۰	بخش دهم

۱۱۶ ----- بخش یازدهم

۱۲۶ ----- بخش دوازدهم

۱۴۲ ----- بخش سیزدهم

۱۵۰ ----- بخش چهاردهم

۱۵۸ ----- بخش پانزدهم

۱۶۲ ----- سخن آخر

۱۶۸ ----- درباره مرکز

سرشناسه : علم الهدی، م.ب.

عنوان و نام پدیدآور : کمال هستی در عصر طلایی ظهور/ تالیف م.ب. علم الهدی؛ ترجمه و تنظیم جلال برنجیان.

مشخصات نشر : تهران: میقات، 1378.

مشخصات ظاهری : 160 ص.

شابک : 5000 ریال 964-6934-01-3 ؛ 6500 ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : چاپ دوم: 1379.

یادداشت : عنوان روی جلد: کمال هستی در عصر ظهور.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : کمال هستی در عصر ظهور.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - - غیبت

موضوع : مهدویت - - انتظار

شناسه افزوده : برنجیان، جلال، 1333 -، مترجم

رده بندی کنگره : 4/ BP224/ع 84 ک 8 1378

رده بندی دیویی : 297/462

شماره کتابشناسی ملی : م 78-14138

ص: 1

اشاره

(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَمَّا عَرَّجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَمِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، وَمِنَ السِّدْرَةِ إِلَى حُجْبِ النُّورِ، ناداني رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ: يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ، فَلْيَ فَاحْضَعْ، وَإِيَّايَ فَاعْبُدْ، وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ، وَبِي فَتَقِ، فَإِنِّي قَدْ رَضَيْتُ بِكَ عَبْدًا وَحَبِيبًا وَرَسُولًا وَنَبِيًّا وَبِأَخِيكَ عَلِيٍّ خَلِيفَةً وَبَابًا، فَهُوَ حُجَّتِي عَلَى عِبَادِي، وَإِمَامٌ لِيَخْلُقِي، بِهِ يُعْرَفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي، وَبِهِ يُمَيِّزُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ مِنْ حِزْبِي، وَبِهِ يُقَامُ دِينِي، وَتُحْفَظُ حُدُودِي، وَتُنْفَذُ أَحْكَامِي، وَبِكَ وَبِهِ وَالْبَأْتِمَةَ مِنْ وُلْدِهِ أَرْحَمُ عِبَادِي وَإِمَائِي، وَبِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَتَقْدِيسِي وَتَهْلِيلِي وَتَكْبِيرِي وَتَمْجِيدِي، وَبِهِ أُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي، وَأُورِثُهَا أَوْلِيَائِي، وَبِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِي السُّفْلَى، وَكَلِمَتِي الْعُلْيَا، وَبِهِ أُحْيِي عِبَادِي وَبِلَادِي بِعِلْمِي، وَ لَهُ أُظْهِرُ الْكُنُوزَ وَالِدَخَائِرَ بِمَشِيَّتِي، وَإِيَّاهُ أُظْهِرُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَالضَّائِرِ بِإِزَادَتِي، وَأَمْدُهُ بِمَلَائِكَتِي لِتُؤَيِّدَهُ عَلَى إِنْفَازِ أَمْرِي وَإِعْلَانِ دِينِي؛ ذَلِكَ وَلِيِّي حَقًّا وَمَهْدِي عِبَادِي صِدْقًا)

(بحار الانوار 341/18-342 نقل از امالی صدوق)

ص: 2

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

وقتی مرا به آسمان هفتم، و از آن جا به سدرۃ المنتهی، و از سدرۃ المنتهی به حجاب های نور بالا بردند، خدایم جلّ جلاله به من ندا داد: ای محمد! تو بنده من هستی و من خدای توام. پس تنها برای من خضوع کن، و تنها مرا عبادت نما، و تنها بر من توکل کن، و تنها به من اطمینان داشته باش. زیرا که من از تو، به عنوان بنده و محبوب و رسول و نبی راضی شدم، و برادرت علی را به عنوان خلیفه و باب پسندیدم، که او حجّت من بر بندگانم و امام برای مخلوقات من است. به سبب او- و تنها به سبب او- دوستانم از دشمنانم شناخته شوند. و تنها به سبب او، حزب شیطان از حزب من تمیز داده شود. و تنها به سبب او دین من برپاگردد، و حدود من محفوظ ماند، و احکام من اجرا گردد.

و به سبب تو، و به سبب او، و به سبب امامان از فرزندانش (تنها به سبب شما) بر بندگان خود از مرد و زن رحم می کنم.

و به سبب قائم از شما، زمین خود را با تسبیح، تقدیس، تهلیل، تکبیر و تمجید خود آباد سازم، و به سبب او زمین را از دشمنانم پاک سازم، و آن را به دوستانم به ارث رسانم، و به سبب او، سخن و حکم کسانی را که به من کفر ورزیدند، فرو دست قرار دهم، و سخن خود را فرا دست گردانم.

و به سبب او، بندگانم و شهرهایم را به علمم زندگی بخشم. و برای او گنج ها و ذخائر را به مشیت خود ظاهر سازم. و اسرار و ضمائر را- به اراده خود- تنها برای او ظاهر سازم. و او را با ملائکه خود امداد دهم، تا او را در جهت اجرای امر من و آشکار ساختن دینم تأیید کنند.

او، حقّاً ولیّ من است و براستی «مهدیّ» بندگان من است.

## تقديم به پيشگاه:

سلطان سرير ارتضى عالم

بر ما سبق و ما مَضَى

راضى به قدر و قضا ابوالحسن

على بن موسى الرضا

عليه آلاف التحيّة و الثناء

ص: 4

کمال هستی

در عصر طلایی ظهور

تألیف:

م. ب. علم الهدی

ترجمه و تنظیم:

دکتر جلال برنجیان

ص: 5

فهرست نویسی پیش از انتشار (فیپا)

علم الهدی، م. ب.

کمال هستی در عصر طلایی ظهور/ تألیف م. ب. علم الهدی، ترجمه و تنظیم دکتر جلال برنجیان. - تهران: میقات، 1378.

154ص. شابک: 964-6934-01-3-3964-6934-01-3 ISBN:

1. حجة بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امام دوازدهم، 255ق. - - جنبه های قرآنی. 2. مهدویت- انتظار. 3. مهدویت- ظهور. الف. برنجیان، جلال، مترجم. ب. عنوان

8 ک 8 ع 3/263 BP

297/772

کمال هستی در عصر طلایی ظهور

مؤلف: م. ب. علم الهدی

مترجم: دکتر جلال برنجیان

لیتوگرافی: سپند

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تاریخ و نوبت چاپ: اول؛ 1378

ISBN: 964-6934-01-3

ویراستار دیجیتال: لیلا کریمی

ص: 6

\* سخن مترجم...9

1- وارستگی ها و صلاحیت های رهبر الهی...16

2- آمادگی شرایط اجتماعی...22

3- سخنی با فرزندانگان...27

\* طلوعه...35

\* هدف آفرینش...41

بخش اول: کمال زمین از جهت رویش گیاه و نزول باران...49

بخش دوم: قرار گرفتن زمین در اختیار افراد برای کار...57

بخش سوم: ظاهر شدن معادن، گنج ها، کنز، جمع اموال، تقسیم

اموال عمومی به تساوی...61

بخش چهارم: وسعت بلاد و نورانی شدن زمین...69

بخش پنجم: صلح بهائم و سباع و اطاعت آن ها از مؤمنین...75

بخش ششم: جوانی اصحاب امام علیه السلام...81

بخش هفتم: طولانی شدن عمر افراد و ازدیاد نسل...83

بخش هشتم: زوال فقر از جامعه...87

بخش نهم: زوال امراض بدنی و برومند شدن ابدان و ارواح...95

بخش دهم: زوال کینه از دل ها و تکامل اخلاق و ایمان...103

بخش یازدهم: تکامل عقول و گسترش علم...109

بخش دوازدهم: نابودی دشمنان خدا و اجتماع بر بندگی خدا...119

بخش سیزدهم: ارتباط امام عصر علیه السلام با غیب و حکم به واقع...135

بخش چهاردهم: استقرار عدالت و امنیت...143

بخش پانزدهم: نابودی شیطان...151

\* سخن آخر...155

ص: 8

تکامل و تعالی انسان ها به عوامل فراوانی بستگی دارد که از آن جمله، وجود مریی دانا و توانا و دلسوز به حال انسان، همراه جامعه ای سالم را می توان نام برد، که در پناه آن انسان ها به کمال مطلوب دست یابند. ولی تاریخ نشان می دهد که اکثر تمدن های بشری، به خاطر عدم برخورداری از عوامل رشد و نقایصی در توان اداره جامعه به افول گراییده است. این نقصان ها نوعاً به خاطر عدم واجدیت های لازم برای اداره صحیح و متعادل جامعه، یا کمبود معنویات و عدم توجه به مبدا فیاض، یا نقصان نیروهای پروا پیشه و وارسته که هوس ها و خواسته های شخصی خود را بر منافع عموم مردم ترجیح ندهند، یا عدم امکانات اجتماعی و ناتوانی های مالی، یا عدم ایجاد عدالت اجتماعی و عدم میل بشر به رشد و ترقی بوده است. تمدن هائی که مسلمین نیز تا قرن هفتم و هشتم هجری در جهان بر پا کرده اند، به خاطر عدم واجدیت های لازمه برای برپائی یک حکومت صالح، چون دیگر حکومت ها دوران اقتدار آن ها هم به اتمام رسید و دولتشان سقوط کرد. حتی سفرای الهی نیز گرچه در جنبه هدایت خلق موفقیت های فراوانی بدست آوردند و ارزش های الهی را به گوش مردم رسانیدند، ولی به خاطر فراهم نبودن شرایط لازم و همراهی نکردن امت، توفیق برپائی جامعه ای وارسته به صورت پایدار را بدست نیاوردند، زیرا جامعه صالح، آن جامعه ای است که مردم خود گناه نکنند و در برپائی عدالت اجتماعی همراه سفرای الهی شوند. قرآن کریم می فرماید:

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) (1)

به تحقیق فرستادگان خود را با نشانه های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان فرود آوردیم تا آن که مردم اقامه قسط و داد کنند.

انبیاء مردم را فرا خواندند که خود در سایه تعالیم الهی، به اقامه قسط و داد قیام کنند، و بر هم ستم و عدوان نکنند، و در سایه این تعالیم، هم خود و هم دیگران به آسایش و امنیت زندگی کنند، و به حقوق یکدیگر تجاوز نکنند. ولی هواپرستان از بشر، برای برتری جویی و استکبار، سخنان انبیاء را تکذیب کردند و بر علیه آنان قیام نمودند. و آن منادیان الهی را- که بدون هیچ گونه چشمداشت و طمع- تنها جهت ترقی و تعالی بشر اقدام کرده بودند، در نهایت مظلومیت طرد کردند. ازّه بر فرق حضرت زکریا نهادند، حضرت یحیی را در نهایت مظلومیت کشتند، ارمیای نبی را در قفس شیران افکندند، اصحاب رسّ (2) هفتاد پیغمبر خدا را ناجوانمردانه کشتند، به خاطر چند روز غیبت حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل- به دنبال شیطنت سامری- بر حضرت هارون وصی حضرت موسی هجوم بردند و بنای قتل او را گذاشتند، و یهودیان تصمیم بر اعدام حضرت مسیح گرفتند. در دوره اسلام، نبی مکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله پس از بیست و سه سال تلاش و هدایت، ستیز با دشمنان خدا، استقرار کلمه توحید در جزیره العرب، نصب امیرالمؤمنین به عنوان خلیفه الهی و جانشین به حق خود و ارجاع خلق بر در خانه اهل البیت، چون از این جهان رحلت فرمود، فرصت طلبان حقّ تنها

ص: 10

1- سورة حدید، آیه 25.

2- اصحاب رسّ قومی بودند که در طرف آذربایجان ایران زیر رود آرس زندگی می کردند و جشن های سیزده روز اول سال شمسی از سنن آن قوم می باشد.

فرزند او فاطمة زهرا را غصب کردند، بازوی او را خستند، پهلویش را شکستند. همسر او- همان خلیفه خدا در زمین، امیرالمؤمنین، یعسوب الدین، امام المتقین و قائد الغر المحجلین را ریسمان برگردنش افکندند، به زور به مسجد بردند، تیغ بر سرش قرار دادند، در سایه تیغ از او بیعت خواستند، و امیرالمؤمنین سکوت کرد، زیرا عدالت و آئین تنها در سایه شمشیر مستقر نمی شود، بلکه شمشیر وسیله دفاع از حق است نه عامل استقرار حق؛ و حکومت صالح جهانی اسلام نیز تنها در پناه شمشیر فراهم نمی آید، بلکه باید عموم مردم جهان پس از واخوردگی از تمامی ادعاهای دروغین مدعیان کاذب، رو به سوی حضرت حق کنند و از صمیم جان خواستار حق گردند، و امیال و هوس های حیوانی را در راه نیل به کمال انسانی فدا کنند.

طیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک \*\*\* چو درد در تو نبیند که را دوا بکند

ولی با وجود تمام مخالفت های خلق با سفرای الهی، خداوند متعال از نظر اتمام حجت، در میان تمام خلائق فرستادگان خود را قرار داده، تا اگر مردم بخواهند رو به سوی حق آورند، آنان راهنمایان بشر شوند و دستگیر آنان گردند. خدای متان در قرآن می فرماید:

(وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ) (1)

ما سخن (تکوینی یعنی حجج و فرستادگان خود) را پیوسته داشتیم، شاید که ایشان تذکر گیرند.

پس از درگذشت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله جماعتی فرصت طلب از روش پیشینیان پیروی کردند، به دلیل بد سرشتی و یا پیروی از خواسته ای حیوانی، با تمام سفارش های آن حضرت در مورد تمسک به قرآن و عترت مخالفت کردند، و شمشیرهای بُران برگردن اوصیای او قرار دادند، و جملگی

ص: 11

1- سورة قصص، آیه 51.

اوصیای او را- یا به شمشیر و یا به سمّ به قتل رسانیدند، شمشیر بر فرق مبارک علی مرتضی علیه السلام زدند و پرچم هدایت الهی را سرنگون کردند. ولی خدا به لطف بی کران خود آیندگان را مخدول نداشت و ولایت الهی را به وجود امام مجتبی علیه السلام اقامه فرمود. اما آن بزرگوار را با سمّ شهید کردند و پیکر مطهر آن حضرت را در میان تابوت تیر باران کردند. باز خدا این عنایت را به وجود گرانقدر حضرت حسین بن علی علیهما السلام امتداد داد. دگر بار جمع کثیری از مسلمین- که تعداد آن ها را تا پانصد هزار نفر هم گفته اند- به بهانه های کودکانه، آن حضرت را محاصره کردند، و او را همراه اتقیا از فرزندان علی مرتضی و امام مجتبی و جناب جعفر طیار و جناب عقیل، در نهایت جنایت به قتل رسانیدند، و- برای اولین بار در تاریخ بشریت- خاندان پیغمبری را به عنوان اسیر جنگی به اسارت بردند. خدا به قدرت خود، حضرت سید الساجدین علیه السلام را در چنگال آن دژخیمان سالم نگهداشت، تا دگر بار آیندگان را بر حقّ متعال کلامی نماند. اما آن حضرت را هم با سمّ شهید کردند، خداوند این نعمت را از بشر سلب نکرد و به وجود حضرت باقر علیه السلام حجت الهیه را اقامه فرمود. اما آن حضرت را هم به شهادت رسانیدند. خدا لطف خویش را بر بشر اتمام کرد. در حالی که می دانست این بشر به راه نمی آید، جز افرادی اقلّ و محدود، باز وصایت الهیه را به وجود حضرت صادق علیه السلام یادداشت. ولی آن حضرت به دست منصور دوانقی به شهادت رسید. خدای متعال این نعمت را به کلی سلب نکرد و به وجود ذی جود حضرت کاظم علیه السلام این عطیه عظمی و این موهبت علیا را ادامه داد. ولی آن حضرت، مقدار زیادی از عمر شریف خود را در زندان هارونی سپری کرد و سرانجام به سمّ آن پلید به تبار پاک خود ملحق شد. برای آن که خدا، صفت بی کران لطف عمیم خود را آشکار فرماید، امامت الهی را به وجود حضرت رضا علیه السلام اقامه کرد. گر چه مأمون عبّاسی در ظاهر آن حضرت را ولایتعهد خواند، اما سرانجام آن حضرت را شهید کرد. خداوند این نعمت را سلب نکرد، و به وجود گرانقدر حضرت محمد بن علی جواد آل

محمد بشر را مشمول عنایت دیگری قرار داد، ستمگران دائرة ظلم و ستم را بر خاندان پیغمبر گسترش دادند. مردم نیز با سکوت و همراهی، ستم آن ستمگران را تأیید کردند، اهل البیت را از زندگی در مدینه رسول محروم نمودند، حضرت جواد را در پایتخت تحت نظر گرفتند و بالاخره آن حضرت را هم شهید کردند. دگر بار فضل الهی از جوشش باز نماند، و خدا این نعمت را به وجود حضرت هادی سلام الله علیه امتداد داد. ولی با انتقال پایتخت از بغداد به سامرا، آن حضرت را در پایتخت عباسی تحت نظر گرفتند، و در لحظه ورود به سامرا ایشان را در «دار الصّٰغالیٰک» (گدا خانه) نگهداشتند، و سرانجام پس از آزارهای فراوان، آن حضرت را به شهادت رسانیدند. خدای متعال بشریت را مورد عذاب بی کران خود قرار نداد، گرچه جا داشت که همه بشر جز آل الله علیهم السلام- را در پی شهادت زهرای اطهر و همسر گرامی او و اطائب از فرزندانش علیهم السلام- به عذاب های آسمانی، حَسَف های زمینی، طوفان ها هلاک کننده، بارش سنگ های آسمانی، غرق کردن در دریاها و زلزله های عمومی و... نابود کند. اما باز به برکت پیغمبر اسلام- که نبی رحمت است و به خاطر گراندتر آن حضرت، امت آن پیغمبر، امت مرحومه می باشد-، این عنایت را به وجود حضرت عسکری سلام الله علیه به نهایت رسانید، و آن حضرت را برای منصب امامت و ولایت اقامه فرمود. اما حضرتش را در ابتدای جوانی به شهادت رسانیدند، و نسبت به این همه لطف بیکران خدای متعال، نهایت ناسپاسی را بجای آوردند. خدای بزرگ برای آن که نعمتش را از بشریت تا دامنه قیامت سلب نکرده باشد، این نعمت را به وجود مسعود حضرت بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن علیهما السلام علال اتمام کرد. البته دست ستمگران را از آن جناب کوتاه فرمود، ولی اختیار و پاکان را از فیض حجّت خود محروم نکرد. و راه توبه و بازگشت را بر بشر مفتوح داشت که اگر بخواهند، به سوی حق روی آورند، از تمامی جنایات تاریخی خود دست بردارند، آمادگی برای اقامه آخرین سفیر الهی را در محضر حق- به صدق و راستی، نه سخن گزاف و

دروغ- اثبات کنند، ظهور منجی الهی را درخواست کنند، خود را برای پرواپیشگی آماده کنند تا بارِ آن جامعه صالح را به دوش کشند، و خود گرفتار ظاهر فریبی نفاق پیشگان نشوند. در این صورت، خدا آن حضرت را ظاهر فرماید و بشریت را از این گرفتاری و تباهی برهاند و طومار ظلم و ستم را در هم پیچد. ولی اگر راه پیشینیان را پیش گیرند، بشر از حضور فعال آن حضرت در محرومیت باقی بماند، تا آن زمان که از نسل پاکان، یاران حضرت بقیة الله الاعظم به وجود آیند و آن حضرت را اقامه کنند. خدای متعال وعده فرموده که این کار صورت می پذیرد و آن حجت الهی روزی ظاهر می شود. خدا در قرآن می فرماید:

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّخَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا) (1).

خداوند به آنانی از شما که ایمان آورده اند و نیکوئی ها را بجای می آورند، وعده فرموده است که ایشان را در زمین، جانشینان (خویش) قرار دهد، هم چنان که پیشینیان از ایشان را جانشین گردانید و آیینی که برای ایشان پسندیده است، ریشه دار و پایدار سازد. پس از (دوران) ترس ایشان، آرامش و امنیت را برایشان برقرار سازد (تا) مرا بپرستند و برای من چیزی را شریک و انباز قرار ندهند.

باری، تمدن صالح و پایدار آینده جهان، زمانی آشکار می شود که بشریت پس از تجربه تمام راه ها و روش های مختلف از ادعاهای واهی مکاتب

ص: 14

گونگون به ستوه آید، و از صمیم جان باور کند که این مکاتب و راه و روش ها هرگز نمی توانند سعادت مطلوب را برای جوامع بشری به ارمغان آورند، و از سویدای جان آماده حکومت حضرت مهدی علیه السلام شود. قیام آن بزرگوار، به اجازه پروردگار، زمانی آشکار می شود که بشر آماده پذیرش آیین حق گردند و شیعیان این خاندان آماده یاری حضرتش شوند. زیرا بخش عمده حکومت آل محمد علیهم السلام بر دوش مردمان است و باید گروهی آماده اقامه آن حضرت گردند. امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن خطبه ششقیه می فرماید:

(أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ التَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقَارُوا عَلَى كِظَّةِ الظَّالِمِ وَلَا سَعْبِ الْمَظْلُومِ لِأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَلَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِهَا.)

آگاه باشید! سوگند به خدائی که میان دانه را شکافت و انسان را آفرید، اگر نبود اجتماع مردم (در آستانه) من، و قیام حجت خدا (که) در صورت وجود یاور (لازم است)، و اگر نبود عهد الهی که خدای تعالی از دانایان گرفته تا بر سیری ظالم و گرسنه ماندن مظلوم راضی نشوند، هر آینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می انداختم، و آخر خلافت را به کاسه نخست آن آب می دادم.

باری حجج الهی بدون خواست مردمان اقدام به قیام نمی کنند، چون آئین اسلام در واقع حکومت بر دل هاست، و حکومت بر تن ها به دنبال آن تحقق می پذیرد. و آن اسلام در روز واپسین مقبول است که سایه بر جان افکنده باشد نه سایه بر تن، و در خلوتکده دل مورد پذیرش قرار گرفته باشد نه بر لقلقله زبان. خدای متعال در قرآن کریم می فرماید:

هیچ اکراه (و فشار روحی) در پذیرش دین نیست.

خدای متعال در پی رهنمود خلق و قرار دادن حجج خود در میان ایشان، به مردم آزادی و اختیار داده است که به حُسن اختیار خود، از صمیم جان به سوی خدا آیند، چنان که می فرماید: (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) (2) «ما راه هدایت را بر بشر نشان دادیم، خواه شاکر باشد و راه جوید و خواه کفران کند و به راه نیاید».

حکومت آل محمد علیهم السلام هم وسیله تحقق آرمان های پیغمبر اسلام و خواست الهی است، و این مهم جز با رضامندی عموم خلق اقامه نمی شود. آن حکومت موعود و آن جامعه مسعود، در تحت لوای آخرین وصی پیغمبر اسلام بر پا می شود، چرا که خدا آن حضرت را برای این مهم اقامه فرموده، قدرت و مُکنت لازم را به او ارزانی کرده، خلق را به پیروی از او فراخوانده و ابزار لازم برای این کمال مطلوب را به آن حضرت اعطاء کرده که در زیر به برخی از آن ها اشاره می شود:

### 1- وارستگی ها و صلاحیت های رهبر الهی:

الف- عصمت: خدای متعال، راهنمایی بشر را بر عهده بنده صالح خود حضرت حجة بن الحسن علیهما السلام قرار داده است. او یگانه انسانی است که امروز خدای متعال، معصوم بودن او را امضا فرموده است. اوست که از هر پستی و آلودگی، اشتباه کاری و خطا برکنار است، و هیچ پلیدی و ناپاکی در او یافت نمی شود. خدای متعال درباره او و پدران گرامی اش و ناموس کبریا، صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیهم السلام فرموده است:

ص: 16

---

1- سورة بقره، آیه 256.

2- سورة دهر، آیه 3.

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) (1)

همانا خدا چنین خواسته است که تمامی ناپاکی ها را از شما اهل بیت بزدايد و شما را از همه پلیدی ها پاک نماید.

حضرت رضا علیه السلام در دعائی که به یونس بن عبد الرحمن تعلیم فرمودند، در فرازهایی از آن درباره حضرت مهدی علیه السلام می فرمایند:

(فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَأَصَدَّ طَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَعَصَمَتْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَسَدَّ لِمَتِّهِ مِنَ الدَّنَسِ. اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَلَا أَتَى حُوبًا وَلَا لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَلَا لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً وَلَا لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَلَا لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَلَا لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً) (2).

خدایا همانا او (مهدی موعود) بنده توست که او را برای خودت خالص فرموده ای، و بر غیب و پنهانی خویش برگزیده ای، و او را از هر گناه دور داشته ای، و از هر عیب و نقصی در امان قرار داده ای، و از هر پلیدی پاکش فرموده ای، و از هر آلودگی سالم داشته ای. خدایا ما در روز قیامت و همان روز حادثه شگفت، شهادت می دهیم که همانا او (حجة بن الحسن) هیچ گناهی مرتکب نشده و خطائی را بجا نیاورده و هیچ طاعت و

ص: 17

1- قرآن کریم، سوره احزاب، آیه 33.

2- «جمال الاسبوع»، سید بن طاووس، در اعمال روز جمعه.

فرمانبرداری را ضایع و نابود نکرده و هیچ حرامی را مرتکب نشده و هیچ فریضه ای را واژگون نکرده و هیچ آیین و شریعت را تبدیل ننموده است.

او عصارة انسانیت و خلاصة فضیلت است. امیر مؤمنان علیه السلام در وصف امام قائم علیه السلام می فرماید:

او هوای نفس را مطیع و تابع هدایت می کند، آن گاه که مردم هدایت را معطوف هوی و هوس نمایند و رأی و نظر را تابع قرآن می گرداند، در حالی که مردم، قرآن را تابع هوای نفس قرار دهند (1).

خُلُق و خوی او چون خُلُق و خوی پیامبر صلی الله علیه و آله است و واجد همان والائی ها و بزرگواری های رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد؛ همان پیامبرِ رحمتی که دامنه عطفش به همه جا کشیده و موافق و مخالف در برابر خُلُق نیکوی او سر تسلیم فرود آورده اند.

امیر مؤمنان علیه السلام نگاهی به امام حسین علیه السلام افکند و فرمود:

خداوند از صلب و نسل او مردی را می آفریند که همنام پیامبر شماس است و در خلقت و خوی شبیه اوست... با خروج او ساکنان آسمان ها خوشحال می شوند (2).

او زهدی چون زهد امیر المؤمنین علیه السلام دارد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی قائم ما اهل بیت بپاخیزد، لباس های علی علیه السلام را به تن

ص: 18

---

1- «بحار الانوار»، علامة مجلسی، ج 130/51 نقل از «ترجمة مکیال المکارم»، سیّد محمد تقی اصفهانی، ترجمة حائری قزوینی، ج 1/149.

2- «الغیبة»، ابن ابی زینب نعمانی، نقل از «ترجمة مکیال المکارم»، سیّد محمد تقی اصفهانی، ترجمة حائری قزوینی، ج 1/113.

می کند و روش او را پیش می گیرد (1).

صبر و شکیبائی و تحمل سختی و بردباری، یکی از عوامل مهم در پیشبرد اهداف الهی است. سفرای الهی با سلاح صبر و شکیب، به آرمان های الهی خود جامه عمل پوشانیده اند. امام مهدی علیه السلام نیز الگوی شکیبائی است. در لوحه ای که از جانب خدا در ولادت امام حسین علیه السلام بر حضرت زهرا علیها السلام نازل شد در ویژگی امام مهدی علیه السلام دارد:

در او کمال موسی و نورانیت عیسی و صبر و شکیبائی ایوب وجود دارد (2).

دامنه مهمان نوازی او، مهمان نوازی ابراهیم خلیل را به یاد می آورد. شریف و وضیع، غنی و فقیر، دانا و نادان، بزرگ و کوچک بر سرِ خوان احسان او یکسان می نشینند. سید بن طاووس می گوید: پس از خواندن زیارت امام زمان در روز جمعه بگویید:

(تَزِيلُكَ حَيْثُ مَا أَتَجَهْتُ رِكَابِي \*\*\* وَصَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ) (3)

هر جا که فرود آیم و راحله ام به هر سو که روان شود، بر تو وارد می شوم و در هر کجای از شهرها باشم، میهمان تو هستم.

خلاصه حضرت مهدی علیه السلام، هم از نظر سجایای انسانی و والائی شخصیت، و هم از نظر دانش و بینش، آن چنان والا گهر است که نمونه اش را

ص: 19

---

1- «الكافی»، کلینی، ج 1/ 411، نقل از «ترجمة مکیال المکارم»، سید محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج 1/ 129.

2- «کمال الدین»، شیخ صدوق، ج 1/ 310، نقل از «ترجمة مکیال المکارم»، سید محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج 1/ 181.

3- «جمال الاسبوع»، سید بن طاووس، در اعمال روز جمعه، نقل از «ترجمة مکیال المکارم»، سید محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج 1/ 139.

جز در میان خاندان معصوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نمی توان جست، اوست که خدای متعال صلاحیت رهبری او را تأیید فرموده است، و بیان کرده است که از او جز نیکوئی به افراد نمی رسد. خدای متعال در قرآن می فرماید:

(بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ) (1)

بازمانده خدا (مهدی) برای شما (مطلق) نیکوئی است اگر در زمرة مؤمنان باشید.

یکی دیگر از ویژگی های مهم در وجود رهبران الهی، بزرگواری و قدر شناسی آنان می باشد. حضرت مهدی علیه السلام- به عنوان وارث انبیا- برخوردار از صفات و سجایای بلند انسانی است که به نمونه ای در زیر اشاره می کنیم:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

اولین کاری که مهدی علیه السلام انجام می دهد این است که در عالم ندا می کند: «توجه کنید هر کس بر عهده یکی از شیعیان ما قرضی داشته باشد آن را بگوید»، تا این که دانه سیر و خردل را هم به صاحبان آن ها برساند، چه رسد به طلاها و نقره ها و املاک زیاد که همه را ادا کند (2).

اولین کاری که آن حضرت در زمان ظهور انجام می دهد، بر آوردن تمام دیون شیعیان از آغاز امامت امیر مؤمنان علیه السلام تا هنگام ظهورش می باشد. یعنی یاد انسان هائی را فراموش نمی کند که در طول اعصار و قرون، دل در گرو حضرتش داشته اند و در آرزوی دولت آل محمد علیهم السلام بوده اند.

باری او در فضیلت ها و والائی ها بی همتاست و امروز صدر کائنات است و انسانی کامل و برخوردار از همه ویژگی های نیکان؛ و خلاصه «آن چه خوبان

ص: 20

1- قرآن کریم، سوره هود، آیه 86.

2- «بحار الانوار»، علامه مجلسی، ج 34/53 نقل از «ترجمة مکیال المکارم»، سید محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج 1/177.

همه دارند او تنها دارد».

ب- دانش: از نظر دانش و بینش، باید گفت که آن حضرت، امروز همتای جدش علی بن ابیطالب علیه السلام است و دانش های علوی در سینه او موج می زند. دانش او در فهم بشر مرز و اندازه ای ندارد.

در این جا به نقل حدیثی بسنده می کنیم و گسترده این سخن را به بخش مربوطه در متن کتاب ارجاع می دهیم.

امام موسی کاظم علیه السلام و درباره علم آل محمد علیهم السلام فرمودند:

دانش ما امامان بر سه گونه است:

علم به گذشته، علم به حال و علم به آینده. اما دانش نسبت به گذشته، همان است که (از جانب خدای متعال) برای ما تفسیر شده است. و اما علم به حال که به وسیله کتاب ها (و نوشته های پیشین که از پیامبر اسلام و حضرت زهرا و... به ما رسیده است) به دست می آید. و اما علم به آینده که آن به وسیله الهام در دل و یا به صورت سخن گفتن (فرشته) در گوش امام می باشد. و این برترین دانش ماست. و هرگز پیامبری پس از پیامبر ما نخواهد بود (1).

آن حضرت، گنجینه دانش الهی در زمین است و تمام علوم پیامبران گذشته به آن حضرت ارث رسیده است. او به زوایای این جهان گسترده آگاهی دارد، راه های آسمان را به گونه ای می شناسد که دانشمندان امروز، حتی نسبت به راه های زمینی آن چنان آگاهی ندارند. او دستی بر تمام گیتی دارد و با ساکنان دیگر عوالم چنان سخن می گوید که ما با زمینیان سخن می گوئیم.

ج- قدرت غیبی: برای پیشبرد اهداف معنوی و تحقق بخشی حکومت

ص: 21

---

1- «اصول کافی»، محمد بن یعقوب کلینی، ج 1/264.

عدل الهی، دست غیبی لازم است هم چنان که تمام انبیا در کنار واجدیت های انسانی، قدرت های الهی نیز داشته اند، و با برخورداری از آن قدرت ها بر دشمنان حق پیروز شده اند. چیرگی حضرت نوح بر کافران، غلبه حضرت ابراهیم بر آتش نمرودیان، نجات بنی اسرائیل به دست حضرت موسی از ستم فرعونیان و... جملگی به مدد های غیبی و توانایی های الهی آنان بوده است. امام زمان علیه السلام نیز واجد تمام توانایی ها و معجزات و بینات انبیا است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هیچ معجزه ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست، مگر این که خداوند تبارک و تعالی مانند آن را به دست قائم علیه السلام ظاهر می گرداند تا بر دشمنان اتمام حجت کند (1).

## 2- آمادگی شرایط اجتماعی:

الف- نیروهای کارآزموده و بی آرایش: یاران حضرت مهدی علیه السلام- همان هائی که حکومت جهانی حضرتش را به دوش خواهند کشید- بزرگوارانی هستند که بسان آنان در تاریخ بشر، کم پیدا شده است. آنان افراد والاگهری می باشند که از همه ویژگی های نیکو بهره ای دارند.

امیر مؤمنان علیه السلام درباره یاران امام زمان علیه السلام می فرماید:

آن ها قومی هستند که با صبر و شکیبائی خود، بر خدا منت نمی نهند و جانبازی خود را در راه حق بزرگ نمی شمارند. هنگامی که حادثه ای روی دهد و زمینه یأس پیش آید، دیده هایشان را از برق شمشیر جلوه می دهند، و به فرمان

ص: 22

---

1- «اثبات الهداة»، شیخ حرّ عاملی، ج 357/7 نقل از «ترجمة مکیال المکارم»، سید محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج 1/

امامشان به پروردگار خود تقرب می جویند. آن ها همگی شیرهای ژبانی هستند که از جنگل های خود بیرون آمده اند. اگر اراده کنند که کوه ها را از جای خود برگنند، بی تردید انجام می دهند. آن ها به حقیقت توحید خدا راه یافته اند. برای آن ها در دل شب، از ترس خدا، ناله هائی است چون ناله مادران داغ پسر دیده، شب زنده داران در دل شب و روزه داران در طول روز هستند. گوئی اخلاق و آداب آن ها یکی است. دل های آن ها بر محبت و شفقت و خیر خواهی گرد آمده است (1).

حضرت صادق علیه السلام در توصیف ایشان می فرماید:

... مردانی هستند که دل های آن ها چون قطعه های آهن است که هرگز شک و تردید در آن ها راه ندارد. آن ها در اعتقاد خود نسبت به خدا از سنگ سخت تر هستند. اگر به کوه ها هجوم ببرند، آن ها را از پای در می آورند، با پرچم های خود به هیچ کشوری روی نمی آورند، مگر این که آن را فتح می کنند. بر فراز اسب های نجیب خود، دست بر زین اسب امام علیه السلام می کشند و تبرک می جویند. آن ها به هنگام نبرد، پروانه وار شمع وجود امام علیه السلام را در میان گرفته، محافظت می کنند. و هر چه حضرتش اراده کند آن را بر می آورند. مردان شب زنده داری هستند که شب ها نمی خوابند و زمزمه نمازشان چون نغمه زنبوران از کندو به گوش می رسد. شب ها را با شب زنده داری سپری می کنند و بر فراز اسب ها خدا را تسبیح می گویند. آن ها در

ص: 23

برابر فرمان امامشان، از بنده مطیع نسبت به مولایش، مطیع تر هستند. گوئی دل های آن ها مشعلی نورانی است و آن ها از ترس پروردگار خود نگران هستند...

شعار آن ها «یا لثاراتِ الْحُسَيْنِ» (ای خونخواهان حسینی) است. رُعب و وحشت آن ها مسافت یک ماه جلوتر از خودشان پیش می رود و آن ها فوج فوج به سوی مولا (ی خود) حرکت می کنند. خداوند به وسیله آن ها امام حق را یاری می فرماید (1).

و نیز امیرمؤمنان علیه السلام و در ضمن حدیث طولانی در وصف بیعت یاران حضرت مهدی علیه السلام چنین می فرمایند:

... با او بیعت می کنند که هرگز:

دزدی نکنند،

زنا نکنند،

مسلمانی را دشنام ندهند،

خون کسی را به ناحق نریزند،

به آبروی کسی لطمه نزنند،

به خانه کسی هجوم ببرند،

کسی را به ناحق نزنند،

طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند،

در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند،

مسجدی را خراب نکنند،

ص: 24

مشروب (مست کننده) نخورند،

حریر و خز نبوشند،

در برابر سیم و زر، سر فرود نیاورند،

راه را بر کسی نبندند،

راه را ناامن نکنند،

گردِ همجنس بازی نگردند،

خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند،

به کم قناعت کنند،

طرفدار پاکی باشند،

از پلیدی گریزان باشند،

به نیکی فرمان دهند،

از زشتی ها باز دارند،

جامه های خشن بپوشند،

خاک را متکای خود سازند،

در راه خدا حقّ جهاد را ادا کنند، و...

امام مهدی علیه السلام نیز در حقّ خود تعهّد می کند که:

از راه آن ها برود،

جامه ای مثل جامه آن ها بپوشد،

مرکبی همانند مرکب آن ها سوار شود،

آن چنان که آن ها می خواهند باشد،

به کم راضی و قانع شود،

زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند آن چنان که پر از ستم شده است،

ص: 25

خدا را آن چنان که شایسته است بپرسند.

برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و... (1)

خلاصه یاران مهدی علیه السلام انسان های والاتباری هستند که نمونه آن ها در میان گذشتگان بسیار اندک، و در میان آیندگان نادر و کمیاب می باشد. اینان هستند که بار مسؤلیت حکومت واحد جهانی را در سرتاسر گیتی بر دوش می کشند و منادیان جهانیان به سوی آیین اسلام و مذهب بر حق تشیع هستند.

ب- امکانات و توانایی های مالی: یکی از مشکلات مهم هر نظام اجتماعی، ناتوانی های مالی آن است. در حکومت امام زمان علیه السلام خدای متعال گنجینه های پنهانی خویش را در اختیار آن حضرت قرار می دهد و در دوران حکومت این امام مشکلی به نام مشکل اقتصادی مطرح نخواهد بود. امام صادق علیه السلام در ترسیم اوضاع مالی آن دوران در ضمن حدیثی می فرماید:

چون قائم ما به پا خیزد... زمین گنج های خود را آشکار می سازد، به گونه ای که (این گنج ها) بر سطح آن دیده می شود. چون فردی از شما برای ادای زکات خود، در صدد یافتن شخصی (نیازمند) بر می آید، کسی را نمی یابد که آن (مال) را بپذیرد. مردم به فضل الهی از آن چه به ایشان روزی می فرماید، بی نیاز می شوند (2).

ج- همگامی مردم با حضرتش: تمدن جهانی حضرت مهدی علیه السلام پس از شکست همه روش ها و مکتب ها و تمام داعیان اصلاحگری ها بر سرکار خواهد آمد. مردمان در می یابند که این مکاتب، هرگز نمی توانند سعادت مطلوب را برای بشر به ارمغان آورند، و تمدن حاکم بر جهان، از عهده حلّ نیازهای

ص: 26

---

1- «منتخب الاثر»، لطف الله صافی / 469.

2- «ترجمه اعیان الشیعه» (آشنائی با امام زمان علیه السلام)، سید محسن امین / 349.

واقعی بشریت بر نمی آید. لذا از جان و دل به حکومت آل محمد علیهم السلام روی می آورند. آن حکومت، بر اساس نیازهای فطری بشر ترسیم می شود، خواسته ای دیرینه انسان ها را برآورده می کند، یاد خدا را در دل ها زنده می کند، در سایه ایمان به حق قلب ها آرامش می یابد، آسودگی بر روان بشریت سایه می افکند، اضطراب ها از بشر رخت بر می بندد. دیگر نه مشکل اقتصادی مطرح است و نه ترس از بیدادگری بیدادگران، نه مشکل جا و مکان وجود دارد و نه مشکل بیماری و درماندگی. این عوامل، یک ثبات اجتماعی را به همراه می آورد. و عموم مردم که با مشکلات طاقت فرسای قبل از ظهور درگیر بوده اند، در مدینه فاضله اسلام آرام می گیرند، و تمامی بیدادگران و اخلاط لگران و فساد انگیزان نابود می شوند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم فرمودند:

شما را به مهدی بشارت می دهم که در امت من برانگیخته می شود... زمین را از عدل و داد پر می کند چنان که از ستم و بیداد پر شده باشد، ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود می شوند (1).

### 3- سخنی با فرزندانگان:

از عوامل مؤثر در ظهور حضرت بقیة الله الاعظم به دو نکته می توان اشاره کرد:

1- یکی آمادگی مردم جهان برای قیام آن حضرت

2- در خواست از خدای متعال برای آشکار شدن آن حضرت

لذا بر تمامی فرزندانگان و صاحبان قلم و کلام، بایسته است که در راه آشنا کردن جهانیان با این حقیقت، گام های استوار بردارند، خلق خفته جهان را با

ص: 27

---

1- «غایة المرام»، محدث بحرانی، نقل از «ترجمة مکیال المکارم»، سید محمد تقی اصفهانی، ترجمة حائری قزوینی، ج 1 / 181.

این حقیقت آشنا کنند، در میان ملت های مختلف، منادی آئین بر حق اسلام و تحقق بخش آرمان جهانی او باشند، با مقالاتی علمی و در قالبی نیکو و آمیخته با شیرینی محبت و لطف، مردم را با این سفر کرده تنها آشنا کنند، خلق را به سوی او متوجه نمایند، زنگارهای اوهام را از اندیشه مردم بردارند، با منطق علمی در جهت حلّ شبهات جوانان و قشر اندیشمند برآیند، و با غبار گیری از صفحه جان انسان های مستعد، زمینه ظهور آن حضرت را فراهم کنند. رسول خدا در ضمن خطبه خود در غدیر خم فرمودند:

(... مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقَوْمُهُ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَانْقَادُوا أَمْرَ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ مُحَمَّدٌ وَلِيُّكُمْ الْقَائِمُ الْمُنَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ... مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صَلْبِهِ وَذُرِّيَّتِي مِنْ صَلْبِ عَلِيٍّ... مَعَاشِرَ النَّاسِ «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالتَّوْرِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ» «مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا» (1). مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّوْرُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْئَلِكُمْ، ثُمَّ فِي عَلِيٍّ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا... وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ، وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وُلِدَ أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ) (الى آخره) (2)

ص: 28

1- قرآن کریم، سوره النساء، آیه 47.

2- الاحتجاج، طبرسی، ج 1/ 63-59

... ای گروه مردم همانا این آخرین جایگاهی است که در این محل اقامت می‌کنم، پس گوش دهید و فرمان برید و فرمان پروردگارتان را منقاد باشید. همانا خدای عزّ و جلّ او مولای شماست و معبود شماست، سپس بعد از او، محمّد سرپرست شماست که بپا خواسته و خطاب کننده برای شماست، پس از من علیّ سرپرست شماست و امام شما به فرمان پروردگار شماست، سپس امامت در فرزندان من از نسل فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسول او را ملاقات می‌کنید... ای گروه مردم فرزندان (پیغمبران و اوصیای) هر پیغمبر از نسل خود آن پیغمبر است، ولی فرزندان من (امامان) از نسل علی است. ای گروه مردم «به خدا و رسول او و نوری که با او فرود آمده ایمان بیاورید، پیش از آن که به گونه های شما (از اثر ضلالت) خطّ محو و خذلان کشیم پس آن (گونه ها) را به پشتشان برگردانیم». ای گروه مردم همانا نور از جانب خدا در من قرار داشت، پس از من در علی است، سپس در نسل اوست، تا این که به قائم مهدی برسد که او هر حقّ الهی را می‌ستاند و هر حقی که از آن ما بوده است... پس من آن چه را که به تبلیغ آن امر شده بودم، رسانیدم. و این مطلب، حجّت بر هر حاضر و غائبی است و حجّت بر تمام مردم است، چه در این جا حاضر بوده و چه حاضر نبوده، و چه زاده شده و چه هنوز زاده نشده باشد. و باید که این را تمام حاضران به غائبان و پدران به فرزندان خود تا روز قیامت، اعلام نمایند...

چنان که ملاحظه می‌شود، این وظیفه ای است که پیغمبر اسلام در آخرین

روزهای دوران حیات خود، در بزرگ ترین اجتماع عصر خویش، بر عهده هر عالمی نهاده، و بدین گونه حجت الهی را بر همگان تمام کرده است. و هر که از این مهم سر باز زند، مشمول لعن و خذلان الهی خواهد بود، و حقیقت انسانی او مسخ خواهد شد.

وظیفه دومی که بر عهده همه عالمان و فرزندان است، اهتمام هرچه بیش تر آن ها در جهت ارجاع مسلمانان و مؤمنان به آئین الهی و شیعیان حضرت مرتضی علیه السلام به آستانه لطف الهی، و درخواست از خدای متعال در جهت آشکار کردن آن حضرت می باشد. باید همه دلسوزان بر آئین مصطفوی، در مسیر دعای بر فرج آل محمد علیهم السلام و تحقق بخشی آرمان انبیا و اولیا قدم های اساسی بردارند و در این مسیر کوتاهی نکنند، و همگان را نیز با خود همراه کنند. این کار، موجب رضایت حضرت رسول خدا و امیر مؤمنان و ائمه طاهریں علیهم السلام می شود. و بدین وسیله نامشان در زمره منادیان الهی ثبت شده و سعادت دنیا و آخرت را برای خود فراهم می آورند. و این همان وظیفه ای است که بر عهده عالمان و فقیهان و آگاهان مسلمان قرار دارد.

سعید بن جبیر از حضرت سید الساجدین علی بن الحسین علیهما السلام نقل می کند که ایشان از پدر گرامی خود امام حسین و ایشان از امیرالمؤمنین و آن حضرت از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می فرمایند که پیغمبر خدا فرمودند:

چون مرگ یوسف علیه السلام نزدیک شد، شیعیان و خاندان خود را جمع کرد، حمد و ثنای الهی بجا آورد، سپس آن ها را از سختی آینده بر ایشان خبر داد، و گفت: در این سختی، مردان را می کشند و شکم زنان باردار را می درند و کودکان را سر می برند، تا خدا حق را در قائم از فرزندان لاوی بن یعقوب ظاهر کند و او مردی گندمگون و بلند قامت است. حضرت یوسف علیه السلام، صفات او را بر شمرد سفارش کرد که به این

وصیت من متمسک باشید. دوره غیبت و سختی بنی اسرائیل فرا رسید و مدت چهار صد سال در انتظار قیام قائم به سر بردند، تا آن گاه که مژده تولّد او را دریافتند و نشانه های ظهورش را دیدند. گرفتاری سخت تر شد و با سنگ به آن ها حمله شد. و فقیه دانشمندی که (بنی اسرائیل) به احادیث او آرامش می گرفتند، تحت تعقیب قرار گرفت و پنهان شد و آن ها را وا گذاشت. به او گفتند: ما در هنگام سختی به گفته های تو دلخوش بودیم. آن ها را در یک بیابانی برد و نشست، و حدیث قائم و اوصاف و مژده نزدیک بودن ظهور او را می گفت. شب مهتابی بود، و در همین میان، موسی علیه السلام بر آن ها وارد شد. در این وقت، تازه جوانی بود و از خانه فرعون بیرون آمده و گردش می کرد. از میان موکب خود کناره گرفت و سوار بر استر بود و طیلسان خزی به دوش داشت و نزد آن ها آمد.

چون آن دانشمند او را دید، از صفات او وی را شناخت، برخاست، خود را به پای او انداخت و بوسه زد و گفت: ستایش خدا را که نمردم تا ترا دیدم. چون پیروانش چنین دیدند، دانستند که او ناجی آن ها است، همه به شکرانه خدای عزّ و جلّ بر زمین افتادند. موسی جز این کلمه نگفت که امیدوارم خدای عزّ و جلّ فرج شما را زود برساند. سپس غائب شد و به شهر مدین رفت و نزد شعیب مدت ها ماند.

این غیبت دوّم برای آن ها سخت تر از اولی بود، و پنجاه و چند سال طول کشید، و گرفتاری آن ها سخت شد و آن فقیه دانشمند هم پنهان شد. - کسی را- خدمت او فرستادند و گفتند که ما بر

پنهانی تو نمی توانیم صبر کنیم. - آن فقیه دانشمند- به بیابانی رفت و آن ها را خواست، با گفته های خود ایشان را خوشدل ساخت و به آن ها اعلام کرد که خدای عزّ و جلّ به او الهام فرموده که بعد از چهل سال فرج ارزانی کند.

همه گفتند: «الحمدلله».

خدا به او وحی کرد که به آن ها بگو چون «الحمدلله» گفتند، به سی سال تخفیف دادم.

گفتند: هر نعمتی از خداست.

خدا به او وحی کرد که به آن ها بگو: آن را تا بیست سال تخفیف دادم.

گفتند: جز خدا کسی خیری را نیاورده.

خدا به او وحی کرد که: آن را تا ده سال کم کردم.

گفتند: جلوی بدی را جز خدا نگیرد.

به او خطاب رسید که به آنان بگو: از جای خود حرکت نکنید، اکنون اجازه فرج شما را دادم.

در این میانه، موسی علیه السلام نمودار شد. سوار بر الاغی بود و آن دانشمند خواست که شیعه را بدان چه درباره او بشارت داده شده اند، آگاه کند- و وظایف شیعه را نسبت او بگوید-. موسی آمد تا در نزد آن ها توقّف کرد و بر آن ها سلام داد. آن دانشمند به او گفت: نام تو

چیست؟

گفت: موسی.

گفت: فرزند که؟

گفت: فرزند عمران.

ص: 32

گفت: او فرزند کیست؟

گفت: فرزند فاهت بن لاوی بن یعقوب.

گفت: برای چه آمده ای؟

گفت: به رسالت از جانب خدا آمده ام.

پس دانشمند برخاست و دست او را بوسید. سپس (موسی) در بین ایشان نشست و آن‌ها را خوشدل کرد و دستورات خود را به آن‌ها داد و آن‌ها را متفرق ساخت و از این هنگام تا غرق فرعون و فرج آن‌ها چهل سال طول کشید (1).

عالمان و فرزندان شیعه نیز باید بدین مهم اقدام کنند، خلق را با مهدی آل محمد علیهم السلام آشنا کنند، قلب شیعه را به وجود او محکم نمایند، اوصاف و فضائل او را بازگویند، همه شیعه را بیدار کنند که فرج و گشایش جهانیان به دست مبارک حجة بن الحسن العسکری قرار دارد و آن بزرگوار دوره دوم غیبت خود را سپری می‌کند و برای انجام این مهم آمادگی کافی را دارد، شیعه را به درگاه خدا ارجاع دهند تا در آستانه الهی عجز و ناله کنند و فرج قائم آل محمد را درخواست کنند. در این صورت، خدای متعال حضرت بقیة الله را آشکار می‌کند، وگرنه در همان زمانی که در علم الهی گذشته، آن حضرت را آشکار خواهد فرمود.

به همین مناسبت بود که دعوت نویسنده را در جهت ترجمه و تنظیم این کتاب را پذیرا شدیم. گرچه خود را صالح بر این کار نمی‌دانیم، اما ران ملخی است تحفة درویش، و متاعی است اندک بر آستان عزیز مصر وجود. بدان امید که تمامی صاحبان قلم و کلام و جملگی عالمان و فقیهان و همه اندیشمندان و روشن بینان جامعه شیعه بدین مهم اقدام کنند، هر یک در

ص: 33

---

1- اکمال الدین و اتمام النعمة فی اثبات الغیبة، محمد بن بابویه قمی ملقب به صدوق، ج 1/ 248-250 مترجم.

فراخور توان وسعۀ دانش و حدود امکانات خود بدین مهمّ دست یازند، همه باورمندان ولایت امیرالمؤمنین را به سوی این سفر کرده هزار و صد و شصت و اندی ساله بخوانند، دل شیعه را در گرفتاری ها به او محکم نمایند و همه را به دعای بر فَرَج او دعوت کنند. باشد که خدای متعال بر مردم این عصر و زمان مَنّت گذارد و شیعه امروز را در تاریخ مفتخر کند، و آن عدالت موعود را در سایه قیام شکوهمند حضرت بقیة الله الاعظم در جهان حاکم فرماید و بشریّت را از این تنگنا برهاند.

ای حلقة زلف تو پُر شکن \*\*\* وی نرگس مست تو صف شکن

ای چشم تو چون آهوی خُتا \*\*\* وی خال تو چون نافه خُتن

ماه از رخ تو یافته بها \*\*\* مشک از خط تو یافته ثمن

صد یوسف دل کرده ای اسیر \*\*\* و افکنده ای اندر چه ذقن

چاکر به درت پُور آبتین \*\*\* سائل ز کفّت سیف ذو الیزن

ای قبله اقبال جمله خلق \*\*\* وی کعبه آمال مرد وزن

در محفل توحید روی تو \*\*\* باشد به مثل شمع انجمن

بنگر یکی ز لطف سوی ما \*\*\* ای حجّت حق پور بوالحسن

جلال برنجیان

خرداد ماه سال 1378

ص: 34

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ أَدْرِكْنِي

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَأَهْلَهُ

### طلیحه

سپاس و ستایش بی پایان، آفریننده یکتا و پدیدآورنده دانا و توانائی را سزد که جهان را به پا داشت و سفره نعمت خویش را با مواهب بی شمار، پهن فرمود. و حمد و ثنا برای ذات یکتا و بی همتا و حکیم لا یزالى باد که انسان را به موهبت (لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) (1)

مفتخر کرد و او را برترین مصنوع قرار داد، و با لطف و مرحمت خود، از او بر سر سفره آفرینش به بهترین وجه پذیرائی نمود و بر این همه نعمت بر او منت نهاد. خدایی که تنها به آفرینش او بسنده نکرد، بلکه بد و عقل را ارزانی کرد، و با منور نمودن روح او به نور علم و عقل انسان را بر همه پدیده ها مزیت و برتری بخشید. و به این هم بسنده نکرد، بلکه برای رشد و ترقی و تکامل و نیل او به سعادت دنیوی و آخروی و کمال مادی و معنوی و بهره وری صحیح از این نعمت های ارزانی شده، انسان های کامل و الگوهای فضیلت و

ص: 35

پیشوایان معصوم و راهنمایان دلسوز را، پی در پی به سوی انسان ها ارسال داشت، تا ایشان را از اسارت غرائز و شهوت های حیوانی و ناپاکی های اخلاقی و زشتی های عملی و کژاندیشی های اعتقادی و بینش های غلط فرهنگی و انحرافات اقتصادی برهانند، و خلاصه بشر را از آن چه مانع رشد و کمال است نجات دهند و به اوج مرتبه (يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا) (1) برسانند.

و سلام و صلوات بی شمار، بر کامل ترین و برترین سفیر الهی حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و بر جانشینان گرامی و اوصیاء گرانقدر و اهل بیت پاکیزه او باد، که در راه تحقق این آرمان مقدس، از هیچ رنج و محنت و بلا و مصیبت و زحمت و مشقت نهراسیدند، و بهترین مصداق برای آیه شریفه (الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ) (2) بودند، تا آن جا که از همه چیز خود در این مسیر گذشتند.

و عذاب و لعنت نامحدود خدا بر آنانی که در مقابل صراط مستقیم نبوت محمدیه و ولایت مطلقه علویه، راه های انحرافی پدید آوردند، و دست خلائق را از ریسمان محکم و حبل متین و عروة الوثقی جدا کردند، و با دور کردن خلق از انوار پر فروغ ائمه هدی صلی الله علیه و آله بشریت را به ظلمت و تاریکی گرفتار کردند، و همه سرمایه های خدا داد را به یغما بردند، و مسیر جهان را دگرگون ساختند. و چه زیبا قرآن می فرماید: (أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ

ص: 36

---

1- سورة نور، آیه 55.

2- قرآن کریم، سورة احزاب، آیه 39.

اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَدًا وَ قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا (1). آری، آنان که پیامبر خدا را آزدند (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا) (2) ایشان شقاوت ابدی و عذاب سرمدی و نفرت خالق و خلق را برای خود با این ظلم بزرگ فراهم ساختند و بار سنگین انحراف دیگران را نیز به دوش خود گرفتند (لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ) (3).

ولی انسان های نادان و پلید که از دانش و پاکیزگی روی برگردانیده و طالب جهالت و ناپاکی دیگران بوده اند، با تمام تلاش خود، نتوانسته جلوی اراده خدای توانا در جهت تحقق هدایت بشر و جریان مشیت خدا بر مسیر تکامل انسان های بیدار و مصمم بگیرند، و این جهان را که در واقع جایگاهی برای هدایت بشر است، از مرییان معصوم و دلسوز خالی کنند.

و با تمام مخالفت های مردمان بی خرد و ناپاک در جهت اضمحلال ارزش های انسانی و فراموش شدن حقایق الهی، روزی خواهد آمد که زمین از لوث و وجود آنان پاک می شود و فراعنه و نمرودیان تاریخ- به ویژه آنانی که خانه وحی را به آتش کشیدند و حریم محور انوار الهیه فاطمه زهرا علیها السلام را شکستند- به سزای کارهای ناشایستشان برسند.

باری اگر انسان سرگشته و خسته بداند که راه مستقیم کجاست

ص: 37

---

1- قرآن کریم، سوره ابراهیم، آیه 28.

2- قرآن کریم، سوره احزاب، آیه 57.

3- قرآن کریم، سوره نحل، آیه 25.

و راهنمای حقیقی کیست و چگونه با آرامش در سایه فرمانبری او به مقصد نهایی می رسد؛ و اگر انسان تشنه بداند که آب شیرین و زلال در دست کیست و در کدام نقطه است؛ و اگر دانشمندان و نوابغ بدانند که معماهای لاینحل علمی در فنون و علوم مختلف و تمام حقایق جهان هستی در سایه تعالیم عالیه معلّم دانا و معصوم حلّ و روشن خواهد شد؛ و اگر ما بدانیم که با حکومت پیشوای الهی، اوضاع جهان چگونه خواهد بود، و در سایه حکومت او همه مشکلات بر طرف می شود و نابسامانی های فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و خلاصه تمام مشکلات مادی و معنوی بسامان می رسد و همه مواهب طبیعی در خدمت انسان ها قرار می گیرد و همه افراد بشر یکدل در مسیر عدالت و کمال به حرکت می افتند، بطور طبیعی حالت انتظار برای ما و همه افراد پیدا می شود، دست دعا به سوی خدا برداشته و تحقّق چنین روزی را از او خواستار خواهیم شد، و از اعماق جان و سویدای دل با قلبی شیدا و سوزان و چشمی گریان، با الحاح و تضرّع می گوئیم: (اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ... مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي أَرْتَضِيَهُ لَهُ) (1)

اکنون می توان یافت که چرا امام باقر علیه السلام هنگام برشمردن پایه های اسلام و آیین خود و پدران گرامی و بزرگوارش می فرماید:

1- شهادت و اقرار به توحید (لا اله الا الله).

2- شهادت به رسالت پیغمبر اسلام (محمد رسول الله).

ص: 38

---

1- بخشی از دعای شریف افتتاح.

3- اقرار و اعتراف به آن چه پیغمبر صلی الله علیه و آله را از نزد خدا آورده است.

4- اقرار و اعتراف به ولایت اولیای خدا و ائمه هدی علیهم السلام.

5- بیزاری از دشمنان ایشان.

6- تسلیم در مقابل فرامین آنان.

7- کوشش در زمینه عمل به وظایف دینی.

8- ورع و پرهیز از گناهان.

9- انتظار قائم آل محمد علیهم السلام (1).

لذا انتظار حکومت قطب عالم امکان و عصارة خلقت، یکی از پایه های اسلام و از ارکان آیین اهل بیت می باشد.

و به خوبی سّر این مطلب واضح می شود که چرا امام نهم جواد الائمه علیه السلام در قنوت نماز خود برای فرج آن حضرت دعا می کند (2).

و نیز امام یازدهم حضرت ابا محمد حسن عسکری علیه السلام هم خود برای فرج حضرت بقیة الله دعا می کند، و هم مردمان ستمدیده و به ستوه آمده از ظلم ظالمان را بدان فرمان می دهد (3).

امید آن که مطالعه و دقت در مطالب کتاب، حالت انتظار را در قلب خوانندگان عزیز زیاد تر گرداند، و شوق بر پائی حکومت امام زمان حجة بن الحسن العسکری علیهما السلام را در روان آنان افزون کند و در دعای بر فرج آن حضرت کوشاتر گرداند.

مِنَ اللّٰهِ التَّوْفِیْقِ وَعَلِیْهِ التَّكْلَانِ

م. ب. علم الهدی

ص: 39

---

1- اصول کافی، ج 2/18 باب دعائم الاسلام ح 10.

2- بحار الانوار، ج 84/225-226.

3- بحار الانوار، ج 85/229-233.



## هدف آفرینش

ذات مقدّس پروردگار، حکیم است و از انجام کارهای لغو و بیهوده، منزّه و بریّ است، و آفرینش موجودات را بر اساس حکمتی مهمّ قرار داده است. این هدف به خدای باری تعالی بر نمی گردد، زیرا خدای متعال ناقص نیست تا بخواهد با آفرینش بشر به کمالی دست یابد، بلکه این هدف به موجودات و کمال آن ها بر می گردد.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند:

(أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى خَلْقَ الْخَلْقِ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاهُ وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعَةٍ) (1).

امّا بعد (از ستایش خدا و وثنای بر رسول او) پس همانا خدای متعال خلاق را آفرید. و در هنگامی که ایشان را آفرید، از اطاعت و فرمانبری ایشان بی نیاز و از نافرمانی ایشان در امان

ص: 41

---

1- نهج البلاغة، ترجمه و شرح مرحوم فیض الاسلام، ص 611، خطبة 184.

بود. زیرا سرپیچی کسی که او را عصیان کند، به او زبانی نمی زند. و اطاعت مطیع به او بهره ای نمی رساند.

و نیز آن حضرت علیه السلام در ضمن یک خطبه طولانی در باب توحید حق متعال می فرماید:

(لَمْ يَتَكَادَهُ صَنَعُ شَيْءٍ مِنْهَا إِذْ صَنَعَهُ، وَلَمْ يُوَدِّهِ مِنْهَا خَلْقُ مَا بَرَأَهُ وَخَلَقَهُ، وَلَمْ يَكُونِهَا لِتَشْدِيدِ سُلْطَانٍ، وَلَا لِخَوْفٍ مِنْ زَوَالٍ وَتَقْصَانٍ، وَلَا لِأَلَمٍ تِعَانَةٍ بِهَا عَلَى نَدٍّ مُكَاثِرٍ، وَلَا لِإِلْحْتِرَازٍ بِهَا مِنْ ضِدِّ مُثَاوِرٍ، وَلَا لِإِلْزَادٍ بِهَا فِي مُلْكِهِ، وَلَا لِإِمْكَاتٍ شَرِيكِ فِي شَرِكِهِ، وَلَا لِوَحْشَةٍ كَانَتْ مِنْهَا فَأَزَادَ أَنْ يَسْتَأْنِسَ إِلَيْهَا، ثُمَّ هُوَ يُفْنِيهَا بَعْدَ تَكْوِينِهَا، لَا لِسَامٍ دَخَلَ عَلَيْهِ فِي تَصْرِيفِهَا وَتَدْبِيرِهَا، وَلَا لِزَاحَةٍ وَاصِلَةٍ إِلَيْهِ، وَلَا لِثِقَلِ شَيْءٍ مِنْهَا عَلَيْهِ، لَا يَمْلُئُهُ طَوْلُ بَقَائِهَا فَيَدْعُوهُ إِلَى سُرْعَةِ إِفْنَانِهَا، لَكِنَّهُ سَدَّ بَحَانَهُ دَبْرَهَا بِلُطْفِهِ وَأَمْسَكَهَا بِأَمْرِهِ وَأَتَقَنَهَا بِقُدْرَتِهِ، ثُمَّ يُعِيدُهَا بَعْدَ الْفَنَاءِ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَيْهَا، وَلَا أَسَدَ تِعَانَةٍ بِشَيْءٍ مِنْهَا، عَلَيْهَا وَلَا لِإِنْصِرَافٍ مِنْ حَالٍ وَحْشَةٍ إِلَى حَالٍ أَسْتَيْنَاسٍ، وَلَا مِنْ حَالٍ جَهْلٍ وَعَمِيٍّ إِلَى حَالٍ عِلْمٍ وَالتَّمَاسِ، وَلَا مِنْ فَقْرٍ وَحَاجَةٍ إِلَى غِنَى وَكَثْرَةٍ، وَلَا مِنْ ذُلٍّ وَضَعَةٍ إِلَى عِزٍّ وَقُدْرَةٍ) (1).

ایجاد کردن هیچ یک از مخلوقات، هنگام آفرینش بر او دشوار نبود. و آفریدن آن چه آورد و آفرید، او را خسته و وامانده

ص: 42

---

1- نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه 228 ص 752.

نساخت. و اشیا را هستی نداد برای استوار کردن سلطنت، و نه برای ترس از نیست شدن و گم گشتن، و نه برای کمک خواستن از آن ها بر همتائی که پیشی گیرد، و نه برای دوری گزیدن از دشمنی که (بر او) هجوم آورد، و نه برای زیاده کردن در پادشاهی خود، و نه برای غلبه یافتن و فخر کردن شریکی در انبازی با او، و نه وحشت و ترسی که داشته و خواسته با آن ها اُنس گیرد.

پس اشیا را بعد از آفریدن آن ها نابود می گردانند، نه از جهت دلتنگی که در تغییر آن ها از حالی به حالی و تدبیر امور آن ها به او عارض شده باشد، و نه به سبب این که آسایش و آسودگی به او رو آورد، و نه از جهت آن که چیزی از آن ها بر او گران آید، طول کشیدن هستی آن ها او را ملول نکرده تا وادارش نماید که به تندی آن ها را نیست سازد.

لیکن خداوند سبحان نظم اشیا را روی لطف و مهربانی اش قرار داد، و به امر و فرمان خود نگاهشان داشت، و به قدرت و توانائی خود استوارشان گردانید.

پس آن ها را بعد از نابود شدن باز می گردانند، بی آن که نیازی به آن ها داشته باشد، و بی کمک گرفتن به یکی از آن ها بر آن ها، و نه از جهت بازگشتن از حال وحشت و ترس به حال اُنس، و نه از جهت رجوع از نادانی و کوری و گمراهی به دانش طلبدن، و نه از جهت درویشی و نیازمندی به توانگری و دارائی، و نه از جهت زبونی و پستی به ارجمندی و توانائی.

خدای متعال تمام موجودات را بر اساس لطف بی کران خود

جهت نیل به کمال آفرید. البته کمال هر موجودی به گونه ای ویژه و خاص خود اوست.

بر حسب آن چه از آیات به دست می آید، آفرینش دیگر موجودات برای بهره وری انسان است. قرآن می فرماید:

(هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً) (1)

اوست کسی که آن چه در زمین است، همه را برای شما آفرید.

و لذا در عرف بشر، اگر گوسفندی بمیرد و کسی از گوشت او بهره مند نشود، آن گوسفند به کمال مطلوب نرسیده است. و اگر میوه ای مأکول انسان نگردد، آن میوه در سیر کمالی خود حرکت نکرده است. کمال نباتات و حیوانات در این است که مورد استفاده انسان قرار گیرند.

خدای متعال در قرآن مجید می فرماید که آن چه در زمین وجود دارد همه را در تسخیر انسان قرار داده است.

(أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ) (2)

آیا نمی بینی که خدا آن چه در زمین است، (همه) را مسخر شما گردانید.

و نیز می فرماید:

(أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) (3)

ص: 44

---

1- سوره بقره، آیه 29.

2- سوره حج، آیه 65.

3- سوره لقمان، آیه 20.

آیا نمی بینید که خدا آن چه در آسمان و آن چه در زمین است، (همه) را مسخّر شما گردانید.

و باز می فرماید:

(وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ) (1)

و آن چه در آسمان و آن چه در زمین است. همه آن را مسخّر شما اولین گردانید.

کمال انسان در این است که موجودات، مسخّر اراده او گردد و اراده اش نافذ در پدیده های عالم باشد، و او نیز اراده خود را در مسیر اراده خدای متعال قرار دهد، و آن چه حضرت حقّ از بشر خواسته آن را انجام دهد، و هر چه که او نهی فرموده از آن سر باز زند. و الا نیروی اتمّ که در اختیار بشر قرار گرفته، اگر در مسیر رضایت خدا به کار آید، کمال بشر است، اما اگر به صورت بمب های نسل برانداز بر روی مردم مظلوم و بی پناه ریخته شود، و یا حیات وحش در خطر افتد، و یا موجب نابودی مراتع و جنگل ها گردد، این نیروی مسخّر بشر، نه تنها به کمال خود نرسیده، بلکه در مسیر قهقرا حرکت کرده است. پس کمال هر موجودی در این است که استعدادهای نهفته در او آشکار شود، این نیروها در مسیر رشد و تعالی خلاق قرار گیرد، آسایش و آرامش عمومی را به همراه آورد، تمامی موجودات- نه تنها انسان ها، بلکه حیوانات و

ص: 45

نباتات نیز- در سایه این تسخیر، زندگی با آرامش داشته باشند، و در سیر واقعی خود در این عالم به تکامل مطلوب نایل شوند. و این کار، تنها در عصر حکومت امام عصر علیه السلام صورت می پذیرد، و موجودات به کمال مطلوب در آفرینش دست می یابند. زیرا رشد و کمال، عواملی می خواهد که آن عوامل، بطور کامل در هیچ دوره ای- حتی در عصر انبیای عظام- جمع نبوده است. زیرا ستمگران بر انبیا و اوصیای انبیا چیره شدند، و مانع انجام اهداف عالیة آنان گردیدند، حیات هستی را در معرض مخاطره قرار دادند، فساد را در بر و بحر گسترده، و مسیر هستی را از سیر کمالی خود منحرف کردند. به ویژه در عصر اسلام، که با غضب خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام، بیچارگی و درماندگی را از صدر اسلام تا به امروز رقم زدند، و حکم نابودی بشریت را تا به امروز صادر کردند، و باب رحمت الهی را- که قرار بود از آستانه اهل البیت به جهانیان برسد- مسدود کردند. اینان احکام خدا را که در کتاب خود برای احیای بشر صادر شده بود، واژگونه در جهان جلوه دادند. تنها گروهی اندک به لطف الهی بر آستانه اهل البیت راه یافتند، و در زمره شیعیان و دوستان این خاندان قرار گرفتند. جز آن ها دیگر خلائق از لطف عمیم الهی محروم شدند. چه نسل ها که نابود شد، چه ناموس ها که به باد رفت، چه خون ها که به ناحق ریخته شد، و چه مال ها که تلف شد. ولی خدای متعال، به لطف بیکران خود، آخرین خلیفه خود را در پرده غیبت مستور داشت، و او را برای اقامه حکومت الهیه ذخیره فرمود و در کتاب مقدس

خود قرآن مجید، به همگان وعده داد که:

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ تَخْلُفَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّ تَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا) (1).

خداوند به آنانی از شما که ایمان آورده اند و نیکوئی ها را بجای می آورند، وعده فرموده است که ایشان را در زمین جانشینان (خویش) قرار دهد- هم چنان که پیشینیان از ایشان را جانشین گردانید- و آیینی که برای ایشان پسندیده است، ریشه دار و پایدار سازد. پس از [دوران] ترس ایشان، آرامش و امنیت را برایشان برقرار سازد [تا] مرا بپرستند و برای من چیزی را شریک و انباز قرار ندهند.

یوسفِ گم گشته باز آید به کنعان غم مخور \*\*\* کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

آری، بنا به نصوص آیات و روایات، در عصر حکومت پر برکت بقیه الله الاعظم است که تمام موجودات عالم خلقت به کمال می رسند، بر تمام روی زمین گیاه می روید، آسمان در نهایت رحمت، باران فرو می ریزد، معادن و کُنوز ظاهر می شوند، بلاد وسعت پیدا می کند، زمین نور باران می شود، حیوانات با یکدیگر صلح می کنند و در تحت فرمانروایی انسان ها خواهند بود،

ص: 47

---

1- قرآن کریم، سوره نور، آیه 55.

حیوانات برای انسان ها خطرناک نخواهند بود، دانش و بینش رشد می یابد، عبودیت نفس به اتمام می رسد، ظلم و ستم برچیده می شود، اموال در مسیر حق قرار می گیرند، عمرها طولانی می شود، امراض جسمی و روحی زایل می شود، بت و بت پرستی برچیده می گردد، حقایق پنهان در سطر به سطر قرآن و کلمه به کلمه آن آشکار می شود. خلاصه، تمام استعدادهای بدنی و روحانی انسان به فعلیت می رسد و در مسیر عبادت و بندگی قرار می گیرد. و اگر یک انسان، استعداد نیل به کمالات علمی در فنون مختلفه را داشته باشد، به آن ها می رسد. بنابراین حکومت امام عصر علیه السلام تحوّل اساسی و عمیق از نقص به کمال برای ما سوی الله است.

برای بررسی این موضوع ناگزیریم در چند بخش به آیات و احادیث اشاره کنیم.

ص: 48

کمال زمین از جهت رویش گیاه و نزول باران

نزول برکات خدا بر بشر، به عوامل گوناگونی بستگی دارد که یکی از عوامل مهم آن، بندگی و درستکاری بشر است. خدای متعال می فرماید: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (1)

اگر اهل شهرها ایمان بیاورند و پروا پیشه کنند، ما برکاتی از آسمان و زمین را بر ایشان می گشاییم. ولیکن آنان (حقایق ایمانی را) دروغ انگاشتند، پس ما ایشان را، به دلیل کارهایی که کردند (به سختی و عذاب) گرفتیم.

بشر گناه می کند و فرامین خدا را زیر پا می گذارد. لذا حضرت حق، نعمت های خویش را از بشر به خاطر گناهان ایشان سلب

ص: 49

می کند. و بالاترین گناه، انکار خدای متعال و تکذیب انبیا و اوصیای انبیا است. تنها در دوران حضرت بقیة الله الاعظم است که در این گناهان بسته می شود، بشر رو به صلاح می آورد و گوش به فرمان حجت خدا می دهد و در مسیر بندگی خدا- آن چنان که خدا خواسته- می افتد. و لذا از برکات خالق مٔان در حیات دنیوی بهره مند می شود، و برکات آسمانی و نعمت های زمینی بر او نازل می گردد.

در ضمن حدیث الاربعمائه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ وَبِنَا يَحْتِمُ اللَّهُ، وَبِنَا يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَبِنَا يُثَبِّتُ، وَبِنَا يَدْفَعُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَبِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، فَلَا يَعْرُزُكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ مَا أَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَةً مِنْ مَاءٍ مُنْذُ حَبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ السَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ أَصَدَّ طَلْحَتِ السِّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ إِلَى رَأْسِهَا زَبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ) (1).

ص: 50

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 316 در بحار الانوار؛ جلد 10؛ ص 104 عبارت منقوله به این صورت است: «علی رأسها زینتها». در تحف العقول، اثر ابن ابی شعبة حرانی عبارت منقوله به این صورت است: «علی رأسها زنبیلها».

خداوند دین را به وسیله ما گشود و هم به وسیله ما ختم می کند. به وسیله ما خدا آن چه را بخواهد محو می کند و هرچه خواهد باقی می گذارد. و به وسیله ما سختی زمانه را بر طرف می سازد و باران به سبب ما فرو می فرستد. پس فریبنده ای شما را نسبت به خدا نفریبید. که آسمان باران خود را فرود نمی آورد از آن گاه که خدای عزوجل آن را باز دارد. و اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را فرو می ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می دهد و کینه ها از دل بندگان خدا زایل می شود و درندگان و حیوانات (اهلی) با هم صلح می کنند (و حیوانات اهلی از درندگان نمی گریزند)، تا جائی که زنی که می خواهد راه عراق و شام را بییماید، همه جا قدم بر روی سبزه و گیاهان می گذارد و زینت های خود را بر سر دارد (و کسی طمع به آن نمی کند)، و نه درنده ای به او حمله می آورد و نه او را درندگان به وحشت می آورند.

و نیز از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(... فَكَذَلِكَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلْبٍ (1) مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ يَعِصِمُ أَنْصَارَهُ وَ يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَ يُظْهِرُهُ عَلَى الْأَرْضِ، حَتَّى يُدِينُوا طَوْعًا وَ كَرْهًا. يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا).

(يَدِينُ لَهُ عَرَضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا حَتَّى لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ وَ

ص: 51

(وَتَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ وَتُخْرَجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَتُنزَلُ السَّمَاءُ بَرَكَاتِهَا وَتُظْهِرُ لَهُ الْكُنُوزَ...)(1)

... و (اوضاع) این چنین خواهد بود، تا آن که خدا در آخر الزمان و دوران شدت روزگار و عصر نادانی مردمان، مردی را برانگیزد، و او را به فرشتگان خود یاری فرماید، و یاران او را (از خطا) نگاه دارد، و او را به نشانه های خود یاری دهد، و او را بر تمام زمین چیره فرماید، تا این که (مردم) از روی میل و (یا ظالمان) از روی اکراه دین را بپذیرند. زمین را از عدل و داد و نور و برهان پر کند، شرق و غرب زمین از آیین او پیروی کنند، تا آن که کافری باقی نماند مگر این که ایمان آورد، و گناهکار و پلیدی نماند مگر این که صالح شود. در حکومت او درندگان با هم صلح می کنند و زمین نباتات خود را خارج می کند و آسمان برکات خود را می بارد و (زمین) گنج های خود را آشکار می کند.

و نیز در روایت دیگری راوی از امام معصوم علیه السلام نقل می کند:

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَازْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجُورَ وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ، وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَرَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ. وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يَظْهَرُوا الْإِسْلَامَ وَيَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ. أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) (2) وَ

ص: 52

---

1- بحار الانوار؛ ج 52، ص 280.

2- سوره آل عمران، آیه 83.

حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَحِينَئِذٍ تَنْظَهُرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا. وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِيَصَدَّقْتَهُ وَ لَا لِيَبْرَهُ، لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ).

(ثُمَّ قَالَ: إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ. وَ لَمْ يَبَقْ أَهْلُ بَيْتِ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلِكُوا قَبْلَنَا، لِيَأْتِيَ قَوْلُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا: إِذَا مَلِكْنَا سِرْنَا بِهِ مِثْلَ سِيرَةِ هُؤُلَاءِ. وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى): (وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (1).

زمانی که قائم قیام نمود، به عدالت حکم می کند. و در روزگار او ظلم و ستم از میان می رود، و راه ها امن می شود. و در این هنگام، زمین برکات خود را بیرون می دهد و هر حقی به صاحب حق داده می شود. و پیروان هیچ دینی باقی نمی مانند، مگر این که اظهار مسلمانی می کنند و با ایمان شناخته می شوند. نشنیده ای که خداوند می فرماید: (و برای او است آن چه در آسمان و زمین است که به میل و اکراه تسلیم می شوند، و به سوی ما باز می گردند) و میان مردم به حکم داوود و حکم محمد حکومت می کند. و در این هنگام، زمین گنج های خود را ظاهر می کند و برکاتش را آشکار می سازد. و مردی از شما جائی برای صدقات خود و انفاق های خویش پیدا نمی کند، به خاطر همگانی شدن بی نیازی میان مؤمنان.

سپس حضرت فرمود: دولت ما آخرین دولت هاست، و هیچ

ص: 53

خاندانی باقی نمی ماند که برای آنان دولت و سلطنتی باشد مگر این که پیش از ما به سلطنت می رسند، تا هنگامی که ما بر سر کار آمدیم و روش دولت ما را دیدند، نگویند: اگر ما به سلطنت می رسیدیم مانند ایشان عمل می کردیم. و این است (معنی) سخن خدا که می فرماید: (سرانجام کار، از آن پروا پیشگان است).

در روایت دیگری حضرت باقرعلیه السلام فرمودند:

(يُقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُوجَدَ اللَّهُ وَلَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ، وَحَتَّى يُخْرَجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ، وَلَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ، وَيُخْرَجَ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ بَدْرَهَا وَيَنْزِلَ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرَهَا...) (1)

به خدا سوگند (باران مهدی) می جنگند، تا آن جا که خدا به یکتائی شمرده شود و کسی به او شرک نرزد، و تا آن که پیرزنی ناتوان از مشرق به قصد مغرب خارج می شود و کسی جلوی او را نمی گیرد، و خدا از زمین بدرها را بیرون می آورد و از آسمان باران آن را فرو می فرستد...

این موضوع به قدری مسلم و قطعی است که خدای متعال در دیگر کتب آسمانی نیز این موضوع را بیان فرموده است.

سید بن طاووس در کتاب «سعد السعد» گوید که من در صحف ادریس نبی صلی الله علیه و آله یافتم (که نوشته بود):

ص: 54

(... وَأَنْزَلَ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَتَزَهَّرَ الْأَرْضُ بِحُسْنِ نَبَاتِهَا وَتَخْرُجُ كُلُّ ثِمَارِهَا وَأَنْوَاعَ طَيْبِهَا) (1).

... و برکات از آسمان و زمین فرو می ریزم، و زمین با گیاهان و سبزه خود نزهت می گیرد، و (هر درختِ ثمر دار و عطر آگینی) میوه های خود و بوهای خوش خود را بیرون می دهد.

دیگر نه طبیعت سرکشی خواهد کرد، نه زلزله ای خانه برانداز بپا می شود، نه سیل های مهیب جاری می گردد، نه آسمان تازیانه کوبنده طوفان خویش را بر خانه ها خواهد کوفت، نه دریاها طغیان می کند، و نه آتشفشان ها بپا می گردد. زیرا دوران عصیان سپری شده، زمان طغیان گذشته و عصر تاریک غیبت به اتمام رسیده است. باران می بارد اما به نرمش، باد می وزد اما به آرامش، و زمین می گردد اما به آسایش. در تمامی گیتی، طراوت و لطافت پدید می آید، و ظهور لطافت صنع الهی در آن عصر خواهد بود. طراوت گل ها، لطافت باران، ظرافت پرندگان و زیبایی آسمان، در آن عصر به کمال خود می رسد. به هر کجا که انسان پای نهد، جز سبزی و نرمی و لطافت و ظرافت نخواهد دید.

ص: 55



قرار گرفتن زمین در اختیار افراد برای کار

خداوند متعال، زمین را برای آن آفریده که بشر روی آن کار کند و از استعدادِ رویش زمین استفاده نماید، با بهره‌گیری از منابع طبیعی و امداد از تأییدات الهی به عمران و آبادانی زمین پردازد، و در محیط طبیعت- آن سان که خدا خواسته است- به کار و تلاش پردازد. آن‌گاه در سایه این کوشش، خود نیز از مواهب الهی بیش‌تر بهره‌مند گردد. این بدان معنی نیست که خدای متعال در این کار خود عاجز از این اقدامات باشد، بلکه بنا بر اصل اختیار و آزمایش، چنین بنا گذاشته است که نظم بخشی از طبیعت را برعهده انسان بگذارد، تا در این راستا انسان‌ها نیز آزموده شوند. و اگر از مسیر رضایت حق سر باز زدند، بیچارگی و بدبختی را خود برای خود رقم زنند.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

(وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ كَذَّبْتُم بَعْدَ الَّذِي نَصَّبَكُم مِّنْ قَبْلِهِ فَاثْبُرُوا كَيْفَ تَصْبِرُونَ)

ص: 57

مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُمْ تَتَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ (1)

و برادر ایشان صالح را به سوی قوم ثمود به رسالت فرستادیم. (صالح به قوم خود) گفت: ای قوم من خدا را بپرستید، برای شما معبودی جز او نیست، اوست که شما را از زمین آفرید و برای عمارت و آباد کردن زمین برگماشت، پس شما از خدای خود آمرزش بطلبید و به درگاه او پناه برید و از لغزش و گناهان توبه کنید که البته خدای من نزدیک است و اجابت کننده (دعاها) است.

ولی تاریخ نشان می دهد که افساد بشر در طبیعت بیش از اصلاح بوده، و چون اقدامات بشر، نوعاً تهی از دو اصل "دانش" و "انصاف" می باشد، لذا اقدامات آبادانی، یا بر اثر بی دانشی و عدم احاطة کامل، یا فسادش بیش از صلاح شده است و یا منافع شخصی و اغراض گروهی، مسیر طبیعت را در جهت بهره وری گروهی اندک، سوق داده و بسیاری از انسان ها را از حق حیات طبیعی محروم نموده است.

در دوران پر برکت حضرت مهدی علیه السلام است که تمام زمین به حکم یک شهر خواهد شد، و از ساختمان های به هم پیوسته برخوردار می شود، و زمین برای عمران و آبادانی در دست بندگان صالح خدا قرار می گیرد. چنان آبادانی در زمین پدید می آید که با نیازهای واقعی بشر مطابقت داشته، و حقوق واقعی بشر در این

ص: 58

عمران نادیده نماند. از عماراتی که آسایش همسایگان را به خطر اندازد، خبری نخواهد بود. و از بزرگراه هائی که موجب ملالت اطرافیان آن مسیرها گردد، نشانی نمی توان جست. حتی ناودان های خانه هائی که بر گذرگاه های عمومی می ریزند، مسدود می گردد. فاضلاب های شهری، حیات مردم کم توان را به خطر نخواهد انداخت. از صداهای مهیب جت ها و هواپیماهای غول پیکر که خواب و آسایش را از اطرافیان فرودگاه سلب می کنند، نشانی نخواهد بود. دیگر ازدوهای تولید شده از خودروها که آسایش شهروندان را به خطر افکند، خبری نخواهد بود. راه های سراسری میان کشورها کشیده می شود. تمامی دشت های خشک و بی آب و علف سر سبز خواهد شد. کویرهای تقطیده به جنگل های سر سبز و با درختانی انبوه بدل می گردند. چشمه های خوشگوار در تمامی زمین جاری می گردد، رودها و آبشارها پر آب خواهند شد. سرزمین های کم آب با باران های آسمانی و رودهای زمینی آبیاری می شوند. نه از گرماهای سخت غیر قابل تحمل، خبری هست و نه از سرمای جان سوز.

ابی خالد کابلی گوید: حضرت باقرعلیه السلام فرمودند:

(وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) . فَمَنْ أَخَذَ أَرْضًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَعَمَرَهَا فَلْيُؤَدِّ خَرَجَهَا إِلَى الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، وَلَهُ مَا أَكَلَ مِنْهَا حَتَّى يَطْهَرَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي بِالسِّنْفِ، فَيَحْوِيهَا وَيَخْرِجُهُمْ عَنْهَا كَمَا حَوَّاهَا رَسُولُ

اللّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا مَا كَانَ فِي أَيْدِي شَيْعَتِنَا فَإِنَّهُ يُقَاطِعُهُمْ عَلَى مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَيَتْرُكُ الْأَرْضَ فِي أَيْدِيهِمْ (1).

در کتاب علی علیه السلام یافتیم (که نوشته بود) (همانا زمین از آن خداست، آن را به هر که از بندگان که بخواهد به ارث خواهد داد، و سرانجام کار، از آن پروا پیشگان است). هر یک از مسلمانان زمینی را بگیرد که آن را آباد کند، باید خراج آن را به امام از اهل بیت من بدهد. و بر اوست آن چه را که از (منافع) آن زمین می خورد. تا آن که قائم علیه السلام از ما اهل بیت به شمشیر قیام کند و بر زمین چیره شود. پس آن زمین ها را در اختیار می گیرد و ایشان را از آن زمین ها اخراج می نماید، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن ها را در اختیار گرفت، مگر آن زمین هائی که در دست شیعیان ما باشد. پس او آن زمین ها را در میان ایشان تقسیم می کند و زمین در اختیار شیعیان ما قرار خواهد گرفت.

چه خوش زمان وصال و چه خوش زمان ظهور \*\*\* چه خوش صلاهی عدالت، چه خوش کرشمة نور

(اللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مِنْهَجَهُ)

«خدایا در فرج او شتاب کن و امر قیامش را آسان نما و راه او را گشاده گردان».

زود درآ و شبستان ما منور کن \*\*\* هوای مجلس روحانیان معطر کن

ستاره شب هجران نمی فشانند نور \*\*\* به بام قصر برآ و چراغ مه بر کن

ص: 60

ظاهر شدن معادن، گنج ها، جمع اموال، تقسیم اموال عمومی و بیت المال به تساوی

در دوران دولت آل محمد علیهم السلام تمامی عوامل فساد آفرین و ستمگر را حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه از میان می برد؛ نه کسی بر زمینی ها می تواند ستم کند، نه فردی حقّ ظلم بر پرندگان را دارد، نه به شخصی اجازه آزار درندگان بیابان داده می شود و نه گروهی می توانند حیات موجودات دریایی را در معرض مخاطره قرار دهند. جملگی کائنات به سرور می آیند، همگان شادان می شوند، مردمان خوشدل و خندان می گردند، حتی موجودات وحش نیز در سایه حکومت عدل گسترش به آرامش و آسایش دست می یابند.

خوشا به حال آن مردمانی که آن دوران را درک کنند، و در آن زمان، در کنار عصارة هستی حضرت مهدی علیه السلام عدالت اجتماعی اسلام را ببینند. در دوران قیام شکوهمند مهدی آل محمد علیهم السلام

راه‌ها امن می‌گردد و دزدی و تباهی از میان می‌رود. نه کمبود وجود دارد که کسی دست به دزدی بیالاید، نه قوانین دست و پاگیر در امر ازدواج باقی می‌ماند که موجب بی‌عفتی شود، نه از عوامل پرخاشگری اثری می‌ماند که افراد ناخواسته بر هم درشتی کنند. نه پدر و مادر را حق‌گزار گوئی بر فرزندان خواهد بود و نه کودکان را اجازه مخالفت با پدران و مادران. نه شوهر بر زن خویش درشتی می‌کند و نه زن مخالفت امر شوهر. دامنه الفت بدان جا می‌رسد که گویا همسایگان اعضای یک خانواده هستند. در کشور مهدی آل محمد شهروندان از همدیگر و مردم از حکمفرمایان و حکمرانان از مردم در امان خواهند بود.

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده که گوید: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمودند:

(إِنَّ ذَا الْقَرْيَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا، جَعَلَهُ اللَّهُ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ، فَدَعَا قَوْمَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَمَرَهُمْ بِتَقْوَاهُ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْيَةٍ، فَغَابَ مِنْهُمْ زَمَانًا حَتَّى قِيلَ مَاتَ، أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وَاذٍ سَلَكَ، ثُمَّ ظَهَرَ وَرَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ، فَضَرَبُوهُ عَلَى قَرْيَةٍ).

(أَلَا وَفِيكُمْ مَنْ هُوَ عَلَى سُنَّتِهِ، وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَكَّنَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا وَبَلَغَ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ).

(وَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْرِي سُنَّتَهُ فِي الْقَائِمِ مِنْ وُلْدِي وَيَبْلُغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا، حَتَّى لَا يَبْقَى سَهْلٌ وَلَا مَوْضِعٌ مِنْ

سَهْلٍ وَلَا جَبَلٍ وَطَنَهُ ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَّا وَطَنَهُ، وَيُظْهِرُ اللَّهُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا، وَيَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا (1).

همانا ذوالقرنین بنده صالحی بود. خدای عزوجل او را حجت بر بندگانش قرار داد. قوم خود را به سوی خدای عزوجل فرا خواند و ایشان را به پروا پیشگی از او فرمان داد. آن ها بر فرق او زدند. پس او از میان ایشان روزگاری پنهان شد تا آن که گفتند: او مرده است یا هلاک شده و به کدام سرزمین رفته است. سپس آشکار شد و به سوی قوم خویش برگشت. پس بر فرق او کوبیدند.

و همانا در میان شما کسی هست که بر روش او می باشد. و همانا خدای عزوجل زمین را در تمکین او قرار داد و به او از هر چیزی اسبابی عطا فرمود، و او به مشرق و مغرب دست یافت. و همانا خدا به زودی روش او را در قائم از فرزندان من جاری می سازد، و او را به شرق و غرب می رساند، تا آن که دشتی و موضع از دشتی و نه کوهی باقی نماند که ذوالقرنین بدان رسیده باشد، مگر این که او نیز بدان جا پای نهد. و خدا گنج های زمین و معادن آن را برای او آشکار می کند، و او را به ترسیدن (دشمنان از او) یاری می کند. او زمین را از عدل و داد پر می کند. هم چنان که از ستم و بیداد پر شده باشد.

از مفضل بن عمر روایت شده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام

ص: 63

شنیدم که می فرمود:

(إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ... وَتُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى تَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا، وَيَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِدُّ لَهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ، لَا يُوجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ، اسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ) (1).

چون قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگارش روشن گردد، و مردم از نور خورشید بی نیاز گردند... و زمین گنج های خود را آشکار می کند به طوری که مردم آن ها را روی سطح زمین می بینند. و مردی از شما فرد مستمندی را می جوید که به او انفاق کند و زکات مال را از او بپذیرد، ولی کسی را پیدا نمی کند که آن مال را از او بگیرد، زیرا مردم به آن چه خدا به آنان از فضل خود ارزانی می کند، بی نیاز شده اند.

طبیعی است که بی نیازی مردم از نور خورشید در عصر ظهور، به معنی زوال خورشید و فواید آن نیست، هم چنان که امروزه با کشف برق و بهره وری مردم از روشنائی چراغ ها در شب، از نور ماه در شب ها بی نیاز شده اند. اما این بی نیازی از نور مهتاب در شب ها، به معنی بطلان فواید ماه نمی شود، بلکه این بی نیازی تنها در جهت نور ماه برای روشنائی می باشد.

از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

ص: 64

(... فَكَذَلِكَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ... وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تُنْزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ...)(1)

... و (اوضاع) این چنین خواهد بود تا آن که خدا در آخرالزمان، مردی را برانگیزد... و زمین نباتات خود را خارج تانی می کند و آسمان برکات خود را می بارد و (زمین) گنج های خود را آشکار می کند.

از جابر از حضرت ابا جعفر امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(إِذَا قَامَ قَائِمٌ أَهْلَ الْبَيْتِ، قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ، فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ. وَ إِنَّمَا سَجِي الْمَهْدِيِّ لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ. وَ يَسَّ تَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةٍ. وَ يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ، بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الزُّبُورِ بِالزُّبُورِ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ. وَ يُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا، فَيَقُولُ لِلنَّاسِ: تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، فَيُعْطِي شَيْئًا لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ. وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا وَ سُورًا)(2).

هرگاه قائم ما اهل بیت قیام کند، اموال را به مساوات تقسیم

ص: 65

1- بحار الانوار؛ ج 52، ص 280.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 351.

می کند، و در میان مردمان عدالت را برقرار می دارد. پس هر که او را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، و هر که او را عصیان کند خدا را عصیان نموده است. و همانا او «مهدی» نامیده شده، زیرا به امور پنهان هدایت می شود. و تورات و دیگر کتاب های خدای عزوجل را از غاری در انطاکیه خارج می کند. و میان اهل تورات، به تورات و میان اهل انجیل، به انجیل و میان اهل زبور به زبور، و میان اهل قرآن به قرآن حکم می کند. اموال دنیا از درون زمین و از برون آن برای او جمع می شود. آن گاه به مردم می گوید: بیایید به سوی چیزی (اموال) که به خاطر آن قطع ارحام کردید و خون ها را به حرام ریختید، و به خاطر آن، حرام های خدای عزوجل را مرتکب شدید. و او (اموال) را چنان می بخشد که کسی قبل از او نبخشیده باشد. و زمین را از عدل و داد و نور پر می کند، چنان که از ظلم و بیداد و پلیدی پر شده باشد.

و باز از جابر از حضرت ابا جعفر امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَنْطَاكِيَّةٍ فَيَسُدُّ تَخْرُجُ مِنْهَا التَّوْرَةَ... وَيُعْطِي النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَيَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَيَسْوِي بَيْنَ النَّاسِ... وَيُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلِّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَظَهْرِهَا، فَيَقَالُ لِلنَّاسِ: تَعَالَوْا إِلَيَّ مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَسَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ وَرَكِبْتُمْ فِيهِ الْمَحَارِمَ، فَيُعْطِي عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ

اول کاری که قائم علیه السلام می کند در انطاکیه است. پس تورات را از آن جا خارج می کند... و به مردم در سال دو بار انعام می فرماید و در هر ماه دو بار ارزاق را ارزانی می کند و میان مردم مساوات را برقرار می دارد... و اموال دنیا از درون زمین و از برون آن برای او جمع می شود. پس به مردم گفته می شود: بیایید به سوی چیزی که به خاطر آن قطع ارحام کردید و خون ها را به حرام ریختید و به خاطر آن حرام های خدای عزوجل را مرتکب شدید. و او (اموال را) چنان می بخشد که کسی قبل از او نبخشیده باشد.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: (مُوسَى عَلَى شَيْعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ. فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حُرِّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزُهُ، حَتَّى يَأْتُوهُ بِهِ وَيَسْتَعِينُ بِهِ) (2).

(الآن) بر شیعیان ما توسعه (در حکم) داده شده است که از آن چه در دستشان است، به نیکی اعطا کنند. پس هرگاه که قائم ما قیام کند، بر هر صاحب گنجی گنج او حرام می شود، تا آن که آن گنج را به سوی آن حضرت ببرد، و به وسیله آن، حضرتش را یاری کند.

راوی از امام معصوم علیهم السلام نقل می کند:

ص: 67

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 390.

2- وسائل الشیعة؛ ج 6؛ ص 381.

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ، وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْزُ... وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَحِينَئِذٍ تَطْهَرُ الْأَرْضُ  
كُنُوزَهَا وَ تُبْدَى بَرَكَاتُهَا...) (1)

زمانی که قائم قیام کند به عدالت حکم می کند، و در روزگار ظلم و ستم از میان می رود و میان مردم به حکم داوود و حکم محمد صلی  
الله علیه و آله حکومت می کند. و در این هنگام، زمین گنج های خود را ظاهر می کند و برکاتش را آشکار می سازد...

خداوند چنین مقدر داشته است که آن بهشت زمینی را در دوران مسرت آفرین آخرین خلیفه اش حضرت مهدی علیه السلام آشکار فرماید  
تا بوی گل و سنبل تمام فضا را عطر آگین کند، و درختان سربر فلک کشیده، سایه خویش را بر زمین بگسترانده و آهوان و پرندگان در بیشه  
زارانش به جست و خیز و پرواز پردازند، تا همگان توان خلیفه الهی را در زمین مشاهده کنند.

ای عید من، ای بهار روحانی \*\*\* ای ماه من، ای نگار بی همتا

نوروز تویی و نوبهاران تو \*\*\* کز طلعت تو جوان شود دنیا

چون از خم زلف، چهره بنمایی \*\*\* خورشید برآید از شب یلدا

بگشای کمرکه تا کمر بندد \*\*\* در خدمت تو در آسمان جوزا

فلاک مطیع تو به یک فرمان \*\*\* آفاق مستخرت به یک ایما

شخص تو جهان پیر بُرنا کرد \*\*\* از دانش پیرو طالع بُرنا

ص: 68

با خدای متعال، این جهان را- با این گستردگی و بزرگی- فقط برای نمایش نیافریده است. و این همه سیّارات و منظومه ها و نیّرات را عبث خلق نفرموده، و این زمین پهناور- با این امکانات- را تنها برای بهره وری جانوران و حشرات و گیاهان و حشی خلق نفرموده است. آفریدگار مهربان، وعده فرموده که این طبیعتِ سرکش را در اختیار بشر قرار دهد، و خلائق را از منافع آن ها بهره مند فرماید. کویرهای تقطیده و صحراهای پهناور خشک و بیابان های انباشته از رمل های روان را، روزی به گلستان های پر طراوت تبدیل خواهد کرد. و این هستی را در پناه ولیّ خود حضرت بقیّة الله الاعظم به چنان جهان زیبا و تبدیل می فرماید که مردگان در آن عصر، آرزوی زندگانی دنیائی را خواهند نمود. در آن روز، تمام گریختگان از دایرة تنگ این جهان، چنان زمین و آسمان را پهناور و پر نعمت خواهند دید که دگر بار میل به باز

گشت به این جهان را می کنند، نه کسانی که در عذاب الهی معذب هستند، بلکه آنانی که در نعمت های خداوندی متلذذ می باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام در فرازی از خطبه خود می فرماید:

(وَلْتَعْظِفَنَّ عَلَيْنَا الدُّنْيَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصَّارُوسِ عَلَى وَلَدِهَا. وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) (1)).

دنیا دگر بار- پس از سرپیچی آن- به سوی ما روی می آورد به سان ماده شتر بدخوئی که فرزندان را می گزد، اما به سوی فرزندش روی می آورد. سپس حضرت در ادامه این خطبه (این آیه را تلاوت کردند که خدای متعال می فرماید): «و ما چنین اراده کردیم که بر ناتوان شدگان زمین منت گذاریم و ایشان را امامان قرار دهیم و ایشان را وارثان (زمین) کنیم».

جهان همیشه به کام ظالمان نخواهد ماند، زمین چنین تنگ و تاریک نخواهد بود، خوبان همیشه مطرود نخواهند ماند، و پاکان همیشه تنها و بی کس نخواهند بود.

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید \*\*\* که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید

از مفضل بن عمر روایت شده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

ص: 70

---

1- ترجمه و شرح نهج البلاغه، مرحوم فیض الاسلام، ص 1180، حکمت 200؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، ج 19، ص 29.

(إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا. وَاسْتَتَعْنَى الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ... وَ يُبْنِي فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ، وَيَتَّصِلُ بِيُوتِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَا وَبِالْحَيْرَةِ، حَتَّى يَخْرُجَ الرَّجُلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى بَغْلَةٍ سَفَوَاءٍ (1) يُرِيدُ الْجُمُعَةَ فَلَا يُدْرِكُهَا) (2).

چون قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگارش روشن گردد و مردم از نور خورشید بی نیاز گردند... و در پشت کوفه (نجف) مسجدی را بنا می کند که هزار در خواهد داشت. و خانه های کوفه به نهر کربلا و به حیره متصل می شود، تا این که مرد در روز جمعه با استری کوچک و تندرو به قصد نماز جمعه خارج می شود، ولی به نماز نمی رسد.

\* ابوبصیر در ضمن حدیثی گوید:

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ دَخَلَ الْكُوفَةَ. وَ أَمَرَ بِهَدْمِ الْمَسَاجِدِ الْأَرْبَعَةِ، حَتَّى يَبْلُغَ أَسَاسَهَا. وَ يُصَيِّرُهَا عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَى. وَ يَكُونُ الْمَسَاجِدُ كُلُّهَا جَمَاءً لَا شَرْفَ لَهَا، كَمَا كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ يُوسِّعُ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ فَيَصِيرُ سِتِّينَ ذِرَاعًا وَ يَهْدِمُ كُلَّ مَسْجِدٍ عَلَى الطَّرِيقِ... (3))

هنگامی که قائم ما قیام کرد، چهار مسجد را در کوفه منهدم می کند. و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد، جز این که کنگره

ص: 71

1- بغلة سفواء: خفيفة سريعة.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 330.

3- بحار الانوار ج 52؛ ص 333.

و ایشراف آن را خراب می کند، و به حال ساده و بدون ایشراف می گذارد، هم چنان که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود. شاهراه بزرگ را توسعه می دهد که عرض آن هفتاد ذراع می گردد. و هر مسجدی را که در راه عمومی واقع است، خراب می کند...

و نیز از مفضل بن عمر روایت شده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

(إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَنِي فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ وَاتَّصَلَتْ بِيُوتِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَاءِ) (1).

هنگامی که قائم آل محمد قیام کرد، در پشت کوفه (نجف اشرف) مسجدی را بنا می کند که هزار در خواهد داشت و خانه های کوفه به رُود کربلا متصل می شود.

هم چنین از مفضل بن عمر روایت شده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

(إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَاسْتَغْنَى الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ...) (2)

چون قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگارش روشن گردد، و مردم از نور خورشید بی نیاز گردند، و تاریکی زایل می شود...

از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(... فَكَذَلِكَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَكَلْبٍ

ص: 72

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 337.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 337.

مِنَ الدَّهْرِ وَجَهْلٍ مِنَ النَّاسِ، يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَيَعْصِمُ أَنْصَارَهُ وَيَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ، وَ يُظْهِرُهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا وَنُورًا وَبُرْهَانًا يُدِينُ لَهُ عَرَضَ الْبِلَادِ وَطُولَهَا حَتَّى لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ... (1)

... و (اوضاع) این چنین خواهد بود تا آن که خدا در آخر الزمان و دوران شدت از روزگار و عصر نادانی مردمان، مردی را برانگیزد و او را به فرشتگان خود یاری فرماید و یاران او را (از خطا) نگاه دارد و او را به نشانه های خود یاری دهد و او را بر تمام زمین چیره فرماید تا این که (مردم) از روی میل و (یا ظالمان از روی) اکراه دین را بپذیرند. زمین را از عدل و داد و نور و برهان پُر کند، شرق و غرب زمین از آیین او پیروی کنند تا آن که کافر باقی نماند مگر این که ایمان آورد...

و نیز از جابر از حضرت ابا جعفر امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(إِذَا قَامَ قَائِمٌ أَهْلَ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَعَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ... وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا وَنُورًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا وَشَرًّا) (2).

هرگاه قائم ما اهل بیت قیام کند اموال را به مساوات تقسیم می کند و در میان مردمان عدالت را برقرار می دارد... و زمین را

ص: 73

---

1- بحار الانوار؛ ج 52، ص 280.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 351.

از عدل و داد و نور پرمی کند چنان که از ستم و بیداد و پلیدی پرشده باشد.

دوران حکومت مهدی علیه السلام آن چنان پر نور و سرور است که امام مجتبی علیه السلام به نقل از امیر مؤمنان صلوات الله علیه فرمودند:

خوشا به حال آن که روزگار او را دریابد و کلامش را بشنود (1).

معلقات سبعة بابل در عهد باستان بر شهرهای کشور حضرت مهدی علیه السلام رشک خواهد برد و بهشت شاد در آن عصر چون روستایی کوچکی در برابر شهری بزرگ خواهد شد.

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد \*\*\* عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

ص: 74

---

1- «اعیان الشیعه»، سید محسن امین، جزء 4.

صلح بهائم و سبّاع و اطاعت آن‌ها از مؤمنین

در دوران حکومت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و تمامی عوامل فساد آفرین و ستمگر از میان می‌رود؛ نه کسی بر زمینی‌ها می‌تواند ستم کند، نه فردی حقّ ظلم بر پرندگان را دارد، نه به شخصی اجازه‌آزار درندگان بیابان داده می‌شود، و نه گروهی می‌تواند حیات موجودات دریایی را در معرض مخاطره قرار دهند. در آن دوران همگان شادان می‌شوند، مردمان خوشدل و خندان می‌گردند، حتی موجودات وحشی نیز در سایه حکومت عدل گستر حضرتش به آرامش و آسایش دست می‌یابند. گرگ و میش در کنار هم می‌زیند، و حیوانات رام بشر می‌گردند، و مارها و عقرب‌ها به کودکان خردسال نیز ستم نمی‌کنند.

از جابر از حضرت ابا جعفر امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ، لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ، حَتَّى سَبَّاعُ الْأَرْضِ وَ سَبَّاعُ

ص: 75

الطَّيْرِ تَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى يَفْخَرَ الْأَرْضُ، عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ: مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ).

گویا که من اصحاب قائم را می بینم که بر آن چه در شرق و غرب است احاطه نموده اند. و چیزی از اشیا نیست مگر این که مطیع ایشان است. حتی درندگان زمین و پرندگان وحشی، خشنودی ایشان را در هر چیزی می طلبند، تا این که زمینی بر زمین دیگر مباحثات می کند که امروز مردی از اصحاب قائم بر من عبور کرد.

در کتاب الاربعمانه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَلَا خَرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّجَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ أَصَدَّ طَلْحَتِ السَّ بَاعُ وَ الْبُهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ إِلَى رَأْسِهَا زَيْبِلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ) (1).

و اگر قائم ماقیام کند آسمان باران خود را فرو می ریزد و زمین نباتات خود را می رویاند و کینه ها از دل بندگان خدا زایل می شود و درندگان و حیوانات (اهلی) با هم صلح می کنند (و حیوانات اهلی از درندگان نمی گریزند) تا جائی که زنی که می خواهد راه عراق و شام را بپیماید همه جا قدم بر روی سبزه و گیاهان می گذارد و در حالی که زینت های خود را بر سر دارد

ص: 76

(کسی طمع به آن نمی کند) و نه درنده ای به او حمله می آورد و نه او را درندگان به وحشت می آورند.

و نیز از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(... فَكَذَلِكَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلْبٍ مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ... حَتَّى لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ وَ تَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ...) (1)

... و (اوضاع) این چنین خواهد بود تا آن که خدا در آخر الزمان و دوران شدت از روزگار و عصر نادانی مردمان، مردی را برانگیزد... تا آن که کافر باقی نماند مگر این که ایمان آورد و گناهکار و فرد پلید نماند مگر این که صالح شود. در حکومت او درندگان با هم صلح می کنند و زمین نباتات خود را خارج می کند و آسمان برکات خود را می بارد و (زمین) گنج های خود را آشکار می کند...

و این از بشارت های الهی در میان تمام امم است که حیات و آرامش واقعی در عصر طلائی ظهور آخرین خلیفه پیغمبر خاتم در آخرالزمان به وقوع می پیوندد. سیّد بن طاووس در کتاب «سعد السّعود» گوید که من در صحف ادریس نبی علیه السلام یافتم (که نوشته بود):

(... وَ أَلْفِي فِي تِلْكَ الزَّمَانِ الْأَمَانَةَ عَلَى الْأَرْضِ، فَلَا يَصُرُّ شَيْءٌ شَيْئًا وَ لَا يَخَافُ شَيْءٌ مِنْ شَيْءٍ، ثُمَّ تَكُونُ الْهَوَامُّ وَ

ص: 77

الْمَوَاشِي بَيْنَ النَّاسِ، فَلَا يُؤْذِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَانزَعُ حُمَمَةَ كُلِّ ذِي حُمَمَةٍ مِنَ الْهَوَامِّ وَغَيْرِهَا، وَأَذْهَبُ سَمَّ كُلِّ مَا يَلْدَعُ، وَانزَلُ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ... (1)

... در آن زمان امانتداری را در روی زمین برقرار می‌سازم. پس هیچ چیز به چیز دیگر زیان نمی‌رساند و هیچ چیز از چیز دیگر نمی‌ترسد. و خزندگان و چهارپایان در میان مردم می‌گردند و هیچ یک به دیگری زیان نمی‌رساند. و حرارت (تب آفرینی) را از هر حرارت آفرین (و تب زای) از گزندگان و غیر ایشان را از میان می‌برم. و اثر سم حیوانات نیشدار را بدون اثر می‌گذارم. و برکات از آسمان و زمین فرود می‌آید...

این موضوع در ادوار پیشین، سابقه کوچکی دارد. مثلاً در دوران حضرت نوح علی نبینا و آله و علیه السلام در زمانی که سوار کشتی بودند، حیوانات در کنار هم در صلح و آرامش زیستند. علامه مجلسی در بحارالانوار، ضمن خبری گوید:

آن گاه که (خدای متعال) نوح را امر کرد که از هر جفت (حیوانات) دو تا را با خود حمل کند. نوح عرض کرد: من با (وجود) شیر و گاو چه کنم؟ و با (وجود) بزغاله و گریه چه کنم؟ و با (وجود) کبوتر و گربه چه کنم؟

(خدای متعال) فرمود: چه کسی دشمنی را در میان این حیوانات افکنده است؟

(نوح) عرض کرد: تو، ای پروردگار من.

ص: 78

(خدای تعالی) فرمود: پس من میان ایشان الفت و دوستی می افکنم، تا با هم دشمنی و ضدیت نکنند (1).

لذا این کار برای خدای متعال آسان است که در دوران ظهور حضرت بقیة الله الاعظم، میان تمام حیوانات در سراسر گیتی الفت افکند.

آن چنان که از بعضی نصوص روایی بر می آید، این گونه عداوت و دشمنی که میان حیوانات وجود دارد، ذاتی آن ها نبوده، بلکه بعداً در آن ها پیدا شده، و منشاء آن عصبان و تباهی بنی آدم بوده است. صدوق در کتاب علل الشرایع خود به اسناد از حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

(كَانَتْ الْوُحُوشُ وَالطَّيْرُ وَالسَّبَاعُ وَكُلُّ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مُخْتَلِطًا بَعْضُهُ بِبَعْضٍ. فَلَمَّا قَتَلَ ابْنُ آدَمَ أَخَاهُ، نَفَرَتْ وَفَزَعَتْ، فَذَهَبَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَى شَكْلِهِ) (2).

حیوانات و پرندگان و درندگان و هر چیزی که خدای عزوجل آفریده، گروهی از آنان با گروه دیگر آمیخته بودند. زمانی که فرزند آدم (قابیل) برادر خودش (هابیل) را کشت، اینان متنفر شدند و زاری کردند. پس هر چیزی به سوی مشابه خود رفت.

چون دگر بار تباهی ها در زمان ظهور حضرت بقیة الله الاعظم اتمام می یابد، و قصاص تمام خون های بناحق ریخته شده، اخذ می شود و آثار پلید اعمال زشت بشر از سراسر گیتی محو

ص: 79

---

1- بحار الانوار، ج 65، ص 66.

2- بحار الانوار، ج 64، ص 25 به نقل از علل الشرایع.

می گردد، لذا دگر بارگیتی به آرامش نخستین خود باز می گردد و گرگ و میش در کنار هم خواهند زیست.

ص: 80

جوانی اصحاب امام علیه السلام

خدای متعال طرح نوی جهان را به دست توانای حضرت بقیة الله الاعظم در سراسر گیتی پیا می دارد. و بار این مسؤولیت را بر دوش جوانانی سعادت‌مند قرار می دهد که به یاری کردن حجت خدا ممتاز گشته اند، زیرا قدرت تحوّل پذیری جوانان بیش تر از پیران، و فرمانبری آنان نسبت به فرامین الهی افزون تر، و پای بندی ایشان به متاع اندک دنیا کم تر است.

از حکیم بن سعد از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كَحْلِ الْعَيْنِ وَالْمِلْحِ فِي الرَّادِ وَأَقْلُ الرَّادِ الْمِلْحُ) (1).

یاران مهدی، همه جوان هستند. و در میان آنان پیری نیست، مگر به اندازه سرمه در چشم و نمک در توشه و کم ترین توشه، نمک است.

آن پیر کهن هزار و صد و شصت و اندی ساله در طلعت نو و

ص: 81

چهره ای جوان ظهور می کند، و گِرد وجود او را جوانان می گیرند، و دنیای پیر فرسوده را جوان می کنند.

ای چرخ کهن به طلعت نو \*\*\* از روی تو خور گرفته پر تو

بندی به کمند تو مِجَرَه (1) \*\*\* نعلی ز سمند تو مه نو

ای بنده درگه تو شاهان \*\*\* وی چاکر درگه تو خسرو

چرخ ار نه به کام تو زند دور \*\*\* گامی بزن و به بام او شو

ص: 82

---

1- مِجَرَه: کهکشان

## طولانی شدن عمر افراد و ازدیاد نسل

از آرزوهای دیرینه بشر در تمام ادوار، دستیابی به عمری طولانی، و حیاتی همراه با سلامت مزاج و فراخی روزی بر روی این کره خاک است. و از موضوع های مهم تحقیقاتی دانشمندان زیست شناس و امور درمان، افزایش عمر طبیعی انسان می باشد. مراکز تحقیقاتی فراوانی در سرتاسر جهان، به این مهم پرداخته اند که با کشف داروها و اختراع وسایل و دستگاه های پیشرفته در جهت جراحی و درمان بیماران و... عمر طبیعی انسان را بالا برند. گرچه اینان در کاهش میزان مرگ و میرهای ناشی از عدم رعایت بهداشت و کنترل بیماری های همه گیر موفقیت هایی به دست آورده اند؛ اما هنوز نتوانسته اند عمر طبیعی بشر را افزایش به سزائی بدهند. از سوی دیگر با توسعه هر چه بیش تر تمدن فساد زای امروزی و گسترش صنایع شیمیایی، ضایعات ناشی از این صنایع در محیط زیست افزایش می یابد، و حیات انسان و حیات

وحش را تهدید می کند. پیدایش بیماری های نوبه نو، گسترش آلودگی محیط زیست، افزایش ضایعات رادیواکتیو و تشعشعات مضر و زباله های اورانیوم، حیات محدود را برای انسان ها در معرض تهدید جدی قرار داده است. و با ارتکاب مفاسد اخلاقی توسط مردم، زمینه پیدایش میکرب ها و باکتری های مُهلک در جهان روز افزون می شود که گزارش های مستند پزشکی، نمایانگر این موضوع می باشد. از سوی دیگر، روال حاکم بر جهان در قرون اخیر این نکته را نشان می دهد که افزایش عمر و سلامت زیست، ارتباط مستقیم با سیاست های حاکم بر جهان دارد. و اضطرابات فزاینده در جوامع کنونی و اختلالات شایان توجه در مسیر اصلاحات جهانی، این مهم را هر چه بیش تر آشکار می کند که سلامت و رفاه در سایه یک حکومت واحد جهانی امکان پذیر است که اداره آن را انسان های صالح به عهده گرفته باشند. و این مهم، جز در سایه حکومت حضرت بقیة الله الاعظم متحقق نخواهد شد. در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام است که آلودگی زدوده شده و فساد و فساد آفرینی برچیده می شود، چه فسادهای شخصی، چه تباهی های اجتماعی و چه آلودگی محیط زیست. خدای متعال به برکت آن حضرت و دم مسیحایی او، بیماران را شفا می بخشد، مرض های صعب العلاج را درمان می کند، و عمر طولانی نصیب بشر سازد، به گونه ای که فرد، هزار فرزند خویش را در حیات دنیوی خود می بیند، خواه فرزندان شخصی و خواه نوادگان او.

از مفضل بن عمر روایت شده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

(إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهَا... وَيُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مُلْكِهِ حَتَّى يُوَلِّدَ لَهُ أَلْفَ ذَكَرٍ...) (1)

چون قائم ماقیام کند، زمین با نور پروردگارش روشن گردد... و عمر انسان در آن زمان، آن چنان طولانی شود که هزار پسر برای او زاده شود...

ص: 85

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 337.



زوال فقر از جامعه

قرآن کریم، یکی از عوامل اصلی فقر و ناداریِ مردمان را کفران نعمت ها و ناسپاسی بشر نسبت به عنایات خدای متعال می داند، چنان که می فرماید:

(هُوَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ) (1)

خدا قریه ای را مثال می زند که در امان و اطمینان بودند، روزی ایشان هر روز از همه جا می رسید. پس به نعمت های خدا کفر ورزیدند، پس خدا لباس گرسنگی و ترس را بر تن ایشان کرد، به جزای آن چه که (خود) ساخته بودند.

باید خاطر نشان کرد که نعمت های خدای متعال، تنها نعمت مادی نیست، بلکه نعمت های معنوی و روحانی به درجاتی از

ص: 87

---

1- قرآن کریم، سوره نحل، آیه 112.

نعمت های مادی مهم تر هستند. از مصادیق بارز نعمت های معنوی، حجت های الهی و سفرای حق (پیامبران و امامان علیهم السلام) می باشند. چنان که در ذیل آیه (ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ) (1) «سپس روزی که ایشان از نعمت ها سؤال می شوند». روایات فراوانی از لسان وحی رسیده است که منظور از نعمت در این آیه، ولایت علی بن ابیطالب است، همان ولایتی که پیغمبر خدا در روز غدیر خم، امیرالمؤمنین، و فرزندان معصوم او را تا دامنه قیامت به مقام ولایت و امامت نصب فرمود. لذا کفران این نعمت، مسلمانان را از قرون نخست دچار تنگناهای گوناگون کرد. حضرت زهرا علیها السلام در خطبه ای که به مناسبت ملاقات زنان مدینه از آن بزرگوار در بستر بیماری ایراد کردند، می فرمایند:

(أَمَّا لَعْمَرِي لَقَدْ لَقَحْتُ، فَنَظْرَةٌ رِيْثَمَا تُنْتِجُ ثُمَّ احْتَلَبُوا مِلَأَ الْقَعْبِ دَمًا عَيْطًا وَدُعَاةً مُبِيداً (هُنَالِكَ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ) وَ يَعْرِفُ التَّالُونَ. غِبَّ مَا أَسَسَ الْأَوْلُونَ ثُمَّ طَيَّبُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُسًا وَاطْمَئَنُّوا لِلْفِتْنَةِ جَاشَاءً وَ أَبْشَرُوا بِسَيفِ صَارِمٍ وَ سَطْوَةِ مُعْتَدٍ عَاشِمٍ وَ بَهْرَجِ شَامِلٍ وَ اسَّ تَبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ يَدْعُ فَيْتِكُمْ زَهِيداً وَ جَمَعَكُمْ حَصِيداً فَيَا حَسْرَةً لَكُمْ وَأَنْى بِكُمْ وَقَدْ عَمِيَتْ عَلَيْكُمْ... (2)

بدانید به جان خودم سوگند، شترِ خلافت باردار شده، منتظر باشید چندان نمی گذرد که نوزاد خود را به دنیا می آورد. سپس

ص: 88

---

1- قرآن کریم، سوره تکوین، آیه 8.

2- الاحتجاج، طبرسی، ج 1، بخش احتجاجات فاطمة زهرا علیها السلام.

به جای کاسه شیر، کاسه های پر از خون تازه و سمّ کشنده را بدوشید «و آن زمان است که طرفداران باطل گرفتار خسران می شوند». آری سرانجام دنباله روها عاقبت کاری را که پیشوایانشان پایه گذاری کردند، خواهند فهمید. از این پس به دنیای خود دل خوش کنید، ولی برای امتحان و فتنه پراضطراب اطمینان داشته باشید که در انتظار شماست. و بشارت باد بر شما به شمشیرهای برنده و سلطه تجاوزگران ستمگر و خونخوار، و زمام گسستگی جامعه و حکومتی مستبد از ناحیه ظالمان، حکومتی که ثروت های شما را بر باد می دهد و جمعیت شما را درو می کند! افسوس بر شما! و چه راه نجاتی برای شماست، در حالی که حقیقت بر شما مخفی مانده؟!!

و این گرفتاری هم چنان پاگیر مردم خواهد بود، تا دیگر بار حجّت خدا اقامه شود، مردم به سوی او رو آورند، از کرده های خود و گذشتگان خود توبه کنند، و امر را به آل محمد علیهم السلام واگذارند. آن گاه که مهدی آل محمد علیه السلام بر منصب حکومت تکیه زند، از فقر نشانه ای نخواهد بود، نه این که عدّه ای سیر بخوابند و در کنارشان انسان هایی فراوان به گرسنگی شب و روز را سپری کنند، نه از احتکار خبری خواهد بود و نه از جنایات اقتصادی، نه زورگویی اقتصادی خواهد بود و نه انحصار تولید، زیرا در آن عصر طلانی همگان از همه نعمت های الهی بهره مند خواهند بود.

شکوفایی اقتصادی در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام به گونه ای است که در گذشته تاریخ بی سابقه بوده است. تمام قوای

زمینی و آسمانی، دست، دست بر دست هم می دهند دهند تا تمامی ذخایر هستی را آشکار کنند، و قدرت لایزال الهی را در گستردگی نعمت و بخشش بر همگان بنمایاند، میان مُلک و ملکوت هماهنگی پیدا می شود و زمینی ها در همان مسیری قدم می زنند که آسمانی ها در آن اقدام می نمایند و تمام عالمیان همه در یک جهت قرار می گیرند و آن جهت بندگی خداست. و لذا مواهب مادی و معنوی نیز به برکت این گونه بندگی در تحت ولایت حجت خدا حضرت بقیه الله بر بشر فرو می ریزد.

از مفضل بن عمر روایت شده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

(إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا... يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ لَا يُوجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ، أَسَدٌ تَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ) (1).

چون قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگارش روشن گردد... و مردی از شما فرد مستمندی را می جوید که به او انفاق کند و زکات مال را از او بپذیرد، ولی کسی را پیدا نمی کند که آن مال را از او بگیرد، زیرا مردم به سبب آن چه خدا به آنان از فضل خود ارزانی می کند، بی نیاز شده اند.

از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(يُقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ وَلَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ... وَ

ص: 90

يَخْرِجُ النَّاسَ خَزَائِمَهُمْ عَلَى رِقَابِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَيُوسِّعُ عَلَى شِيعَتِنَا... (1)

به خدا سوگند، سپاهیان مهدی آن قدر می ستیزند تا آن که خدا به یکتائی پرستیده شود و برای او شرک آورده نشود... و مردم خراج خود را بر دوش خود به سوی مهدی می برند و به شیعیان ما توسعه (در حکم) داده می شود...

باز از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ وَدَخَلَ الْكُوفَةَ، بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعِينَ أَلْفَ صَدِيقٍ، فَيَكُونُونَ فِي أَصْحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ وَيُرُدُّ السَّوَادَ إِلَى أَهْلِهِ، هُمْ أَهْلُهُ. وَيُعْطِي النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ، وَيَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ. وَيَسْوِي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ. وَيَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بَرَكَاتِهِمْ إِلَى الْمُحَاوِجِ مِنْ شِيعَتِهِ، فَلَا يَقْبَلُونَهَا فَيَقْرُونَهَا (2) وَيَدُورُونَ فِي دُورِهِمْ، فَيَخْرُجُونَ إِلَيْهِمْ، فَيَقُولُونَ: لَا حَاجَةَ لَنَا فِي دَرَاهِمِكُمْ) (3).

هرگاه قائم آشکار شود و داخل شهر کوفه گردد، خدای متعال از منطقه نجف هفتاد هزار صدیق را آشکار می کند. پس ایشان در زمره اصحاب و یاران او خواهند بود و شهرها به اهالی (واقعی) شهرها باز می گردد و ایشان اهل آن هستند. به

ص: 91

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 345.

2- ای وضع الدراهم في الصرة

3- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 390.

مردمان عطایا در سال دو بار ارزانی می‌کند. و در هر ماه، دو نوبت مایحتاج عمومی را میان ایشان تقسیم می‌کند. و میان مردم مساوات را برقرار می‌کند، تا حدی که محتاج به زکات دیده نمی‌شود. و مردمان زکات خود را پیش شیعیان می‌آورند، ولی ایشان آن را نمی‌پذیرند. و زکات داران، زکات‌ها را در میان کیسه‌ها قرار می‌دهند، و در جاهای مختلف می‌گردند و پیش افراد می‌برند، ولی ایشان می‌گویند: ما نیازی به پول‌های نقره شما نداریم. شما نداریم.

راوی از امام معصوم نقل می‌کند:

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَازْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجُورُ... فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبْدِي بَرَكَاتِهَا، وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِمَالِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ، لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ) (1).

زمانی که قائم قیام نمود، به عدالت حکم می‌کند و در روزگار او ظلم و ستم از میان می‌رود... و در این هنگام زمین برکات خود را بیرون می‌دهد و مردی از شما در آن هنگام جانی را برای صرف صدقات و انفاق‌های خود نمی‌یابد به خاطر همگانی شدن بی‌نیازی در میان مؤمنان.

چنین نیست که همیشه توانگری، طغیان و سرپیچی از فرمان خدا را همراه داشته باشد و همواره ثروت فراوان پلیدی را به ارمغان آورد و قدرت، در هر حال، فساد آفرین باشد. آری، اگر

ص: 92

ثروت در دست فردی پلید قرار گیرد، نابکار قدرت را به دست آورد و منقطع از خدا شود و حقایق معنوی و سجایای اخلاقی را به زمین نهد، در آن فساد می آفریند. در منطق قرآن، استغنائی از خدا موجب طغیان دانسته شده، نه نفس دارائی. «استغناء» یعنی این که: فرد گمان کند که همه آن چه در دست اوست، تمام را خود- بدون مدد غیر- به دست آورده، چنان که قارون (1) چنین گمان داشت. وقتی که گروهی از قوم قارون به او گفتند که در زمین فساد نکن که خدا فسادگران را دوست نمی دارد، قارون در جواب گفت: این ثروت ها را با علم و دانش خود به دست آورده ام. قرآن کریم چنین نقل می فرماید:

(إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ... لَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي...) (2)

همانا قارون از قوم موسی بود که بر ایشان ستم کرد. و ما به او گنج هائی ارزانی کردیم به صورتی که بر دوش بردن کلیدهای آن- گنج ها- مردان قوی را خسته می کرد. آن گاه که قوم او به او گفتند... در زمین فساد جویی مکن که خدا فسادگران را دوست نمی دارد، گفت: من، منحصرأً به سبب دانش خود، به

ص: 93

---

1- قارون، فردی از قوم حضرت موسی بود که خدای متعال به او مکنّت فراوانی ارزانی داشته بود. اما عاقبت در اثر فراموشی خدا و عدم صرف اموال خداداد در مسیر رضایت حق، او همراه خانه و کاشانه اش به زمین فرورفت.

2- قرآن کریم، سوره قصص، آیات 76-78.

این اموال دست یافته ام...

همواره چنین نیست که ثروت فساد آورد. در تاریخ گذشته خدای متعال قدرت و مکنّت هائی را در اختیار بندگان صالح خود قرار داده، و آنان تمام آن نعمت ها را در مسیر صلاح و خیر عمومی صرف کرده اند، هم چون حکومت طالوت بر جالوت و مکنّت ذوالقرنین بر سراسر گیتی و مکنّت سلیمان در منطقه عربی.

خدای متعال، اصحاب و یاران و شیعیان حضرت بقیّة الله علیه السلام را - در کنف حمایت خویش - از اشتباه کاری باز می دارد، و ایشان را به سعادت های خود مفتخر می کند، تا با دستیابی به حکومت در سراسر گیتی، ظلم و عدوان نکنند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

(يُقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُوحِدَ اللَّهُ وَ لَا يُشْرِكَ بِهِ شَيْءٌ... وَ يُوسِّعُ عَلَيَّ شِيعَتَنَا وَ لَوْ لَا مَا يُدْرِكُهُمْ مِنَ السَّعَادَةِ لَبَغَوْا...) (1).

به خدا سوگند، سپاهیان مهدی آن قدر می ستیزند تا آن که خدا به یکتائی پرستیده شود و برای او شرک آورده نشود... و مردم خراج خود را بر دوش خود به سوی مهدی می برند و به شیعیان ما توسعه (در حکم) داده می شود. و اگر ایشان را سعادت نصیب نشود، هر آینه ستم می کنند....

ص: 94

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 345.

زوال امراض بدنی و برومند شدن ابدان و ارواح

خدای متعال، نظام جهان را به گونه ای قرار داده که اگر بشر در مسیر معین شده توسط انبیای عظام قدم برندارد، و به فرایض الهی - که بخشی از آن فراهم کننده سلامت جسمی انسان هاست - عمل نکند، تازیانه قهر الهی آنان را در برابر اعمال زشتشان می گیرد، و گرفتار بلیات و مشکلات و امراض و ناتوانی ها می کند. در لسان شرع رسیده است که: «صُومُوا تَصِحُّوا» (1) روزه بگیرید تا سلامت شوید.

انبیا بشر را از نوشیدن مسکرات و خوردن گوشت های حرام باز داشته اند. و ایشان را به صله ارحام فرا خوانده اند، که هم موجب افزایش قدرت مادی و توانائی اجتماعی می شود، و هم سلامتی و طول عمر را به همراه می آورد. انبیا بشر را به سوی خدا دعوت کرده اند، زیرا یاد خدا درمان همه اضطراب ها است. خدای متعال

ص: 95

---

1- بحارالانوار، ج 96، ص 255، کتاب الصیام، باب فضل الصوم.

(أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (1).

همانا به یاد خدا دل ها آرام می گیرد.

خدای متعال توسط انبیا عظام و اوصیای، ایشان بشر را به معنویات فرا خوانده، تا در سایه انجام فرایض و عمل به این دستورات، آسایش جسم و جان و سلامت تن و روان برای بشر- به دلیل فراهم گردد. ولی بشر روی خواسته ای حیوانی و دنائت اندیشه- به فرامین الهی گوش فراندا، و در بی بند و باری را به روی خود گشوده است که ثمره آن مرگ های ناگهانی، بلاهای جسمی و روحی، ضعف های بنیه و ناتوانی ها ... می باشد. اما در تحت حکومت حق و لوای حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله فرجه، فرامین خدا اجرا می شود. و بشر- پس از هزاران سال زمام گسیختگی- دوباره به سوی خدا روی می آورد و طوق بندگی نفس را که از زمان عصیان ابلیس برگردن موجودات مختار افتاده، بر زمین می نهد. و بجای عبادت نفس، خدا را عبادت می کند. و یکی از ثمرات این عبادت خالصانه، سلامت جسم و روان است، که این موضوع در جامعه معنوی زمان ظهور امام زمان علیه السلام صورت می پذیرد.

از حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

ص: 96

(إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ شَيْعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا) (1).

هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند عزوجل از شیعیان ما بیماری را بر طرف می سازد، و دل های آنان را هم چون پاره های آهن می گرداند، و به هر مردی از آن ها نیروی چهل مرد می دهد، و آن ها حاکمان زمین و رؤسای اجتماع خواهند شد.

و از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(حَدِيثُنَا صَ عُبُّ مُسْتَصَدَّ عُبُّ، لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ أَوْ مَدِينَةٌ حَصِينَةٌ، فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَجَاءَ مَهْدِيُّنَا، كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شَيْعَتِنَا أَجْرَى مِنْ لَيْثٍ وَ أَمْصَى مِنْ سَنَانٍ، يَطَأُ عَدُوَّنَا بِرَجْلَيْهِ وَ يَضْرِبُهُ بِكَفَيْهِ. وَ ذَلِكَ عِنْدَ نُزُولِ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ فَرَجِهِ عَلَى الْعِبَادِ) (2)

همانا حدیث ما دشوار دشواری پذیر است. و کسی آن را محمد المتحمل نمی شود، جز فرشته مقرب یا پیغمبر فرستاده شده یا مؤمنی که دل او به ایمان آزموده شده باشد یا شهری که دژ و بارو داشته باشد. پس هر گاه که مهدی ما بیاید، هر مرد از شیعیان ما، از شیر دلیرتر و از نیزه چابک تر است. دشمنان ما را زیر پای خود خرد می کند و با کف دست به او ضربت می زند.

ص: 97

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 317.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 318.

و این در هنگام نزول رحمت خدا و گشایش او برای بندگان است.

ابو بصیر گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود:

(مَا كَانَ يُقُولُ لَوْطٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ) (1) إِلَّا تَمَنِّيًّا لِقُوَّةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَلَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ. فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَىٰ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَإِنْ قَلْبُهُ لِأَشَدِّ مِنَ الْحَدِيدِ. وَلَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا، لَا يَكْفُونَ سِوَفَهُمْ حَتَّىٰ يَرْضَىٰ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ) (2).

لوط پیغمبر این سخن را که «اگر برای من قدرتی بود و یا اگر می توانستم به سوی رکن شدید چنگ زنم»، فرمود، مگر این که آرزو می کرد قدرت قائم علیه السلام را داشته باشد، و یا شدت اصحاب او را واجد گردد. پس به مردی از اصحاب آن حضرت قدرت چهل مرد ارزانی می شود. و قلب او از آهن شدیدتر خواهد بود. و اگر ایشان بر کوه های آهن عبور کنند، آن کوه ها را قطع می کنند. و شمشیرها را به زمین نمی نهند، تا این که خدای عزوجلّ خشنود گردد.

هم چنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابِهِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ، كَانَ عَلَىٰ رُؤْسِهِمُ الطَّيْرُ، قَدْ فَنِيَتْ أَزْوَادُهُمْ وَخُلِقَتْ نِيَابُهُمْ،

ص: 98

---

1- سورة هود، آية 80.

2- بحار الانوار ج 152؛ ص 327.

قَدْ أَثَرَ السُّجُودِ بِجِبَاهِهِمْ، لُيُوثُ بِالنَّهَارِ، رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ، كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبْرُ الْحَدِيدِ، يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، لَا يَقْتُلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا. وَقَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوَسُّمِ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ بِقَوْلِهِ: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ (1) (2) ) .

گویا من به سوی قائم علیه السلام و اصحاب او می نگرم که در نجف کوفه هستند. (از ژولیدگی) گویا بر سر ایشان پرنده ای است. به تحقیق توشه های ایشان نابود شده و لباس های ایشان کهنه، و بر پیشانی ایشان آثار سجود ظاهر است. شیران روز و زاهدان شب هستند. گویا قلب های ایشان از پاره های آهن است و به هر مردی از ایشان قدرت چهل مرد ارزانی می شود. کسی یکی از ایشان را نمی کشد، مگر این که کافر یا منافق باشد. و خدای متعال، ایشان را به نشانه داری (در پیشانی) در کتاب گرانقدر خویش توصیف کرده است (که می فرماید): «همان در این نشانه هائی برای نشانه داران (در پیشانی) می باشد».

عبدالملک بن اعین گوید:

(قُمْتُ مِنْ عِنْدِ أَبِي جَعْفَرٍ فَأَعْتَمَدْتُ عَلَى يَدَيْ، فَبَكَيْتُ وَقُلْتُ: كُنْتُ أَرْجُو أَنْ أَدْرِكَ الْآ مَرَّ وَبِي قُوَّةً. فَقَالَ: أَمَا تَرْضَوْنَ أَنَّ أَعْدَائَكُمْ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَأَنْتُمْ آمِنُونَ فِي بُيُوتِكُمْ. إِنَّهُ لَوْ كَانَ ذَلِكَ أُعْطِيَ الرَّجُلُ

ص: 99

1- سورة حجر، آية 75.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 386.

مِنْكُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَجُعِلَ قُلُوبُكُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ. لَوْ نَدَفْتُمْ بِهَا الْجِبَالَ فَلَقَتْنَهَا، وَأَنْتُمْ قَوْمٌ الْأَرْضِ وَخُرَّانُهَا) (1).

از نزد حضرت باقر علیه السلام برخواستم، پس به دستان خود تکیه کردم و گریستم، و گفتم: من امیدوار بودم که امر (شما را) درک کنم در حالی که توانائی (جسمی) داشته باشم. آن حضرت فرمودند: آیا خشنود نیستید که دشمنان شما یکدیگر را می کشند، در حالی که شما در خانه های خود در امنیت هستید؟ همانا اگر آن (امر) برپا شود، به هر مردی از شما قدرت چهل مرد داده می شود، و قلب های شما چون پاره های آهن می گردد که اگر به آن (قلب ها) بر کوه ها بکوبید، تکه تکه می شوند. و شما به پادارندگان زمین و گنجینه داران آن خواهید بود.

جابر گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

(إِنَّ اللَّهَ نَزَعَ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ شِيعَتِنَا وَاسْكَنَهُ قُلُوبَ أَعْدَائِنَا. فَوَاحِدُهُمْ أَمْضَى مِنْ سَنَانٍ وَأَجْرَى مِنْ لَيْثٍ، يَطْعَنُ عَدُوَّهُ بِرُمْحِهِ وَيَضْرِبُهُ بِسَيْفِهِ وَيُدْوسُهُ بِقَدَمِهِ) (2).

همانا خداوند (در زمان قیام قائم ما) ترس را از دل های شیعیان ما زایل می کند، و در دل دشمنان ما می افکند. پس هر یک از آن ها، از نیزه چابک تر و از شیر دلیر تر هستند، به طوری که دشمن ما را به نیزه خود می زنند و به شمشیر خود مضروب

ص: 100

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 335.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 336.

می کنند، وزیر پاهای خود، آن ها را له می کنند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

(يَكُونُ شِيعَتُنَا فِي دَوْلَةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ سَنَامَ الْأَرْضِ وَ حُكَامَهَا يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَزْبَعَيْنَ رَجُلًا) (1).

در دولت قائم علیه السلام شیعیان ما ارکان زمین و حاکمان آن خواهند بود. به هر یک از ایشان، قدرت چهل مرد داده می شود.

و نیز امام باقر علیه السلام فرمودند:

(أَلْفِي الرُّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا، فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ خَرَجَ مَهْدِينَا، كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرِي مِنَ اللَّيْثِ وَ أَمْصَى مِنَ السَّنَانِ، يَطَأُ عَدُوَّنَا بِقَدَمَيْهِ وَ يَقْتُلُهُ بِكَفَيْهِ) (2).

در دل های شیعیان ما ترس از دشمنان ما افکنده شده است. پس هرگاه امر ما واقع شود و مهدی ما خروج کند، هر یک از ایشان از شیر دلیر تر و از نيزه چابک تر خواهد بود، که دشمنان ما را زیر پای خود خرد می کند و با کف دست، او را به قتل خواهد رسانید.

جریر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت از پدرشان از حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیهم السلام نقل فرمودند که آن حضرت فرموده اند:

ص: 101

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 372.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 372.

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ) (1).

هرگاه قائم قیام کند خداوند عزوجل از هر مؤمنی بیماری را بر طرف می کند، و دوباره نیروی او را به او باز می گرداند.

از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةٍ بَرِيٍّ، وَ مِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيٍّ) (2).

هر کس قائم ما اهل بیت را درک کند، اگر بیماری داشته باشد، بهبودی می یابد. و چنان چه ضعیف باشد، نیرومند می گردد.

ص: 102

---

1- بحار الأنوار؛ ج 152؛ ص 362.

2- بحار الأنوار؛ ج 52؛ ص 445.

زوال کینه از دل ها و تکامل اخلاق و ایمان

یکی از آثار حضور فعال سفرای الهی، زنده شدن سجایای انسانی در میان خلایق است. زیرا تأثیر مشاهده حسّی به درجاتی بیش تر از شهود عقلی است. و انبیا تنها به گفتن حقایق بسنده نکرده اند، بلکه با فعل خود، افراد را به انجام فرایض و ملکات اخلاقی و ایمانی فرا خوانده اند. عظمت داستان کربلای حضرت سید الشهداء علیه السلام، تنها در مسیر دفاع از حقّ نیست، بلکه یک مکتب زنده اخلاقی است که حضرتش در طول مسیر حرکت به کربلا و در سرزمین کربلا، آن ها را آشکار فرمود. درس گذشت را با پذیرش توبه جناب حرّ بن یزید ریاحی آموخت، درس ایثار را در آب نخوردن خود به انسان ها نشان داد، درس غیرت را با نفرستادن زنان به میدان آشکار کرد، با اجازه برگشت به اصحاب و خانواده، حقیقت ایمان و واجدیت راهبری الهی را نشان داد، با اجازه میدان رفتن فرزند دلبنده خود پیش از همه، هوی و هوس را در

ص: 103

روان پاک خود نمایان کرد و حقیقت عصمت را بر جهانیان علنی فرمود، با حضور در کنار پیکر پاکِ غلامِ سیاه- هم چون حضورش در کنار بدنِ فرزندِ دل‌بند خود علی اکبر- حقیقت برابری اهل ایمان را آشکار کرد، با خطبه‌های غزا و دعوت مردم به پروا پیشگی از خدا و ترس از عقاب او، حقیقتِ دعوت انبیا را آشکار کرد، با برپائی نماز در آن صحنه خطرناک، حقیقت اقامه نماز را به جهانیان آموخت، و با قرآن خواندن بر سر نیزه، تفاوت قیام خود را با تمام قیام‌های پر خاشک‌گرانه آشکار فرمود.

باری با خانه نشینی حجج الهی، بشریت نعمت‌های فراوانی از دست داد که از آن جمله، فقدانِ الگوی عملی در حقایق عقلی و فکری بود. در دوران حاکمیت آل الله علیهم السلام و حکومت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه، دیگر بار خُلق و خوی محمّدی در میان خلایق آشکار می‌شود، و نمونه تمام عیار احمدی صلی الله علیه و آله در جهان نمایان می‌گردد. به برکت او، کینه‌ها از دل‌ها رخت بر می‌بندد، رأفت و شفقت جای آن را می‌گیرد، اخلاقیات در میان مردمان زنده می‌شود، روح ایمان در جامعه بارور می‌گردد، و دیگر بار نمونه تمام عیار برادری و الفتی که انبیا خلق را به آن دعوت کرده‌اند، ایجاد می‌شود. به گونه‌ای که مسیحیان جز در زمان عیسای مسیح، چون آن را ندیده، و جهانیان- جز در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله- نمونه آن را مشاهده نکرده باشند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمَزَامِلَةُ (1) وَيَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ) (2).

... آن گاه که قائم قیام کند، رفاقت و دوستی خاصی پیدا می شود. و مرد به سوی کیسه و جیب برادر (ایمانی) اش می رود، و از آن نیاز خود را بر می دارد و (برادر دینی اش) او را منع نمی کند.

در حدیث جامع الاربعمائه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(... وَ لَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمُنَا، لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ...) (3).

... و اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را فرو می ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می دهد، و کینه ها از دل بندگان خدا زایل می شود...

ابو خالد کابلی نقل می کند که از حضرت باقرعلیه السلام فرمودند:

(إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ) (4).

هرگاه قائم قیام نمود، دست خود را روی سر مردم می گذارد، و بدان وسیله عقل های آنان جمع می شود، و اخلاقشان کامل می گردد.

ص: 105

---

1- المزاملة: الرفافة و الصداقة الخالصة

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 372.

3- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 316.

4- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 336. در "کمال الدین" عبارت به این صورت است: «الله بده».

زید زَرَاد گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم:

(تَخَشَى أَنْ لَا نَكُونَ مُؤْمِنِينَ. قَالَ وَلِمَ ذَاكَ؟ فَقُلْتُ: وَذَلِكَ إِنَّا لَا نَجِدُ فِيْنَا مَنْ يَكُونُ أَخُوهُ عِنْدَهُ أَثَرٌ مِنْ دِرْهِمِهِ وَدِينَارِهِ، وَنَجِدُ الدِّينَارَ وَالدِّرْهَمَ أَثَرَ عِنْدَنَا مِنْ أَخٍ قَدْ جَمَعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ مَوَالِدَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام. قَالَ: كَلَّا إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَ لَكِنْ لَا تَكَلِّمُونَ إِيْمَانَكُمْ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمًا. فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ أَحْلَامَكُمْ، فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ. وَلَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْأَرْضِ مُؤْمِنُونَ كَامِلُونَ، إِذَا لَرَفَعْنَا اللَّهُ إِلَيْهِ وَ أَنْكَرْتُمْ الْأَرْضَ وَ أَنْكَرْتُمْ السَّمَاءَ. بَلْ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ فِي الْأَرْضِ فِي أَطْرَافِهَا مُؤْمِنِينَ، مَا قَدَّرُ الدُّنْيَا كُلَّهَا عِنْدَهُمْ تَعْدِلُ جَنَاحَ بَعْضَةٍ، وَ لَوْ أَنَّ الدُّنْيَا يَجْمَعُ مَا فِيهَا وَ عَلَيْهَا ذَهَبَةٌ حَمْرَاءُ عَلَى عُنُقِ أَحَدِهِمْ، ثُمَّ سَقَطَ عَنْ عُنُقِهِ، مَا شَعَرَ بِهَا أَيُّ شَيْءٍ كَانَ عَلَى عُنُقِهِ وَ لَا أَيُّ شَيْءٍ سَقَطَ مِنْهَا، لِهَوَانِهَا عَلَيْهِمْ) (1).

ما می ترسیم که مؤمن نباشیم. آن حضرت فرمود: چرا چنین می گوید؟! عرض کردم: زیرا ما در میان خود، کسی را نمی بینیم که برادر ایمانی اش برای او از پول نقره و طلایش ارزشمندتر باشد. ما طلا و نقره را از برادر ایمانی خود بیش تر دوست می داریم، با این که میان ما و میان او ولایت امیر المؤمنین علیه السلام مشترک است. آن حضرت فرمودند: چنین نیست، شما مؤمن هستید. ولی ایمان شما کامل نیست، تا این

ص: 106

که قائم ما خروج کند و خدا حلم های (عقل های) شما را گرد آورد. پس مؤمن کامل گردید و اگر مؤمنان کامل در زمین نمی بودند، هر آینه خدا ما را به سوی خود بالا می برد، و شما انکار آسمان و انکار زمین می کردید (1). بلکه سوگند به خدائی که جانم در دست قدرت اوست، همانا در زمین و در اطراف آن مؤمنانی هستند که ارزش دنیا در نزد آنان به قدر بال پشه ای است. و اگر دنیا و آن چه در داخل آن و آن چه روی آن است، از طلای سرخ جمع شود و برگردن یکی از ایشان آویخته شود، سپس از گردن او فرو افتد، نمی فهمد که چه چیزی بر گردن او بوده است و برای چه چیز از گردن او افتاده است. (این موضوع) به خاطر کم ارزشی دنیا آن برای ایشان است.

این همان وعده الهی است که خدا در میان خلائق توسط انبیا و اوصیای انبیاء علیهم السلام الاعلام فرموده است که در دوران مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و حقیقت آیین احمدی آشکار می شود، و کمالات به نهایت می رسد. سید بن طاووس در کتاب «سعد السعد» گوید که من در صحف ادریس نبی علیه السلام یافتم (که نوشته بود):

(وَأَلْقَى الرَّأْفَةَ وَالرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ فَيَتَوَاسَوْنَ وَيَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِيَّةِ، فَيَسْتَغْنِي الْفَقِيرُ وَلَا يَعْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَيَرْحَمُ الْكَبِيرُ الصَّغِيرَ وَيُوقِّرُ الصَّغِيرَ الْكَبِيرَ، وَيَدِينُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ وَيَحْكُمُونَ...) (2)

ص: 107

---

1- علامه مجلسی در توضیح این جمله می نویسد: "انکار زمین و آسمان"، به دلیل مشاهده آثار غریبه در آن ها است که قبل از آن قضیه ندیده بودند. (بحار الانوار، ج 67، ص 352).

2- بحار الانوار؛ ج 152؛ ص 385.

... رأفت و ترحم را در دل آن ها جای می دهم، به طوری که مواسات و برادری میان آن ها برقرار گردد، و آن چه دارند، به طور مساوی میان خود قسمت کنند. فقرا بی نیاز می شوند، و کسی بر دیگری برتری ندارد. و بزرگ بر کوچک ترحم می کند و کوچک بزرگ را احترام می کند. و همه به دین حق متدیّن می شوند، و طبق دستورات آن رفتار می کنند و حکم می نمایند...

ص: 108

تکامل عقول و گسترش علم

خدای متعال در دولت حقه آل محمد صلی الله علیه و آله و دریاهاى بیکران از دانش های درونی و فطری را به روی بشر باز خواهد فرمود، و انسان ها، به مقاماتی بالا و والا نائل خواهند شد.

از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ) (1).

هرگاه قائم ما قیام نمود، دست خود را روی سر مردم می گذارد و بدان وسیله عقل های آنان جمع می شود، و افکارشان کامل می گردد.

در عصر طلایی ظهور، از نظر ارتباطات صوتی و تصویری در جهان، تغییرات خاصی صورت می پذیرد. در آن دوران، نه تنها

ص: 109

شیعیان تصویر آن حضرت را ملاحظه می کنند، بلکه یاران آن حضرت- در هر جای عالم که باشند- همان بدن مبارک حضرتش را می بینند. و همان بهره ای را که اطرافیان از او می برند، افراد در دور دست نیز همان بهره را خواهند برد.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ، حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ، فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ) (1).

قائم ما آن گاه که قیام کند، خداوند چندان نیرو به گوش ها و دیدگان شیعیان ما می دهد که میان آن ها و قائم ما، پیک و برید (2) نخواهد بود. پس قائم ما با آن ها صحبت می کند و آن ها هم صدای او را می شنوند و به وی نگاه می کنند، در حالی که او در محل خودش می باشد.

این مطلب فقط اختصاص به شخص حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام ندارد، بلکه مؤمنان نیز در هر جای عالم که باشند، یکدیگر را می بینند. نه این که از راه انتقال تصویر، یکدیگر را ملاحظه کنند، بلکه گویا که در کنار هم نشسته و با هم سخن می گویند.

ابن مسکان گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

ص: 110

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 336.

2- برید به معنی قاصد و پُست است. و مسافتی که برید می پیماید، تقریباً 12 میل است.

(إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ، لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ. وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ) (1).

در زمان دولت قائم، یک فرد با ایمان که در مشرق باشد، برادرش را در مغرب می بیند. و آن کس که در مغرب است، برادرش را که در مشرق می باشد، می بیند.

آن چه از دانش در عصر همه پیامبران - حتی در عصر اسلام توسط پیغمبر اسلام و اوصیای گرامی اش علیهم السلام - آشکار شده، تنها دو حرف از دانش است. در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام بیست و پنج حرف دیگر - از بیست و هفت حرف دانش - آشکار خواهد شد که در گذشته تاریخ سابقه نداشته است. و آن حضرت، از نوامیس طبیعی، چیزهایی را ظاهر می فرماید که اصلاً در اندیشه بشر جای ندارد.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا. فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ. فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ. فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا، فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ، حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ حَرْفًا) (2).

علم، بیست و هفت حرف است. تمام آن چه پیغمبران آورده اند،

ص: 111

1- بحار الانوار؛ ج 52. ص 392.

2- بحار الانوار؛ ج 52. ص 336.

دو حرف است. و مردم هم تاکنون بیش از آن دو حرف را ندانسته اند. پس زمانی که قائم ماقیام می کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می آورد، و آن را در میان مردم منتشر می سازد، و آن دو حرف را هم به آن ها ضمیمه می نماید، تا آن که بیست و هفت حرف (علم) را منتشر می کند.

آن حضرت، تمام دشواری های دانش های آشکار شده توسط انبیا و اوصیای انبیا را حلّ و آسان می کند، و گره از روی همه پنهانی های علمی و مجهولات بر می دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن سفارش هائی به جناب کمیل بن زیاد نخعی می فرمایند:

(... یا کُمَيْلَ بْنَ زِيَادٍ... وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا أَنَا أَفْتَحُهُ. وَ مَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتِمُهُ) (1).

... ای کمیل بن زیاد... و هیچ علمی نیست مگر این که من آن را می گشایم. و هیچ سری نیست مگر آن که قائم علیه السلام آن را پایان می دهد.

یاران آن حضرت، در مسجد کوفه خیمه ها می زنند، و حقایق قرآن را- آن چنان که نازل شده است- برای مردمان بیان می کنند. در آن دوران دیگر از اختلاف نظرها خبری نیست، و دیگر جایی برای تناقض گویان نخواهد بود. همه یک گونه سخن می گویند و همه به ژرفای حقایق اسلامی- بدون حیرت و جهل- راه می یابند. جاهلان دانش نما بر همگان آشکار می گردند، و باتلاق های پرکه

ص: 112

نما رسوا می شوند. از سرچشمه زلال حقایق، رودهایی پاکیزه به کشتزارهای جان انسان ها جاری می گردد، و از اقیانوس موج حقایق علوی، برکه های خوشگوار دانش در اختیار جهانیان قرار می گیرد.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

(إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ، فَأَصْعَبُ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفَ) (1).

هرگاه قائم آل محمد قیام کند، خیمه هائی نصب می کند برای کسانی که قرآن را- همان طور که نازل شده- به مردم تعلیم کنند. در آن روز، مشکل ترین کارها برای حافظان قرآن است، زیرا آن را (از نظر جمع آوری و ترتیب)، مخالف وضع فعلی می بینند.

حبة العرنی گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

(كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلُ. أَمَا إِنْ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ كَسْرَهُ وَ سَوَى قِبَلَتَهُ) (2).

گوئی شیعیانم را می نگرم که در مسجد کوفه خیمه ها زده اند، و قرآن را- آن چنان که نازل شده است- به مردم می آموزند. وقتی قائم ما قیام کند، (دیواره های) آن مسجد را خراب می کند

ص: 113

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 339.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 364.

و قبله آن را راست می گرداند.

و از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(كَأَنِّي بِشَيْعَةِ عَلِيٍّ فِي أَيْدِيهِمُ الْمَثَانِي يُعَلِّمُونَ النَّاسَ) (1).

گویا من شیعیان علی علیه السلام را می بینم که در دست ایشان مثنای (قرآن) است و مردم را (قرآن) می آموزند.

ابن نباته گوید: شنیدم که علی علیه السلام می فرمود:

(كَأَنِّي بِالْعَجَمِ فَسَاطِطُهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلُ (الی آخره) (2).

گویا که من غیرعرب ها را می بینم که خیمه های ایشان در مسجد کوفه است، و به مردم قرآن را- آن چنان که نازل شده- می آموزند.

سطح دانش عمومی آن چنان بالا می رود که بانوان در منازل خود، به کتاب خدا و سنت پیامبر حکم می کنند. چنان که حمران از امام باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

(كَأَنِّي بِدِينِكُمْ هَذَا لَا يَزَالُ مُوَلِّياً يَفْحَصُ بِدَمِهِ. ثُمَّ لَا يَرُدُّهُ عَلَيْكُمْ إِلَّا رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ... وَ تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ، حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) (3).

گویا دین شما را می بینم که آغشته به خون می گردد (از بس که

ص: 114

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 364.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 364.

3- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 352.

دشمنان دانا و دوستان نادان به آن ضربت می زنند) و کسی را نمی بینم که آن را به حال نخست برگرداند، مگر مردی از ما اهل بیت... و در زمان او چنان (به بشر) حکمت (و دانش بی آایش) ارزانی می شود که زنان در خانه خود به کتاب خدا و سنت و روش پیغمبر حکم می کنند.

محمد بن جعفر از پدر گرامی خود علیهم السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (بَعَثَ) فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ، فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدَكَ (فِي) كَفِّكَ. فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ، فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا... (1)).

هرگاه قائم علیه السلام قیام کند، در سراسر زمین، در هر سرزمینی مردی را می فرستد و به او می گوید: فرمان تو در کف دست توست. پس هرگاه چیزی بر تو وارد شد که آن را نمی فهمیدی و حکم قضاوتی را در آن نمی دانستی، پس به کف دست خود بنگر و بدان چه در آن است عمل کن...

خلاصه کلام آن که خدای متعال به دست توانای حضرت مهدی علیه السلام تمام زمین را از علم و دانش آکنده می کند، و در کنار امنیت و عدالت، علم و دانش نیز عالم گیر می شود.

اصبغ بن نباته گوید: روزی امیر المؤمنین علیه السلام به سوی ما خارج

ص: 115

شد در حالی که دست فرزندش امام حسن علیه السلام به دست او بود و برای ما حدیثی از پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره خود نقل فرمود و سپس به معرفی امامان بعد از خود فرمود، تا آن جا که فرمود:

(... وَ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ تَسْعَةٌ مِنْ صُلْبِهِ... تَسْبِعُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَ عَدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا (الی آخره)) (1).

... و پس از حسین، نه نفر از فرزندان او خواهند بود... نهمین آن ها قائم است که خدای عزوجل به وسیله او زمین را از نور آکنده می کند، پس از تاریکی آن. و از داد پر می کند، پس از ستم آن. و از دانش مالا مال می کند، پس از جهل آن.

در دوران حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه، به دست ملکوتی آن حضرت، عقل ها کامل می شود و مردمان از نعمت کمال عقل بهره مند می شوند. از آن جا که عقل، وسیله کشف خوبی از بدی و زشت از زیبا است، لذا با کمال عقل، افراد بشر، از پلیدی دوری می جویند و به خوبی ها نایل می شوند. و با تکامل عقل، انسان ها به همه کمالات می رسند. در روایات مأثوره از لسان وحی علیهم السلام آثار کمال عقل به گستردگی طرح شده که ما در نوشته دیگر، آن ها را بررسی نموده ایم. و در این جا به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

1- کمال انسان (2).

ص: 116

1- بحار الانوار، ج 36، ص 253.

2- بحار الانوار؛ ج 1، ص 96 و ج 78، ص 234.

2- کمال ایمان و پیدایش صفات نیکو و تلاش در زمینه عمل به وظایف بندگی (1).

3- ترس از خدا و اطاعت مطلق از حضرتش (2).

4- پاکیزگی اعمال (3).

5- به دست آوردن یقین، قناعت، صبر و شکر (4).

6- آرامش روح و سلامت دین و نیل به غنی (5).

7- محبوبیت نزد خدای متعال (6).

8- مصونیت از هلاکت و نابودی (7).

9- تحصیل رضای الهی (8).

10- مبری بودن از آزار دیگران (9).

و این ها گوشه ای از آثار تکامل عقل است که جملگی آن ها در دوران حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام او در میان خلائق آشکار می شود.

ص: 117

---

1- بحار الانوار؛ ج 1، ص 109 و ج 78، ص 238.

2- بحار الانوار، ج 77، ص 156.

3- بحار الانوار؛ ج 1، ص 87 و ج 10، ص 112.

4- بحار الانوار؛ ج 1، ص 87.

5- بحار الانوار؛ ج 1، ص 139.

6- بحار الانوار؛ ج 1، ص 96 و ج 57، ص 57، ص 375 و ج 64، ص 282.

7- بحار الانوار؛ ج 71، ص 229.

8- بحار الانوار؛ ج 77، ص 28.

9- بحار الانوار؛ ج 1، ص 141.



نابودی دشمنان خدا و اجتماع خلق بر بندگی خدا

هزاران سال است که بشر به خاطر زیر پا نهادن سخن انبیا، فطرتِ خدا پرستیِ خویش را با زنگارهای جهل و گناه پوشانیده است. به جای بندگی در بارگاه قدس الهی، سر تسلیم در برابر پلیدان فرود آورده است. به جای رو نهادن به باب عطف و مهر الهی، دست طمع در برابر هر آزمندی دراز کرده، و به جای شنیدن سخنِ جانِ فزایِ خدایِ مَنان، طوقِ عبودیتِ خویش را به دست هر تبه‌کاری داده است. ندای پر از مهر و شفقت خدا را زیر پا نهاده و دعوت شیاطین را لبیک گفته است. به جای آن که تذکراتِ سفرای الهی را پذیرا شود، تیغ بُران بر گردن آن سفیران نهاده، و یا آنان را تکذیب کرده و صفحه تاریخ را به خون پاک پیغمبران و اوصیای ایشان و یاران با وفایشان آلوده است. این شیوة زشت را آیندگان از گذشتگان به ارث برده اند، تا آن جا که تیغ بُران خود را در میان خاندان برگزیده پیغمبران و آقای رسولان قرار

ص: 119

دادند، تمام فشارهای خود را متوجه ایشان کردند. چه بسیار از آن پاکان که کشته شدند، و چه بسیار که به دار آویخته شدند، و چه بسیار که از خانه و کاشانه خود تبعید شدند. «فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ وَ أُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ» (1). در مسجد کوفه تیغ بر فرق امیرالمؤمنین علیه السلام نهادند، و پیکر پاک حضرت مجتبی علیه السلام را به روی تخته تابوت در کنار قبر جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله تیر باران کردند، و بدن پاک حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران با وفای او را به خاطر جلب رضایت پيشتاز جانیان «یزید» قطعه قطعه نمودند.

- چرا؟!!

چون این پاکان و سلاله پاکان، بشر را به یگانه پرستی فرا می خواندند و از بندگی نفس باز می داشتند. و بسی جای شگفتی است که چگونه بشر، مصلحان را به مفسدان فروخته، پاکان را فدای فاسدان کرده، و بجای بندگی در درگاه خدای متعال- که بی نیاز از گرنش بشر است- دست بیعت و بندگی به انسان های پلیدی داده، که منافع آنان در گرو این بندگی هاست؟!!

بشر به خاطر سرپیچی از ندای وجدان و گوش ندادن به فرمان عقل، گردابی مهیب برای زندگی دنیوی خویش فراهم آورده، و دنیا و آخرت خویش را تباه کرده است، و این سرنوشت هرکجرو خیره سر می باشد!! ولی خدای متعال وعده فرموده که در آینده جهان، بشریت دوباره به سوی حضرت حق روی آورند ندای عقل و وجدان را به گوش جان بشنوند، و با سفرای الهی هم

ص: 120

---

1- فرازهائی از دعای ندبه.

جهت شوند، چنان که فرموده است:

(إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (1)

همانا زمین از آن خداست. و آن را به آن دسته از بندگانش که می خواهد، به ارث می دهد.

خداوند چنین اراده فرموده که آینده زمین در اختیار بندگان خدا باشد، آیین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله آیین جهانیان گردد، راه و روش حضرت علی مرتضی علیه السلام و مسیر همه بندگان خدا شود، فرامین امامان پاک از نسل فاطمه زهرا علیهم السلام دستورالعمل همگان قرار گیرد، و نوای (أَشْهَدُ أَنْ عَالِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ) در کنار (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ) بر فراز کعبه و تمام مأذنه های جهان طنین انداز شود، چون لازمه اصلاح زمین، همراهی شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیغمبر اکرم با قبول ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود در ذیل آیه (وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا) (2) گوید:

(إِصْلَاحِهَا بِرَسُولِ اللَّهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، فَأَفْسَدُوهَا حِينَ تَرَكُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام) (3).

اصلاح زمین به رسول خدا و امیر المؤمنین شد. آن گاه (مردم)

ص: 121

1- قرآن کریم، سوره اعراف، آیه 128.

2- سوره اعراف، آیه 56 و 85.

3- بحار الانوار؛ ج 36، ص 147.

زمین را فاسد کردند، آن گاه که امیرالمؤمنین را ترک کردند.

رفاعه گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

(وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً) (1) قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَتَّقِي أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (2).

(و برای او آن چه در آسمان و زمین است به میل و اکراه تسلیم می شود) فرمودند: هنگامی که قائم ما قیام کرد، جانی در روی زمین باقی نمی ماند، مگر این که در آن جا صدای شهادت به (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ) بلند می شود.

دیگر دوران آیین های باطل و ادیان منسوخ به پایان می رسد، و یک آیین برگیتی حکمفرما خواهد بود، همه بر یک روش سلوک می کنند، و دنبال یک مذهب خواهند بود. و آن مذهب حقه اثنی عشریه است.

ابی بکیر گوید:

(سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً)، قَالَ: أَنْزَلْتُ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ وَالزَّنَادِقَةَ وَأَهْلِ الرِّدَّةِ وَالْكَفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا. فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ، فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَمَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَيَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ. وَمَنْ لَمْ

ص: 122

1- سورة آل عمران، آیه 83.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 340

يُسَلِّمُ ضَرْبَ عُنُقِهِ، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ أَحَدٌ، إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ (1).

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام التفسیر این آیه (و برای او آن چه در آسمان و زمین است به میل و اکراه تسلیم می شود) سؤال کردم. حضرت فرمود: این آیه درباره قائم نازل شده است. هنگامی که علیه یهود و نصاری و صابئین و مادی ها و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین قیام کند و اسلام را پیشنهاد می نماید، هر کس از روی میل پذیرفت، دستور می دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و آن چه هر مسلمانی مأمور به انجام آن است، بر وی نیز واجب می کند. و هر کس مسلمان نشد، گردنش را می زند، تا آن که در شرق و غرب عالم، احدی نماند مگر این که خدا را به یگانگی بپرستد.

هشام جوالیقی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در وصف گروهی از اصحاب حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام فرمودند:

(... لَا يَأْتُونَ عَلَى أَهْلِ دِينٍ إِلَّا دَعَوْهُمْ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى الْإِسْلَامِ وَإِلَى الْإِقْرَارِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَ مَنْ لَمْ يَقِرَّ بِإِسْلَامِمْ وَلَمْ يُسَلِّمْ، قَتَلُوهُ، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ... أَحَدٌ إِلَّا أَقَرَّ) (2).

... به اهل دینتی نمی رسند، مگر این که ایشان را به سوی خدا و به سوی تسلیم حق متعال شدن و اقرار به (نبوت) محمد صلی الله علیه و آله

ص: 123

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 340.

2- بحار الانوار؛ ج 27، ص 43.

دعوت می کنند. و کسی که به یکتاپرستی اقرار نکند و اسلام نیاورد، او را می کشند، تا آن که در مشرق و مغرب کسی نماند مگر این که اقرار نماید.

حضرت مهدی علیه السلام به مردم جهان را با خدا آشنا می کند، یاد خدا را در دل ها زنده می نماید، مردم را خدا ترس می کند، سجایای اخلاقی را در میان جوامع گسترش می دهد، دروغگویان و ریا کارها و تزویرگران را رسوا می کند، و خواری و زبونی را برای آنان به ارمغان می آورد، در حالی که هزاران سال است این جانیان، ذلت را برگردن بندگان خدا قرار داده اند و پاکان را ذلیل و پلیدان را عزیز کرده اند. حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام عقل ها را کمال می بخشد. آن گاه- با بیداری نور عقل- انسان ها بدی را از خوبی باز می شناسند و به گرد زشتی نمی گردند. عصر حکومت حضرت مهدی علیه السلام دوران کمال انسانی و عصر رهایی انسان ها از بندهای عبودیت نفس و اطاعت پلیدان است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

(لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ... فَتَوَدَّيْتُ: يَا مُحَمَّدُ! هُوَ لَأَوْلِيَانِي وَأَحِبَّائِي وَأَصْفِيَانِي وَحُجَجِي بَعْدَكَ عَلَى بَرِّيْتِي، وَ هُمْ أَوْصِيَانُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ وَ خَيْرُ خَلْقٍ بَعْدَكَ. وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَظْهَرَنَ بِهِمْ دِينِي، وَ لَأُعْلِينَ بِهِمْ كَلِمَتِي، وَ لَأُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ بِأَخْرِهِمْ مِنْ أَعْدَانِي، وَ لَأُمْلِكُنَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ لَأُسْحَرَنَّ لَهُ الرِّيحُ، وَ لَأُذِلَّنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ، وَ لَأَرْقِيَنَّهُ فِي الْأَسْبَابِ، وَ

ص: 124

لَأَنْصُرَهُ بِجُنْدِي وَلَا مَدَدُهُ بِمَلَائِكِي حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي وَيَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي، ثُمَّ لَا دِيمَمٌ مُلْكُهُ وَلَا دَلِيلٌ الْأَيَّامَ بَيْنَ أُولِيَّائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (1).

وقتی مرا به آسمان بالا بردند... پس ندا داده شدم که: ای محمد! اینان دوستان من و برگزیدگان من و حجت های من بعد از تو بر بندگان من می باشند. و جانشینان و خلفا و بهترین بندگانم بعد از تو هستند. به گرانقدری و بلندای مقامم سوگند که دین خود را به وسیله آن ها بر اوهام بشر چیره می کنم، و کلمه خود را به وسیله آن ها بلند دارم، و به وسیله آخرین آن ها زمین خود را از دشمنانم پاک می سازم، و سلطنت شرق و غرب را به او می دهم، و بادهای را در اختیار او می گذارم، و ابرهای سخت را برای او رام می گردانم، و در راه های آسمان او را بالا می برم، و با لشکر خود او را یاری می دهم، و به وسیله فرشتگانم او را کمک می کنم، تا آن که دعوت مرا آشکار کند و بندگان را بر عقیده به توحید من گرد آورد. آن گاه سلطنت او را طولانی می گردانم، و روزگار دولت او را در میان دوستانم تا روز قیامت امتداد می دهم.

از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند :

(... فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَجَاءَ مَهْدِيُنَا، كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شَيْعَتِنَا أَجْرَى مِنْ لَيْثٍ وَأَمْضَى مِنْ سَنَانٍ، يَطَأُ عَدُوَّنَا بِرِجْلَيْهِ وَيَضْرِبُهُ بِكَفَّيْهِ. وَذَلِكَ عِنْدَ نُزُولِ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ

ص: 125

... پس هر گاه که امر ما فرارسد و مهدی ما بیاید، یک مرد از شیعیان ما، از شیر دلیرتر و از نیزه چابک تر است. دشمنان ما را زیر پای خود خرد می کند و با کف دست به او ضربت می زند. و این در هنگام نزول رحمت خدا و گشایش او برای بندگان است.

ابو بصیر گوید: درباره سخن خدای متعال که می فرماید:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (2)

اوست کسی که فرستاده خود را به هدایت و دین حق فرستاد، تا آن که او را بر تمامی دین ها چیره کند، و اگر چه مشرکان را ناخوش آید.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

(وَ اللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ. وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ، لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرَهُ خُرُوجَهُ، حَتَّىٰ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ، لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرُنِي وَ أَقْتُلُهُ) (3).

به خدا سوگند که هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نازل نخواهد

ص: 126

---

1- بحار الانوار، ج 52؛ ص 318.

2- سوره توبه، آیه 33. سوره صف، آیه 9.

3- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 324.

شد، تا آن که قائم علیه السلام قیام کند. پس هرگاه که قائم قیام کند، کافر به خدای بزرگ و مشرک به امام باقی نمی ماند، مگر این که قیام او را ناخوش دارد. تا آن که اگر کافر یا مشرکی در میان صخره ای باشد، آن صخره، ندا بر می آورد که: ای مؤمن در میان من کافری است، مرا خرد کن و آن کافر را نابود نما.

دامنه شرک به تمام انواع آن از زمین برچیده می شود که یکی از مصادیق مهم آن، کنار گذاردن حجت معصوم الهی و دیگری را به جای آن برگزیدن است. پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و در ضمن خبرهایی که از آزار و اذیت شدن ذریه خود پس از رحلت حضرتش داده، فرمودند:

(أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ إِنَّ ذَلِكَ يُزُولُ إِذَا قَامَ قَائِمُهُمْ وَعَلَتْ كَلِمَتُهُمْ وَاجْتَمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ (الی آخره)) (1).

جبرئیل به من خبر داد که این (آزارها) هنگامی زایل می شود که قائم ایشان قیام کند، و (در آن زمان) نام و آوازه ایشان بلندی می گیرد، و امت بر محبت ایشان هم پیمان خواهند شد.

جابر گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

(إِنَّ اللَّهَ نَزَعَ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ شِيعَتِنَا وَاسْكَنَهُ قُلُوبَ أَعْدَائِنَا. فَوَاحِدُهُمْ أَمْصَى مِنْ سَنَانٍ وَأَجْرَى مِنْ لَيْثٍ. يُطْعَنُ عَدُوهُ بِرُمْحِهِ وَيَضْرِبُهُ بِسَيْفِهِ وَيَدُوسُهُ بِقَدَمِهِ) (2).

همانا خداوند (هنگام قیام قائم ما) ترس را از دل های شیعیان ما

ص: 127

1- بحار الانوار؛ 37، ص 192.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 336.

زایل می کند و در دل دشمنان ما می افکند. پس هر یک از آن ها از نيزه چابک تر و از شیر دلیر تر هستند، به طوری که دشمن ما را به نيزه خود می زند و به شمشیر خود مضروب می سازند، و زیر پای خود آن ها را له می کنند.

راوی از امام معصوم علیه السلام نقل می کند که فرمودند:

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ، وَازْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرَ وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَرَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ، وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَيَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ. أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) وَحَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَحُكْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبْدِي بَرَكَاتِهَا، وَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لَصَدَقَتِهِ وَلَا لِبِرِّهِ لَشُّمُولِ الْغَنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ. وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ يَبْقَى لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكَوْا قَبْلَنَا، لَيْلًا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكَتْنَا سِرْنَا بِهِ مِثْلَ سِيرَةِ هَوْلَاءَ. وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (1).

زمانی که قائم قیام نمود، به عدالت حکم می کند. و در روزگار او ظلم و ستم از میان می رود، و راه ها امن می شود. و در این هنگام، زمین برکات خود را بیرون می دهد، و هر حقی را به صاحب حق می دهد، و پیروان هیچ دینی باقی نمی مانند، مگر

ص: 128

این که اظهار مسلمانی می کنند و با ایمان شناخته می شوند. آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید (و برای او آن چه در آسمان و زمین است، به میل و اکراه تسلیم می شود و به سوی ما باز می گردند) میان مردم به حکم داوود علیه السلام و حکم محمد صلی الله علیه و آله حکومت می کند. و در این هنگام، زمین گنج های خود را ظاهر می کند و برکاتش را آشکار می سازد. و مردی از شما جائی برای صدقات و انفاق های خود پیدا نمی کند، به خاطر همگانی شدن بی نیازی میان مؤمنان.

و سپس حضرت فرمود: دولت ما آخرین دولت هاست، و هیچ خاندانی باقی نمی ماند که برای آنان دولت و سلطنتی باشد، مگر این که پیش از ما به سلطنت می رسد، تا هنگامی که ما بر سر کار آمدیم و روش دولت ما را دیدند، نگویند: اگر ما به سلطنت می رسیدیم مانند ایشان عمل می کردیم. و این است (معنی) سخن خدا که می فرماید: (فرجام کار از آن پروا پیشگان است).

در دوران قیام قائم آل محمد علیه السلام دیگر با کفار مدارا نخواهد شد. زیرا دوران مدارای با کفار، عصر پیش از ظهور است. و چون آن حضرت آشکار شود، کافران یا باید آیین حق را بپذیرند یا با ایشان می ستیزد. و حتی - چنان که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله از کفار جزیه می پذیرفتند - جزیه نمی پذیرد. چون خدا اراده فرموده به دست آن حضرت زمین را از کفر پاک کند، و در روی زمین کافری باقی نماند.

از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الْكُوفَةِ، فَيَبْعَثُ الثَّلَاثَ مِائَةَ وَ الْبِضْعَةَ عَشَرَ وَ جُلًّا إِلَى الْإِفَاقِ كُلِّهَا، فَيَمْسَحُ بَيْنَ أَكْتَافِهِمْ وَعَلَى صُدُورِهِمْ، فَلَا يَتَعَايُونَ فِي قَضَاءٍ، وَلَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَسُولُ اللَّهِ، وَ هُوَ قَوْلُهُ: (وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) وَ لَا يَقْبَلُ صَاحِبٌ هَذَا الْأَمْرَ الْجَزِيئَةَ كَمَا قَبِلَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ) (1).

(قال أبو جعفر صلى الله عليه وآله: يُقَاتِلُونَ وَ اللَّهُ حَتَّى يُوجَدَ اللَّهُ وَ لَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ) (2).

سپس به سوی کوفه باز می گردد، سیصد و اندی مرد را به سوی شرق و غرب گسیل می دارد، میان شانها و بر سینه های ایشان دست می کشد. آن گاه در قضاوت در مانده نمی شوند. و زمینی باقی نمی ماند مگر این که در آن شهادت داده می شود که: «معبودی جز خدا نیست و او را به یکتائی بر می شمرد و برای او شریکی نیست و محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده خداست». و این معنای سخن خداست که فرمود: «و برای او هر که در آسمان ها و زمین است، از روی خواست و کراهت، اسلام می آورد و به سوی او

ص: 130

1- سورة انفال، آية 39.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 345.

باز می گردند». و او جزیه (از کفار) نمی پذیرد، آن چنان که پیش از آن رسول خدا جزیه پذیرفت. و این سخن خداست که فرمود: «با ایشان بستیزید، تا این که فتنه ای نماند و تمامی دین برای خدا شود».

امام باقر علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند، سپاهیان مهدی آن قدر می ستیزند، تا آن که خدا به یکتائی پرستیده شود و برای او شرک آورده نشود.

محمد بن مسلم گفت:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ)

(قَالَ: لَمْ يَجِيءْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ بَعْدُ. إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَخَّصَ لَهُمْ لِحَاجَةِ أَصْحَابِهِ. فَلَوْ قَدْ جَاءَ تَأْوِيلُهَا لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُمْ. وَ لَكِنَّهُمْ يَقْتُلُونَ حَتَّى يُوحِدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكَ) (1).

به امام باقر علیه السلام گفتم: سخن خدای - عزّ ذکره - چیست که می فرماید: «با ایشان بستیزید تا این که فتنه ای نماند و تمامی دین برای خدا شود».

فرمود: هنوز تأویل این آیه نیامده است. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان به خاطر نیاز یارانش رخصت داد. پس اگر تأویل این آیه بیاید، از ایشان پذیرفته نمی شود. ولیکن با ایشان می ستیزند، تا آن که خدای عزّوجلّ به یکتائی پرستیده

ص: 131

شود و تا این که شرک باقی نماند.

علی بن ابی بصیر گفت:

(قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَآتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: إِنَّكُمْ أَهْلُ بَيْتِ رَحْمَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهَا. فَقَالَ لَهُ: كَذَلِكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. لَا تُدْخِلُ أَحَدًا فِي ضَلَالَةٍ وَلَا تُخْرِجُهُ مِنْ هُدًى. إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ، لَا يَرَى مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ) (1).

مردی خدمت حضرت باقر علیه السلام رسید و عرض کرد: شما اهل بیت رحمتی هستید که خداوند شما را به این منقبت مخصوص داشته است. حضرت فرمودند: چنین است و خدا را شکر می گوئیم. زیرا ما هیچ کس را به گمراهی نینداخته ایم و هیچ کس را از راه هدایت بیرون نبرده ایم. دنیا به آخر نمی رسد، مگر این که خدای عزوجل مردی از ما اهل بیت را بر می انگیزد که مطابق کتاب خدا عمل می کند، و کار زشتی را نمی بیند، مگر این که آن را تقبیح نماید.

از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(... فَكَذَلِكَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلْبٍ مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ... لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ...) (2)

ص: 132

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 378.

2- بحار الانوار؛ ج 52، ص 280.

... و (اوضاع) این چنین خواهد بود، تا آن که خدا در آخر الزمان و دوران شدت روزگار و عصر نادانی مردمان، مردی را برانگیزد... تا آن که کافری باقی نماند مگر این که ایمان آورد، و گناهکار و پلیدی نماند مگر این که صالح شود...

بدان امید که هر چه زودتر نوای قدسی آن حضرت از کنار خانه کعبه- همان معبد ابراهیمی- بلند شود. و ندای (يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ) از کنار کعبه در سراسر گیتی طنین انداز شود، تا جهانیان بدانند منشور جهانی انبیا دعوت به توحید است، و آیین بحق اسلام، بر محور توحید و یگانه پرستی می گردد، و امام شیعیان خود بنده راستین خداست، و قیام خود را از کنار همان خانه ای آغاز می کند که نبی مکرم اسلام اعلام منشور توحید و یگانه پرستی خود را از کنار آن آغاز کرد. همان خانه ای که جا به جای آن، دانه های اشک پیامبران و صالحان و امامان پاک از سلاله ابراهیم را- که از ترس خدا و امید به مهر خالق ممتان ریخته- در دل خود جا داده است. همان خانه ای که بخش بخش اضلاع آن، شاهد صدای حزین مولای سفر کرده شیعیان است که در سرتاسر دوران طولانی غیبت، دست التجا به سوی خدا دراز کرده و خدا را در کنار این خانه خوانده و ظهور و فرج خویش را از خدا خواسته است. همان خانه ای که شاهد دعای شبانه آن عزیز بوده که خدا را قسم داده و گشایش کار شیعیان خود را درخواست کرده است. و همان خانه ای که در کنار آن، پس از قرن ها، صلاهی مظلومیّت جدّ گرامش حضرت اباعبدالله علیه السلام را سر می دهد، و ندای مظلومیّت حضرتش را بر جهانیان اعلام می دارد.



ارتباط امام عصر علیه السلام با عالم غیب و حکم به واقع

برای پیشبرد اهداف معنوی و تحقق بخشی حکومت عدل الهی، دست غیبی لازم است. تمام انبیا، در کنار واجدیت های انسانی و قدرت های الهی، ارتباط با عالم غیب نیز داشته اند و با برخورداری از آن قدرت ها و علوم، بر اهریمنیان پیروز شده اند. چیرگی حضرت نوح بر کافران، غلبه حضرت ابراهیم بر آتش نمرودیان، نجات بنی اسرائیل به دست حضرت موسی از ستم فرعونیان و... جملگی گواهی از این ارتباطات می دهد. در نظر مردم، رهسپار شدن ایشان همراه حضرت موسی - با زن و فرزند و وسایل زندگی - به طرف دریای نیل، کاری ظاهراً نادرست به نظر می رسید. و لذا بنی اسرائیل گفتند که فرعونیان با کم ترین زحمت به ایشان می رسند و همه را دستگیر می کنند. بدین مناسبت بر حضرت موسی علیه السلام اعتراض کردند و کار او را نادرست خواندند. اما حضرت موسی به الهام الهی می دانست که تنها راه نجات در کنار رود نیل است، و خدا بنی اسرائیل را از دریای نیل عبور

ص: 135

می دهد و فرعون و فرعونیان را غرق می فرماید.

حضرت بقیة الله علیه السلام نیز واجد تمام توانایی ها و معجزات و بیّنات انبیاست، و با عالم غیب ارتباط دارد. فرشتگان الهی حقایق و واقعیات را به آن حضرت الهام می کنند، و از سوی خدای مّتان، این بزرگوار مشمول عنایات ویژه ای می گردد. زیرا دامنة اقدامات آن حضرت به گستره همه تاریخ است. و کارهائی را که انبیا در دوران حیات خود موفق به انجام کامل آن نشدند، آن حضرت باید یک تنه در جهان پیاده کند. لذا تمامی نیروهای غیبی در اختیار آن حضرت قرار می گیرد.

عبدالله بن عجلان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند:

(إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ - حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ) (1).

آن گاه که قائم آل محمد - که بر او و ایشان سلام باد - قیام کند، در میان مردم به حکم داوود حکم خواهد نمود. و محتاج بیّنه و گواه نخواهد بود. خدا به او الهام می فرماید و او به علم خود عمل می کند.

جابر گوید: از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند:

(يَمْلِكُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثِمِائَةَ سَنَةٍ وَيَزِدَادُ تِسْعًا... وَ تَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ وَ يُوحى اللَّهُ فَيَعْمَلُ بِالْوَحْيِ بِأَمْرِ اللَّهِ...) (2).

ص: 136

---

1- بحار الانوار؛ ج 14؛ ص 14.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 390.

قائم علیه السلام 309 سال حکومت می کند... و زمین برای او در نور دیده می شود و خدا به او وحی می کند. پس به فرمان خدا به وحی الهی عمل می نماید.

البته وحی شدن به آن حضرت، به معنی وحی نبوت نمی باشد، بلکه در موضوعات و ابتلائات، به آن بزرگوار، از سوی غیب الهاماتی می شود. چنان که ابو الجارود گوید:

(قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَخْبِرْنِي عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. قَالَ: يُمَسِّي مِنَ أَخَوَاتِ النَّاسِ وَيُصْبِحُ مِنَ آمَنِ النَّاسِ، يُوحَى إِلَيْهِ هَذَا الْأَمْرُ لَيْلَهُ وَنَهَارَهُ، قَالَ: قُلْتُ: يُوحَى إِلَيْهِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قَالَ: يَا أَبَا جَارُودٍ إِنَّهُ لَيْسَ وَحْيٌ بُبْرَةٍ، وَلَكِنَّهُ يُوحَى إِلَيْهِ كَوَحْيِهِ إِلَى مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَإِلَى أُمِّ مُوسَى وَإِلَى النَّحْلِ. يَا أَبَا جَارُودٍ، وَإِنْ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ أَكْرَمَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَأُمِّ مُوسَى وَالنَّحْلِ) (1)

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: قربان شما شوم، به من از صاحب این امر خبر دهید. فرمود: شب می کند در حالی که از نا امن ترین مردم باشد. و صبح می کند در حالی که از امان یافته ترین ایشان باشد. و این امر شب و روز به او وحی می شود. گوید: عرض کردم: ای امام باقر به او وحی می شود؟! فرمود: ای ابا جارود! آن وحی نبوت نیست، بلکه خدا به او وحی می کند، هم چنان که به مریم دختر عمران و مادر موسی

ص: 137

وحی کرد و هم چنان که به زنبور عسل وحی می کند. ای ابا جارود! او همانا قائم آل محمد صلی الله علیه و آله در نزد خدا گرامی تر از مریم دختر عمران و مادر موسی و زنبور عسل است.

شیوة حکومت آن حضرت نیز، با تمامی حکومت های جهان تفاوت دارد. در میان سفرای الهی، تنها نمونه های اندکی از نوع حکومت آل محمد صلی الله علیه و آله وجود دارد که یکی حکم نمودن آن حضرت به باطن است. در محاکم دوران حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام از پرونده و پرونده سازی خبری نیست. بلکه حقایق واقعی جهان را خدا به حضرت بقیة الله الاعظم الهام می کند، گرچه جنایت پیشگان تمام اسناد و شهود را از میان برده، و از خود نشانی باقی نگذاشته باشند.

حریز: گفت از حضرت صادق علیه السلام را شنیدم که می فرمود:

(لَنْ تَذْهَبَ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ آلِ دَاوُدَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً) (1).

دنیا تمام نمی شود، تا آن که مردی از ما اهل بیت خروج کند که به حکم داوود و خاندان داوود حکومت نماید، و از مردم بیینه نطلبد.

ابان گفت: از حضرت صادق علیه السلام را شنیدم که می فرمود:

(لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمِ آلِ دَاوُدَ، لَا يَسْأَلُ عَنْ بَيِّنَةٍ يُعْطِي كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا) (2).

ص: 138

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 319.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 320.

دنیا به اتمام نمی رسد، این که مردی از ما خروج می کند که به فرمان خاندان داوود حکومت می کند و از کسی بی‌تنبه نمی طلبد و به هر کس حکم واقعی او را عطا می کند.

ابی عبیده نقل می کند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

(إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ، لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً) (1).

هرگاه قائم ما قیام کند، به فرمان داوود و سلیمان علیهما السلام حکومت می کند و از مردم بی‌تنبه نمی طلبد.

حسن بن طریف گوید:

(كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ الْقَائِمِ إِذَا قَامَ بِمِيقَاتِي بَيْنَ النَّاسِ؟ ... فَجَاءَ الْجَوَابُ: سَأَلْتَ عَنِ الْإِمَامِ. فَإِذَا قَامَ يَقْضِي بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ (الخبير) ) (2)

به حضرت ابا محمد امام حسن عسکری علیه السلام نامه نوشتم و از ایشان در باره قائم سؤال کردم که هرگاه قیام کند، چگونه میان مردم قضاوت می کند... پس جواب (نامه به من) رسید که: از امام سؤال کردی. پس هرگاه قیام کند، در میان مردم به علم خودش قضاوت می کند، به سان قضاوت داوود علیه السلام، که (از افراد) بی‌تنبه نمی خواست.

عبدالله بن عجلان گوید: از حضرت صادق علیه السلام فرمود:

ص: 139

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 320.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 320.

(إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ، لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَيُخَيِّرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَيَعْرِفُ وَلِيُّهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَإِنَّهَا لِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ (1)) (2).

هرگاه قائم آل محمد علیه السلام و قیام کند، میان مردم به حکم داوود حکومت می کند و محتاج بیینه نیست، خدا به او الهام می کند، پس او به علم خود حکم می نماید. و به هر قومی از آن چه اندوخته اند، خبر می دهد. و به چهره، دوست خود را از دشمن می شناسد. خدای سبحان فرموده: «و همانا در آن، نشانه ای برای سیما شناسان است. و همانا آن راه به پا داشته است».

خدای متعال، حتی یاران امام زمان علیه السلام را هم به امدادهای غیبی خود یاری می کند، و تمام هستی را در مسیر برپائی حکومت حقّه الهیه با ایشان همراه می کند. سنگ و خاشاک، در و دیوار، باد و نسیم، همه در خدمت حضرت بقیه الله الاعظم و یاران گرامی او قرار می گیرند، زیرا که:

توحید گوی او نه بنی آدمند و بس \*\*\* هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

امروز، نه تنها بندگان صالح خدا از عصیان بنی آدم رنج می برند، بلکه تمام موجودات - حتی زمین خشک به ظاهر بی

ص: 140

1- سورة حجر، آیه 75.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 339.

روح هم- از گناهی که بر پشت او توسط آدمیزادگان انجام می شود رنج می برند. اساساً در منطق قرآن، همه موجودات- اعم از انسان و حیوان و نبات و جماد- تسبیح خدا کنند، و در مسیر بندگی خدا حرکت می نمایند. از این نظر، در دوران حکومت امام زمان علیه السلام تمام هستی به خدمت او کمر می بندند.

حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

(... ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَمْنَحُ الْقَائِمَ وَأَصْحَابَهُ أَكْتَابَهُمْ، فَيَقْتُلُونَهُمْ حَتَّى يُفْنُوهُمْ، حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ يَخْتَفِي فِي الشَّجَرَةِ وَالْحَجَرَةِ، فَتَقُولُ الشَّجَرَةُ وَالْحَجَرَةُ: يَا مُؤْمِنٌ! هَذَا رَجُلٌ كَافِرٌ، فَأَقْتُلْهُ. فَيَقْتُلُهُ... (1)).

... سپس خدای متعال، گردن های آنان را به قائم و یارانش عطا می کند. پس ایشان با آنان کارزار می کنند، تا آن که ایشان را نابود می نمایند، تا آن جا که مردی در میان درخت و صخره پنهان می شود. پس درخت و صخره می گویند که: ای مؤمن! این مرد کافر است، پس او را نابود کن. آن گاه فرمود مؤمن او را نابود می کند...

ابا بصیر گوید: درباره گفته خدای متعال که می فرماید:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)

اوست کسی که فرستاده خود را به هدایت و دین حق فرستاد،

ص: 141

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 388.

تا آن که او را بر تمامی دین ها چیره کند، و اگر چه مشرکان را ناخوش آید.

امام صادق علیه السلام پس فرمود:

(وَ اللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ. وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ، لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ، إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ. حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرْنِي وَ أَقْتُلْهُ) (1).

به خدا سوگند که هنوز تأویل این آیه نازل نشده است. و نازل نخواهد شد تا آن که قائم علیه السلام قیام کند. پس هرگاه که قائم قیام کند، کافر به خدای بزرگ و مشرک به امام علیه السلام باقی نمی ماند، مگر این که قیام او را ناخوش دارد، تا آن که اگر کافر یا مشرکی در میان صخره ای باشد، آن صخره ندا بر می آورد که: ای مؤمن در میان من کافری است. مرا خرد کن و آن کافر را نابود نما.

ص: 142

---

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 324.

عصر حکومت حضرت بقیة الله الاعظم دوران اتمام ستمگری است؛ نه که بر انسان ها ستم نمی شود، بلکه هیچ کس اجازه آزار درندگان بیابان و پرندگان در هوا را نخواهد داشت، حتی حیات موجودات دریایی نیز در معرض مخاطره قرار نمی گیرد. در روزگار رهائی، گستره عدالت تا بدان جاست که حتی حیوانات وحشی نیز در سایه حکومت عدل گستر مهدی آل محمد در آرامش و آسایش خواهند زیست.

راه ها امن می گردد و دزدی و تباهی از میان می رود. نه کمبود وجود دارد که کسی دست به دزدی بیالاید، نه قوانین دست و پاگیر در امر ازدواج باقی می ماند که موجب بی عفتی شود، نه از عوامل پر خاشگیری اثری می ماند که افراد ناخواسته بر هم درشتی کنند. نه پدر و مادر را حق گزاف گوئی بر فرزندان خواهد بود و نه کودکان را اجازه مخالفت با پدران و مادران. نه شوهر بر زن

خویش درشتی می کند و نه زن مخالفت امر شوهر. دامنه الفت بدان جا می رسد که گویا همسایگان اعضای یک خانواده هستند. در کشور مهدی آل محمد شهروندان از همدیگر و مردم از حکمفرمایان و حکمرانان از مردم در امان خواهند بود.

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَكَهَا قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا. فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! وَمَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟ قَالَ: الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي، ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ، وَيَقْدِسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ. وَهُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ. وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ، فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يُظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا... (1)).

کسی که ورع ندارد دین ندارد. و کسی که تقیّه نکند ایمان ندارد. همانا گرامی ترین شما در نزد خدا، عمل کننده ترین شما به تقیّه، قبل از قیام قائم ماست. و هر که قبل از قیام قائم ما تقیّه را ترک کند، از ما نیست. گفته شد: ای پسر رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود: چهارمین فرزند من، فرزند بانوی کنیزان است. خدا به وجود او زمین را از ستم پاک می کند و از هر بیداد منزّه می دارد. و او همان کسی است که مردم در

ص: 144

ولادت او شک می کنند. و او دارای غیبتی قبل از قیامش می باشد، هرگاه خروج کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و ترازوی عدالت میان مردم برقرار می گردد. پس کسی به کسی ستم نخواهد کرد.

دامنة عدالت تا حدی است که در اعمال عبادی نیز باید مردم عدالت را رعایت کنند، و برهم عدوان نکنند. از نظر عقل و نقل، اقامة واجبات بر مستحبات مقدم است. و اگر میان اقامة واجب و مستحب تعارضی رخ دهد، تقدّم با واجبات است. لذا باید حجّاج بیت الله الحرام، راه حجّ را برای کسانی که حجّ واجب بر گردن دارند، باز کنند. و حقّ تقدّم با کسی است که حجّ واجب به گردن دارد.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

(أَوَّلُ مَا يُظْهِرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يَسْلِمَ صَاحِبُ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَالطَّوْفَ) (1).

اول چیزی را که قائم از عدالت آشکار می کند، آن است که منادی او ندا می دهد که صاحبان (حجّ و طواف) استحبایی، حجر الاسود و طواف را برای صاحبان (حجّ) واجب واگذارند.

حتی مراکز عبادی نیز نباید مردم را بیازارند. چون عبادتی که موجب آزار مردم شود نقض غرض است. بندگی خدا در صورتی

ص: 145

شکل می گیرد که ابرار آزار را برای مردم فراهم نکند. چه بسیار مردمانی هستند که به عنوان عبادت، موجبات آزار مردم را فراهم می کنند. در عصر حضرت مهدی علیه السلام علیه السلام مقدس ترین مراکز اسلامی که خانه خداست، هم نباید موجب آزار مردم را فراهم کند. حتی نباید مساجد نیز بر خانه های مردم اشراف داشته باشند.

از حضرت امام باقر علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی نقل شده که فرمودند:

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ، فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ. وَلَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَهُ شَرَفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَجَعَلَهَا جَمًّا. وَوَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ. وَكَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ عَنِ الطَّرِيقِ. وَأَبْطَلَ الْكَنْفَ وَالْمَيَازِبَ إِلَى الطُّرُقَاتِ... (1)).

هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می کند. و هیچ مسجدی را نمی گذارد، جز این که کنگره و اشراف آن را خراب می کند، و به حال ساده و بدون اشراف می گذارد (هم چنان که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنان بود).

شاهراه بزرگ را توسعه می دهد و هر گوشه ای را که مانع راه های عمومی شود (و در مسیرهای عمومی واقع است)، خراب می کند. و ایوان ها و ناودان هائی را که در مسیرهای عمومی واقع شده، خراب کرده و آن (ناودان ها) را کور می کند...

در آن دوران، سبزی ها و میوه ها آن چنان زمین را می پوشاند که

ص: 146

دیگر احتکار و اندوختن معنا ندارد، و همگان از این نعمت های خداداد، به وفور بهره مند می شوند.

در کتاب الاربعمائه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

(وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَاصَّدَ طَلَحَتِ السِّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ، حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ، لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَإِلَى رَأْسِهَا زَيْلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ) (1).

اگر قائم ما قیام کند... کینه ها از دل بندگان خدا زایل می شود، و درندگان و حیوانات (اهلی) با هم صلح می کنند (و حیوانات اهلی از درندگان نمی گریزند)، تا جائی که زنی که می خواهد راه عراق تا شام را بییماید، همه جا قدم بر روی سبزه و گیاهان می گذارد، و زینت های خود را بر سر دارد (و کسی طمع به آن نمی کند). نه درنده ای به او حمله می آورد، و نه او را درندگان به وحشت می آورند.

به کارگیری کلمه زن به جای مرد، در این حدیث، دلالت ویژه ای دارد. زیرا خطرات وارده بر زنان بیش از مردان است. اما در عصر امام مهدی علیه السلام و دیگر هیچ خطری متوجه افراد نخواهد شد. و چنان امنیتی در جهان حاکم می شود که حتی زنان در مسافرتی - تنها و بدون همراه، خواه آشنا و خواه نا آشنا- با مشکلی مواجه نخواهند شد. از بیان مسافت میان عراق و شام هم نکته ای زیبا دستگیر می شود، چون در عصر امیر مؤمنان علیه السلام

ص: 147

---

1- بحار الانوار: ج 52؛ ص 316.

آشفته ترین منطقه در کشور آن حضرت، منطقه بین عراق و شام بوده است، زیرا معاویه بن ابی سفیان در آن حدود، جنایات فراوانی مرتکب می شد، اشرار او در آن منطقه هجوم می آوردند، جان و مال مردم را به تاراج می دادند، خون های مسلمانان را به ناحق می ریختند و به ناموس مسلمانان هجوم می آورند، که تفصیل این مطالب در کتب مستند تاریخی چون «الغارات» و دیگر کتب مندرج است. امیرالمؤمنین علیه السلام در ترسیم امنیت دوران ظهور برای مردمان عصر خویش، به آشفته ترین منطقه آن زمان اشاره می کنند. یعنی آشفته ترین منطقه زمین، منطقه امن و امان خواهد شد و دیگر جایی آشفته نخواهد ماند که برای انسان ها خطر و ناامنی بیافریند. هم چنین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با ذکر مثال از منطقه خشک و بی آب و علف غرب عراق، عمومیت سبزی و خرمی جهان را بیان فرموده اند، یعنی تمامی زمین سبز و خرم می گردد، درختان پر میوه می شوند، روئیدنی ها از زمین می رویند، چهارپایان و درندگان به آرامش در کنار هم می زیند. گویی که بهشت زمینی آشکار می شود و وزش بادهای عنایت الهی، تمامی زمین را زنده می کند، نه غم است و نه اندوه، نه ناامنی است و نه کمبود، و نه تباهی است و نه پلیدی.

حضرت باقرعلیه السلام فرمود:

(يَقَاتِلُونَ وَاللَّهُ حَتَّى يُوْحَدَ اللَّهُ وَلَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ، وَحَتَّى يُخْرَجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ وَلَا يَنْهَاهَا أَحَدٌ، وَيَخْرُجُ اللَّهُ مِنَ الْأَرْضِ بَدْرَهَا. وَيُنزَلُ

ص: 148

مِنْ السَّمَاءِ فَطَرُهَا... (1).

به خدا سوگند، سپاهیان مهدی آن قدر می ستیزند تا آن که خدا به یکتائی پرستیده شود و برای او شرک آورده نشود، تا آن جا که پیرزنی ناتوان از مشرق به قصد مغرب خارج می شود، و کسی مانع او نمی شود. و خدا بذرهای زمین را خارج می کند. و آسمان باران خود را می بارد...

راوی از امام معصوم علیه السلام نقل می کند:

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ اِزْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرَ وَ اَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ...) (2)

زمانی که قائم قیام نماید، به عدالت حکم می کند. و در روزگار او ظلم و ستم از میان می رود و راه ها امن می شود...

سیّد بن طاووس در کتاب «سعد السعود» گوید: من در صحف ادریس نبیّ علیه السلام یافتم (که خدای تعالی می فرماید):

(... وَ اَلْقِي فِي تِلْكَ الزَّمَانِ اَلْاَمَانَةَ عَلَي اَلْاَرْضِ، فَلَا يَصُدُّ شَيْءٌ شَيْئاً وَ لَا يَخَافُ شَيْءٌ مِنْ شَيْءٍ، ثُمَّ تَكُونُ اَلْهَوَامُّ وَ اَلْمَوَاشِي بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يُؤْذِي بَعْضُهُمْ بَعْضاً...) (3).

... در آن زمان، امانتداری را در روی زمین برقرار سازم، که هرگز چیزی چیزی را تلف نمی کند، و کسی از چیزی نمی ترسد. سپس جانوران زهردار و چهارپایان در میان مردم می گردند، ولی هیچ یک به دیگری زیان نمی رسانند...

ص: 149

1- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 345.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 338.

3- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 384.



بزرگ ترین عامل فتنه انگیزی در جهان، ابلیس لعین است. اوست که در جا به جای تاریخ بشر ظاهر شده، و مردمان را از راه خدا بیرون برده است. در کنار قابیل علیه هابیل به ستیز برخاسته، و در کنار جملگی کافران و ظالمان علیه حق و عدالت برخاسته است. با همدستی سامری، بنی اسرائیل را از راه به در کرده و همراه یهودیان شده و قصد جان حضرت مسیح علیه السلام را برداشته. همراه پولس شده و در تحریف آیین حضرت عیسی علیه السلام همراهی کرده، و در صحنه لیلۃ المبیّت در کنار کفار مکه، به صورت شیخ نجدی ظاهر شده و کفار را در جهت قتل پیغمبر اسلام علیه السلام راهنمایی کرده است. در جنگ بدر و اُحد در میان سپاهیان کفار قرار گرفته و آنان را بر جنگ با پیغمبر اسلام تحریک کرده. در صحنه غدیر خم آشکار شده و جماعتی را به شیطنت واداشته. در ماجرای سقیفه، اولین فردی بوده که در شکل مردی

متدین و ظاهر الصّلاح آشکار شده و به خلیفه دست بیعت داده، و خلاصه در تمامی صحنه های کفر و الحاد حضور یافته، و خلائق را به تبهکاری کشانیده است. با وجود این عامل خطرناک، اصلاحات جهانی امکان پذیر نمی باشد. از اقدامات مهم دوران حضرت بقیّة الله الاعظم علیه السلام آن است که به حیات این دشمن خدا، خاتمه داده می شود.

اسحاق بن عمّار گفت:

سَأَلْتُهُ عَنْ إِنْظَارِ اللَّهِ تَعَالَى إِبْلِيسَ وَقْتًا مَعْلُومًا ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ: (فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ) (1).

(قَالَ: الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ، فَإِذَا بَعَثَهُ اللَّهُ كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَجَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجْثُوَ عَلَى رِكْبَتَيْهِ. فَيَقُولُ: يَا وَيْلَاهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ! فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ، فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ: (يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ) (2) )

از آن حضرت پرسیدم: این که خداوند به شیطان تا وقت معلوم مهلت می دهد که در کتاب خود می فرماید (تواز مهلت دادگان تا روز وقت معلوم هستی) این وقت معلوم، چه زمانی خواهد بود؟

فرمود: روز قیام قائم ماست. وقتی خداوند او را برانگیزد، در مسجد کوفه است. در آن وقت، شیطان- در حالی که با

ص: 152

---

1- سورة حجر، آية 37. سورة ص، آية 80.

2- بحار الانوار؛ ج 52؛ ص 376.

زانوهای خود راه می رود- به آن جا می آید و می گوید: ای وای از خطر امروز، آن حضرت پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند، آن زمان، روز وقت معلوم است که (مهلت شیطان به پایان می رسد).

این موضوع، نه تنها در اسلام مطرح شده، بلکه انبیای قبل نیز امت خود را به نابودی شیطان در حیات دنیا خبر داده اند. سید بن طاووس قدس الله روحه در کتاب «سعد السعد» گوید که من در صحف ادریس نبی علیه السلام یافتم که در بیان سؤال ابلیس و جواب خدای متعال به او (نوشته بود که ابلیس) گفت: (ای پروردگار من، مرا تا روز قیامت مهلت بده) خداوند فرمود:

(لَا وَ لَكِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. فَإِنَّهُ يَوْمٌ قَضَيْتُ وَ حَتَمْتُ أَنْ أُطَهِّرَ إِلَّا رُضِيَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنَ الْكُفْرِ وَ الشُّرْكِ وَ الْمَعَاصِي... ذَلِكَ وَ قْتُ حَجَبْتُهُ فِي عِلْمِ غَيْبِي، وَ لَا بُدَّ أَنْهُ وَاقِعٌ أَبِيدُكَ يَوْمَئِذٍ وَ خَيْلِكَ وَ رَجْلِكَ وَ جُنُودَكَ أَجْمَعِينَ، فَادْهَبْ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ) (1).

خیر. تواز مهلت یافتگان تا روز معلوم هستی. پس آن روز، روزی است که حکم نمودم و حتم داشتم که در آن روز، زمین را از آلودگی کفر و شرک و گناهان پاک گردانم... آن روز وقتی است که- آن را در علم غیب خودم پنهان کرده ام، و ناچار به وقوع می پیوندد. در آن روز تو و تمام سپاه ر سواره و پیادگان و

ص: 153

لشکریانت را نابود می گردانم، پس برو که تو تا روز وقت معلوم، مهلت داده شده ای.

البته باید توجه داشت که گرچه شیطان نابود می گردد، ولی مردم، هم چنان قدرت بر ارتکاب گناه دارند، و تمایلات انسانی در ایشان باقی می ماند، و لذا تکلیف وجود خواهد داشت. لذا با تکامل عقلی انسان ها و هدایت امام معصوم علیه السلام، زمینه آلودگی برچیده می شود.

ص: 154

خدای متعال، سرانجام این جهان را چنان مقدر کرده که در عصر حکومت پر برکت بقیة الله الاعظم علیه السلام، موجودات عالم خلقت به کمال مطلوب دست یابند. یعنی:

در سرتاسر زمین گیاه می روید،

آسمان در نهایت رحمت می بارد،

معادن و گنج ها آشکار می شوند،

شهرها وسعت پیدا می کند،

مرزهای میان سرزمین ها برداشته می شود،

راه ها گسترش می یابد،

خرابی ها اصلاح می گردد،

زمین، نور باران می شود،

راه های آسمان گشوده می شود،

سفرهای فضائی همگانی می گردد،

میان انسان و طبیعت آشتی برقرار می شود،

گرسنگی و میش با یکدیگر می چزند،

حیوانات وحشی و موذی برای انسان ها خطری نخواهند داشت،

پاکان عزیز می شوند،

نابکاران خوار می گردند،

عدالت بر جهان سایه می گسترد،

فقر و فلاکت از گیتی رخت بر می بندد،

بی خانمانی اتمام می یابد،

گرسنگی از سراسر جهان برچیده می شود،

زنان و کودکان بی سرپرست، تحت اداره دولت حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه قرار می گیرند،

امراض و بیماری ها بهبود می یابد،

فحشا از گیتی برچیده می شود،

عفت و پاکدامنی همه گیر می شود،

به جای صفیر ابلیس، از همه جا نوای قدسیان بر می خیزد، به جای باده گساری، مردمان از سبوی ایمان سرمست می شوند،

به جای حرام خواری، از غذاهای لذیذ بهره می برند،

به جای نجس نوشی، آب های خوشگوار می نوشند،

حقایق کتمان شده در تاریخ آشکار می گردد،

گرگان میش نما رسوا می شوند،

حقوق بر باد رفته خلق، از جانیان باز ستانده می شود، قصاص خون های به ناحق ریخته، گرفته می شود،

قصاصِ خونِ پاکِ محسنِ زهراى اطهرِ عليها السلام گرفته مى شود، خونِ مطهرِ على اصغرِ قصاص مى شود،

خونِ پاکِ شهيدانِ کربلا قصاص مى شود،

حقايقِ بيکرانِ قرآنِ آشکار مى گردد،

دانش و بينش در جهان افزوده مى شود،

استعدادهاى نهفته جسمى و روحى انسان ها آشکار مى گردد، به جاى بردگى در برابر فرعونان، جاى خود را به کرنش بر آستانه خدای جهانيان مى دهد،

بتکده ها به خانه هاى توحيد مبدل مى شوند،

و لذتِ بندگى خدا در کام جان مردمان مى نشيند.

بنابراين حکومت امام عصر عليه السلام زمانِ تحوّل اساسى و عميق از نقص به کمال براى ما سوى الله است.

(اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا رُؤْيَيْتَهُ وَعَجَلُ فَرْجِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَخَوَاصِّ شَيْعَتِهِ، وَ مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ جُمْلَةً أَوْلِيَانِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا صُحْبَتَهُ بِحَقِّ آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ).

\*\*\*

15 شعبان المعظم 1409 هجرى قمرى مطابق با 3 فروردين 1368 هجرى شمسى روز پنجشنبه ساعت 3/5 بعد از ظهر. از درگاه احدیت خواستارم مرا از جمله خدمتگزاران واقعى و ناشرين آثار اجداد گرامش قرار داده و از راه فضل و منت با عدم قابليت، دیدارش را روزى فرماید و امر

ص: 157

ظهور و فرجش را اصلاح فرماید، و این روسیاه بر اثر گناه را، سگِ ریسمان به گردنِ دربِ خانهٔ حضرتش قرار دهد، که او خود، شاهد و گواه بر قلب من است که با این منصب اگر پذیرایم باشد، مفتخرم و به بهای هستیِ خود، آن را خریدارم.

مشهد مقدّس

م-ب- علم الهدی

ص: 158

حمد سزاوار آن خدای توانا \*\*\* کامده حمدش و رای مدرک دانا  
ذات و صفاتش و رای عرصه چونست \*\*\* جلّ عن کیف شانه و تعالی  
کیست ولیّ خدا سَمیّ محمّد \*\*\* مخفی و نورش برون ز پرده إخفا  
جلوه او برتر از غیاب و حضور است \*\*\* نور خدا هر کجا تویی بود آن جا  
شمس رخس در سحاب غفلت خلق است \*\*\* گنج تولاش در طلسم تبرا  
پرده نشین پرده دار خالق و مخلوق \*\*\* کرده زهر پرده پشت پرده تجلی  
ماه جمالی که مشرقش رخ احمد \*\*\* زهره جبینی که مطلعش دل زهرا  
نور حسینی نژاد و بدر حسن روی \*\*\* مظهر اسماء حق که آمده حسنی  
مشرق والشمس و شمس مغرب و اللیل \*\*\* تیر و التّجم و ماه مطلع طاها  
آن که به ذیلش کلیم کرده توسل \*\*\* و آن که خلیلش زده است دم ز تولا  
آن که ندانم به روزگار ظهورش \*\*\* محشر صغریست یا قیامت کبری  
بحر عمل، موج علم، کشتی حکمت \*\*\* گوهر دریای زهد و جوهر تقوی  
نور سما، انار ارض، تیر گیتی \*\*\* روح فلک، قلب مُلک، مالک اشیا

چشمه پر نور چار جدول جنت \*\*\* میوه کافور پنج شاخه طوبی  
کشتی فرخنده سیر، "سبعه ابهر" \*\*\* کوکب تابنده برج "عشره اثنا"  
ای علوی سیرت ای جمال مقدس \*\*\* ای نبوی صورت ای لقای مزکی  
ای به بلای تو مبتلا شده ایوب \*\*\* ای ز فراق تو خون گریسته یحیی  
منتظرانیم یوم نصر ظهورت \*\*\* بر فرج ای دوست بعد شدت اعدا  
کاین شب یلدای عسر ما به سر آید \*\*\* جلوه کند روز پسر بارخ ابھی  
پر شود از عدل و داد عرصه گیتی \*\*\* گرگ و غنم بی شبان چرند به صحرا  
رو به لطافت نهد جهان ز کثافت \*\*\* آیت علیا شوند طینت سفلی  
جلوه کند آفتاب و سایه نماند \*\*\* خانه منور شود چو دامن صحرا  
راست شود کار روزگار به تدریج \*\*\* حکمت یزدان چنین نموده تقاضا  
بارخدایا به نور شمس نبوت \*\*\* آن که ظهور تو راست مقطع و مبدا  
بارخدایا به ماه برج ولایت \*\*\* مظهر اسمت علی عالی اعلی  
بارخدایا به آن مجلی اعظم \*\*\* بارخدایا به این تجلی اسنی  
بارخدایا به حق تسعه انوار \*\*\* بارخدایا به نور خمسه اسما  
دولت اسلام را به ملت اسلام \*\*\* آیه کبری ببخش و غایت قصوی

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

